

گۆسترېجې

صاحب امتیاز و مدیرمسئول

: امید شکری

شورای سردبیری :

امید شکری، بابک درزی

همکاران : محمد علی

حیدری، مهدی کیانی، سلیمان محمدی،
تایماز نظامی، طه ستاره دان، آیدین
انگوتی، صابر روحبخش، سعید شیرین،
سعید احمد زاده اردبیلی، علیرضا شیخی
حصار، غلامرضا شیخی حصار، آیلین دورنما،
معصومه بایرام زاده، مریم ناظری

با تشکر از همکاری نشریات

دانشجویی: آراز (دانشگاه تبریز)، آراز
(دانشگاه تربیت معلم شهید رجایی تهران)،
کیملیک (دانشگاه کردستان)، دوزگون خبر
و یول (دانشگاه تهران)

طرح روی جلد

: بابک درزی

امور مالی

: رحمان موسوی

(۱) سرمقاله، مدیر مسئول

(۲) جهانی شدن و حقوق بشر، محمد علی حیدری

(۳) اعلامیه جهانی یونسکو درباره تنوع فرهنگی

(۴) جهانی شدن و هویت فرهنگی، جان تاملینسون

(۵) چراغهای تاریک رابطه، توکل کیانی اصل

(۶) اوستاد فرهاد اردبیلی ایله دانیشیق

(۷) هیجرانلار آلوده سی

(۸) خبر

(۹) آزادی در حیطه آزادی، ائلدار ارفان

(۱۰) کیفیت، قدم اول در اطلاع رسانی، آیلین دورنما

(۱۱) معرفی سایت

(۱۲) ناتها چه کسانی هستند؟، تایماز نظامی

(۱۳) آراز بویو، سلیمان محمدی

(۱۴) یول و نرسه اگر... / آنا تورپاق

(۱۵) معرفی کتاب

(۱۶) Historical Identity of Azerbaijan

سر مقاله

مدیرمسئول

فرهنگ هر جامعه، طبق اعلامیه جهانی یونسکو در مورد تنوع فرهنگی نمود بارز ویژگیهای مادی - معنوی، فکری و احساسی است که زبان، ادبیات، شیوه زندگی و هنر را نیز شامل می‌شود و وظیفه دولت‌ها طبق اعلامیه جهانی یونسکو در قبال فرهنگهای قومی حفظ و صیانت تمامی فرهنگهای اقوام ساکن در آن سرزمینها می‌باشد. در کشورهای پیشرفته اهمیت این موضوع بخوبی توسط دولتمردان احساس شده و در کنار حفظ و تقویت فرهنگی ملی امکانات لازم برای رشد و بالندگی فرهنگهای بومی فراهم می‌گردد. این شعار یونسکو که حفظ و ارتقای تنوع فرهنگی کلید توسعه پایدار انسانی است بصورت باور درآمده است.

در حالی که در ایران سیاست آسیمیلاسیون (یک کشور، یک زبان، یک فرهنگ) از زمان رضاخان و تحت سیاست استعماری انگلستان به اجرا درآمد و برای اعتلای زبان فارسی و فرهنگ ملی (آریایی) تمامی امکانات لازم از سوی رژیم پهلوی تأمین شد. برای اجرای هر چه بهتر این سیاست (شوونیزم) نابودی همزمان فرهنگ و زبان سایر اقوام نیز به مرحله اجرا درآمد که نمونه دردناک این سیاست در آذربایجان پیاده شد. در اولین گام تدریس زبان تورکی آذربایجانی در کلیه مقاطع تحصیلی ممنوع شد، صحبت کردن زبان تورکی آذربایجانی توسط دانش‌آموزان آذربایجانی در مدارس جریمه و تنبیه دربرداشت، کتابهای تورکی سوزانیده شد و ... در کنار این فعالیتها برای اعتلای فرهنگ ملی بنیادهایی همچون بنیاد ایرج افشار سیستانی و... تأسیس گردید و ابداع زبان پاک، یا آذری باستان نیز در همین راستا انجام گرفت، تا این روند منجر به رشد و بالندگی فرهنگ آریایی شود پس از رضاخان نیز این سیاست با شدت بیشتری پیگیری شد.

همزمان با این فعالیتها، در بخش اقتصادی و در راستای همان سیاست کلیه امکانات برای نقاط مرکزی ایران و استانهای نظیر تهران، یزد، کرمان، اصفهان و مرکزی و .. هزینه شد. متأسفانه در حال حاضر نیز همان تبعیضها به بهانه‌های واهی ادامه دارد هنوز هم در تاریخ‌خانه‌هایی که سردمداران آن افرادی چون عنایت ا... رضا، پرویز ورجاوند، کاوه بیات و ... هستند. برای محو فرهنگ و زبان مردم آذربایجان نقشه‌های شومی طرح می‌شود در صدا و سیما نیز رگه‌هایی از این سیاست مشاهده می‌شود و در کنار این اعمال سیل سرمایه راهی نقاط مرکزی و کویری ایران می‌شود و به بهای ویرانی تدریجی نقاطی چون آذربایجان، کویر هر روز آبادتر می‌گردد. با روی کار آمدن دولت خاتمی که شعار قانون‌گرایی را سرلوحه خویش قرار داده بود، بارقه‌های امیدی در دل اقوام ایرانی روشن شد ولی پس از گذشت ۷ سال هیچ اقدامی برای احقاق حقوق ابتدایی اقوام ایرانی انجام نگرفت و یا قرار نبود که در این مورد اقدامی صورت گیرد.

البته نباید از خاتمی نیز انتظار بیش از این داشت چرا که دغدغه‌های اصلی وی اجرای طرح گفتگوی تمدن‌ها (بدون توجه به گفتگوی میان اقوام ایرانی)، گسترش زبان فارسی، تغییر خط کشور تاجیکستان وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان افغانی و... می‌باشد مورد اخیر یعنی تغییر خط کشور تاجیکستان به قدری برایشان مهم بود که حتی در سفر اخیر به تاجیکستان خواستار چاره‌اندیشی و اتخاذ تصمیم مناسب مسئولین دولتی تاجیکستان برای حل این قضیه شد چرا که از نظر وی تغییر خط موجب دوری مردم این کشور از ریشه‌های تاریخی و هویت خویش خواهد شد. حال جای این

سئوال باقیست در ایران تحت سیاست آسیمیلیاسیون تحصیل در کلیه مقاطع فقط به زبان فارسی بوده و با آنکه به صراحت در قانون اساسی به بهره‌گیری از زبانهای محلی در کنار زبان فارسی در مدارس و دانشگاهها تأکید شده و عدم تحصیل به زبان مادری موجب بیگانگی دانش‌آموزان با هویت خویش می‌شود چرا کمترین دغدغه‌ای برای ایشان بعنوان يك فرد فرهیخته و فرهنگی فراهم نمی‌آورد. ولی تغییر خط کشور تاجیکستان موجب جدائی اقلیت تاجیک این کشور از ریشه‌های تاریخی این کشور خواهد شد! شاید هم ...

در این بین توجه خاص دولت خاتمی به حفظ آثار باستانی مناطق فارس‌نشین و کشورهای نظیر افغانستان و تاجیکستان نیز حائز اهمیت می‌باشد چنانچه همه‌ساله از محل بودجه ملی صرف مرمت و نگهداری آثاری چون تخت جمشید می‌گردد و یا مقبره رودکی در تاجیکستان (سال ۱۳۷۸) از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران از محل بودجه فرهنگی کشور مرمت می‌گردد. در همان حین ارگ تبریز که نماد ایستادگی آذربایجان در طول تاریخ بوده در اثر برخی کج‌فهمی‌ها در حال نابودی تدریجی بوده و هیچ اقدام مؤثری برای جلوگیری از تخریب تدریجی این بنا بعمل نمی‌آید و...

(۱) روزنامه اطلاعات، سه شنبه ۲۴ شهریور، شماره ۲۳۱۵۴

جهانی شدن و حقوق بشر

محمد علی حیدری

گسترش تکنولوژی‌های ارتباطات در دو قرن اخیر باعث ظهور روند جهانی شدن در حوزه‌های مختلف زندگی جوامع انسانی گردیده است. هر چند روند جهانی شدن با گسترش سرمایه‌داری جهانی و نظامهای لیبرال دموکراسی به عنوان دیدگاه فلسفی - سیاسی آن در طی چند سده اخیر در حال پیشرفت بوده است ولی در چند دهه اخیر و به ویژه پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی جهانی شدن به یکی از مباحث و منازعات فکری عمده بین صاحب‌نظران علوم اجتماعی تبدیل شده است و تمامی حوزه‌های زندگی اجتماعی به لحاظ تأثیرپذیری از روند جهانی شدن مورد بحث قرار می‌گیرد. امروزه اصطلاح «دهکده جهانی» جهت نشان دادن سرعت اثرات متقابل تحولات داخلی و بین‌المللی بر همدیگر به کار برده می‌شود.

آنچه در این نوشتار بدان خواهیم پرداخت، جهانی شدن و حقوق بشر است که بعد از تحولات قرون ۱۶، ۱۷ و ۱۸ به صورت مدون و حدود دویست و بیست سال پیش ابتدا در «اعلامیه استقلال آمریکا» و سپس به فاصله چند سال بعد در انقلاب فرانسه در «اعلامیه حقوق بشر و شهروند» متجلی گردید. هر چند در آن سالها امکان تحقق عینی و کامل حقوق بشر حتی در خود آمریکا و فرانسه با توجه به موانع موجود باقی‌مانده از نظامهای فئودالیت و دیدگاه‌های نژادپرستانه وجود نداشت با این حال این اعلامیه‌ها مبنایی برای توسعه و تعمیق حقوق بشر فراهم آورد.



«اعلامیه حقوق بشر و شهروند دربردارنده حقوقی بود که تصور می‌شد برابری و آزادی و شادمانی را برای انسانها تامین کند. این اعلامیه که در حقیقت مانیفست انقلاب فرانسه بود، بدیهی است که نمی‌توانست از خواستهای بورژوازی که طبقه رهبری کننده آن بود فراتر برود. از این رو اگر چه نسبت به زمان خود پیشرفته بود، تا یک قرن بعد هم همچنان اعتبار خود را به عنوان منشور لیبرالها و دموکراتهای اروپا حفظ کرد، اما با گذشت زمان و با پیدایش نظامهای اقتصادی - اجتماعی متکاملتر، کمبودهایش بیش از پیش آشکار شد و از دیدگاههای مختلف مورد نقد و بررسی قرار گرفت. سرانجام اعلامیه جهانی حقوق بشر که تکامل یافته‌تر و شفاف‌تر از آن است از آن تنه آن فرا رویید.»

تلفات انسانی وحشتناک جنگ‌های جهانی اول و دوم و خصوصاً پاکسازی نژادی، کشتار غیر نظامیان و بطور کلی نقض گسترده حقوق بشر شرایط ذهنی و عینی را برای صدور و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر فراهم کرد که با اکثریت آرا در سال ۱۹۴۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در مقدمه خود در خصوص حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده‌ی بشری و احترام به آن چنین اشعار می‌دارد: از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده‌ی بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد، و عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است و حسن تفاهم مشترکی نسبت به این حقوق و آزادی‌ها برای اجرای کامل این تعهد، کمال اهمیت را دارد، مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً مدنظر داشته باشند و مجاهدت کنند که بوسیله تعلیم و تربیت، احترام به این حقوق و آزادیها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین‌المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها چه در میان خود ملل عضو و چه در میان مردم کشورهایایی که در قلمرو آنها می‌باشند، تامین گردد.

در واقع اعلامیه جهانی حقوق بشر در مقدمه خود حیثیت ذاتی انسان را به عنوان دایرة مدار ارزشهای مشترک بشری به رسمیت می‌شناسد و به موازات آن ضمانت اجرا و تحقق ارزشهای ملهم از آن را در تمامی کشورها و فرهنگ‌ها خواستار می‌گردد.

به لحاظ سیر تاریخی تحولات مربوط به حقوق بشر در واقع حقوق مدنی و سیاسی هستند که ریشه در ارزشهای مکتب لیبرالیسم کلاسیک دارند و اساساً مربوط به آزادیهای بزرگی همچون عقیده، بیان، اجتماع و مشارکت، ضمانت‌های قضایی مبنی بر بی‌گناه بودن اشخاص تا زمان اثبات جرم و منع عطف بماسبق شدن قانون و حقوق سیاسی است.

نسل دوم حقوق بشر، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. پیدایش این حقوق به جنگ جهانی دوم بخصوص به نطق مشهور رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا فرانکلین روزولت برمی‌گردد که از آزادیهای چهارگانه:

۱- آزادی نطق و بیان، آزادی عقیده و بعدها، آزادی مطبوعات

۲- آزادی دین، مذهب و مرام سیاسی

۳- آزادی یا رهایی از احتیاج

۴. آزادي

همچنين برخي از حقوق اقتصادي و اجتماعي مانند حق تامين اجتماعي، کار و سطح مناسب زندگي و آموزش که در اعلاميه جهاني حقوق بشر ۱۹۴۸ برشمرده شده است در اين گروه جاي مي‌گيرد. با افزايش تعداد کشورهاي با نظام سوسياليستي و روند استعمارزدائي در دهه‌هاي ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در آفريقا و آسيا تاکيد بر اين حقوق به شدت افزايش يافت. البته لازم به ذکر است که در جريان بحران اقتصادي ۱۹۳۰ حقوق اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي در ايدئولوژي سوسيال - دموکراتهاي غربي به رسميت شناخته شد.

با تداوم و تعميق جهاني شدن، نسل سومي از حقوق بشر ظهور و گسترش يافته است. حقوقي که در برخي از قطع‌نامه‌هاي سازمان ملل متحد، منشور آفريقايي حقوق بشر و ملتها از آنها ياد شده است. «حقوق جمعي» واژه‌اي است که به نسل سوم حقوق بشر اطلاق مي‌شود. از ميان حقوقي که در اين نسل مورد بحث و دقت قرار مي‌گيرند مي‌توانيم به مواردی چون حق توسعه، حق برخورداری از محیط زیست سالم و حق صلح اشاره کنیم.

جنگ سرد از ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۱ به خاطر رقابت دو بلوک شرق و غرب موضوع حساس وحياتي حقوق بشر را تحت‌الشعاع خود قرار داده بود. اما پايان جنگ سرد، از بين رفتن نظام دو قطبي، و افزايش تعداد کشورهايي که نظام ليبرال دموکراسي را به عنوان نظام سياسي خود برگزيده بودند نوعي اجماع و مشروعيت جهاني براي ارزشهاي حقوق بشر منبعث از مباني فلسفي - سياسي ليبرال دموکراسي را ايجاد کرده است و به طور متوالي کنفرانسهاي جهاني حقوق بشر جهت بررسی موانع و ارائه راهکارهاي عملي براي توسعه و تامين حقوق بشر برگزار شده است يکي از مهمترين اين کنفرانسها، کنفرانس جهاني حقوق بشر وين ۱۹۹۳ بود که اقدامات و برنامه‌هاي قابل توجهي تدارک ديده شد که امروزه به مرحله اجرا درآمده‌اند. اين امر به نوعي نشانگر اجماع جامعه بين‌المللي در زمينه حقوق بشر است که منشأ آنها از اصول و مفاد اعلاميه وين سرچشمه مي‌گيرد. از جمله:

۱- اهميت دادن به سازمان ملل متحد و نقش سازمان در مورد حقوق بشر مانند حفظ جان اقليتها، کمکهاي بشر دوستانه و... نقش اين سازمان در تنظيم و اجراي قواعد و قوانين حقوق بشري (بند ۱ و ۴ بخش دوم اعلاميه وين)

۲- پيشنهاد تاسيس پست کميساريائي عالي حقوق بشر (بند ۱۷ و ۱۸ بخش دوم اعلاميه وين)

۳- تاييد مجدد حق توسعه و نيازهاي زيست محيطي براي حال و نسل آينده (بند ۱۰ و ۱۱ بخش يکم اعلاميه وين)

۴- اين که کشورها ديگر نمي‌توانند رزرو يا حق شرط را که مغاير با روح معاهدات (که منظور معاهدات حقوق بشري است) مغايرت داشته باشد اعمال کنند بند ۲۶ بخش يکم و بنده بخش دوم اعلاميه وين)

۵- ارجاع طرح تنظيم اساسنامه يك دادگاه کيفري بين‌المللي براي نفضهاي وسيع حقوق بشردوستانه و حقوق بشر به کميسيون حقوق بين‌الملل (بند ۹۲ بخش دوم اعلاميه وين)

۶- پذيرش و تاييد اين معني که برخورداری از مواهب توسعه حقي جديدي ناپذير از حقوق بشر است (بند ۱۰ بخش يکم و بند ۶۶ تا ۷۷ بخش دوم اعلاميه وين)

۷- یکپارچه‌سازی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان حقوقی جدایی‌ناپذیر از حقوق مدنی و سیاسی و ارتباط متقابل بین آنها (بند ۹ بخش یکم اعلامیه وین)

۸- شناخت دموکراسی بعنوان یکی از اجزای حقوق بشر و بدین ترتیب هموار کردن راه تقویت و پیشبرد دموکراسی، دموکراسی‌گستری و حکومت قانون (بند ۹ بخش سوم اعلامیه وین)

۹- پذیرش این معنی که اعمال روشها و رویه‌های تروریستی، از بین بردن حقوق بشر را هدف قرار می‌دهند (بند ۱۷ بخش یکم اعلامیه وین)

۱۰- تقویت سیاستها و برنامه‌های معطوف به از میان برداشتن نژادپرستی، تبعیض، بیگانه‌ترسی و نابرابری (بند ۱۹ بخش یکم و بند ۲۴ بخش دوم اعلامیه وین).

امروزه با گذشت بیش از ده سال از تصویب اعلامیه وین شاهد عملی شدن بسیاری بندهای آن هستیم. پست کمیساریای عالی حقوق بشر هم اکنون به طور جدی در زمینه حقوق توسعه، حقوق اقتصادی و اجتماعی، حفظ حقوق مدنی و سیاسی، مبارزه با فقر و نهایتاً ترویج جهان‌شمولی حقوق بشر همراه با احترام نسبت به فرهنگهای منطقه‌ای و آموزش حقوق بشر فعالیت می‌کند. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ به تصویب رسید و از این پس کلیه جرایم مربوط به کشتار جمعی، جرایم علیه بشریت، جنایات جنگی و جرم و تجاوز در این دادگاه بررسی خواهد شد. بنابراین در مجموع اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین مواردی را مورد توجه قرارداد که در حمایت از حقوق بشر با اتکا به وجدان مشترک بشری نقش چشم‌گیری داشته است. حضور و استقبال ۱۷۱ کشور در کنفرانس وین و تصویب اعلامیه حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۳ بیانگر این است که امروزه حقوق بشر با حسن استقبال کشورها روبرو گردیده و یک احساس مشترک نسبت به حمایت از حقوق بشر میان کشورها پدید آمده است.»

کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ حق توسعه را به عنوان بخش لاینفک حقوق بشر مورد توجه قرار داده و آن را به طور تفکیک‌ناپذیری با دموکراسی و صلح مرتبط دانسته است. پطروس گالی دبیر کل سابق سازمان ملل متحد در دستور کار برای توسعه اصلاح فرهنگ توسعه را مطرح کرده است. از نظر وی در فرهنگ توسعه همه ابعاد اصلی زندگی به منزله جنبه‌هایی از توسعه تلقی می‌گردد. دیگر ارگانهای وابسته به سازمان ملل متحد و سازمانهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی نیز در جهت ایجاد نوعی اجماع جهانی در خصوص حق توسعه به عنوان یکی از اجزای اصلی حقوق بشر در دهه‌های اخیر گام برداشته‌اند هر چند موانعی از سوی الزامات اقتصاد لیبرال در راه تحقق توسعه عادلانه برای تمامی جوامع وجود دارد.

توسعه اقتصادی که حقوق بین‌الملل توسعه به دنبال آن بود، ایده توسعه اجتماعی بین‌المللی و ارتقا حقوق بشر از طریق تامین نیازهای اساسی انسان بود. ابعاد چنین توسعه‌ای در اجلاس کپنهاگ (۱۶ الی ۱۲ مارس ۱۹۹۵) منعکس شده است. اعلامیه کپنهاگ در صدد برآمد تا بین دو گرایش متضاد، یعنی الزامات اقتصاد لیبرالی و مطالبات اجتماعی و عدالت‌خواهانه و انسانها آشتی ایجاد کند. این تلاش در پیام اجلاس مذکور که بر محور مسائل زیر شکل گرفته، به روشنی خودنمایی می‌کند.

الف - توسعه بر محور انسان که موتور واقعی توسعه می‌باشد قابل درک است دولت‌ها دیگر نمی‌توانند به عنوان محور و موتور توسعه قلمداد شوند. این امر به نوبه خود اولویت‌های جدیدی چون بهداشت و آموزش همگانی را مطرح می‌کند.

ب - توسعه اجتماعی بین‌المللی هر دولتی را مخاطب قرار می‌دهد و همه اعضاء جامعه جهانی را دربرمی‌گیرد چرا که با جهانی شدن (اقتصاد) فقر و بدبختی نیز جهانی شده و دیگر مختص کشورهای جنوب نیست و حتی تا قلب کشورهای توسعه یافته و پیشرفته نیز رسوخ کرده است.

ج - توسعه اجتماعی بین‌الملل مشارکت اصلی را پایه‌گذاری می‌کند که در آن دولت حاکمیت خود را با بازیگران دیگر تقسیم می‌کند و برحسب ظهور جامعه مدنی جهانی می‌گردد.

دبیر کل سازمان ملل در گشایش اجلاس کپنهاگ بیان نمود که: «حق توسعه بیانگر حلقه غیرقابل تفکیک بین ارتقای توسعه اجتماعی و غایت از حقوق بشر می‌باشد».

علیرغم مناقشاتی که در خصوص ارزشهای حقوق بشر بین کشورهای غربی از یک سو و کشورهای آسیایی و آفریقایی از سوی دیگر جریان دارد و حتی سوءاستفاده‌های سیاسی که تعدادی از قدرتهای سیاسی در صدد بهره‌برداری از آن برای تحت فشار قرار دادن رقبا هستند، حقوق بشر روز بروز توجهات بیشتری را به خود جلب می‌کند و هم از سوی نهادها و سازمانهای بین‌المللی دولتی و هم غیردولتی حساسیت بیشتری برای رعایت حقوق بشرو عدم نقض آن شاهد هستیم.

رعایت حقوق بشر به ویژه در کشورهای در حال توسعه که هنوز نظامهای سیاسی به شکل دمکراتیک شکل نگرفته و فرهنگ سیاسی دمکراتیک هنوز به فرهنگ غالب تبدیل نشده است دارای استاندارد بسیار پایینی است، زیرا در این کشور حکومت‌ها هنوز در مقابل مردم پاسخگو نیستند و حاضر به محدود کردن حوزه عمل خود به خاطر رعایت حقوق بشر نیستند هر چند روز بروز این گونه حکومتها تحت فشار بیشتری در صحنه داخلی و بین‌المللی قرار می‌گیرند.

حقوق بشر در تحولات بعد از پایان جنگ سرد در سیاست بین‌الملل نیز تاثیرگذار بوده است (صرفنظر از اینکه قدرت‌های بزرگ در سیاست جهان از موضوع حقوق بشر در پاره‌ای موارد سوء استفاده می‌نمایند). در سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ بعد از اخراج عراق از کویت نیروهای متحد شکست دهنده عراق به رهبری آمریکا، انگلیس و فرانسه براساس قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد «منطقه امن شمال عراق» را برای حفاظت از جان جمعیت کرد عراق ایجاد کردند مبنای حقوقی ایجاد منطقه امن «دخالت بشردوستانه» بود تا از نقض گسترده حقوق بشر توسط ارتش عراق جلوگیری نمایند. زیرا ارتش عراق با بمباران و کشتار غیرنظامیان به کشته و آواره شدن صدها هزار نفر جمعیت کرد شمال عراق باعث شده بود.

در مارس ۱۹۹۹ پس از آنکه دول غربی نتوانستند دولت صربستان را از طرق دیپلماتیک وادار به توقف نسل‌کشی مسلمانان آلبانیایی تبار کوزوو بنمایند و از سوی دیگر با توجه به تهدید روسیه به وتوی قطعنامه شورای امنیت برای صدور مجوز حمله نظامی به صربستان، نیروهای نظامی ناتو برای جلوگیری از نسل‌کشی کوزووی‌ها توسط صرب‌ها و

متوقف کردن نقض گسترده حقوق بشر به صربستان جمله کردند و نیروهای پلیس و ارتش صربستان را از ایالت کوزوو بیرون راندند و کشتار کوزویها را متوقف کرده و آوارگان را به کوزوو برگرداندند که مبنای حقوقی حمله نظامی ناتو به صربستان نیز «دخالت بشردوستانه» بوده است که بعد بطور ضمنی توسط شورای امنیت به رسمیت شناخته شد و میلوشویچ دیکتاتور جانی صربستان در سالهای بعد دستگیر و هم اکنون در دادگاه جنایات یوگسلاوی سابق محاکمه می‌شود.

دولت‌ها در گذشته در پوشش اصل حق مالیکت به هرگونه می‌خواستند در مورد حقوق افراد و گروه‌های اجتماعی اعمال نقش می‌کردند اما امروزه در پرتو گسترش ارتباطات و شکل‌گیری نوعی همبستگی و اجماع جهانی در خصوص حقوق ذاتی و فطری بشر نقض حقوق انسانها از سوی دولت‌ها دیگر مسموع نیست و نقض حقوق بشر از سوی دولت‌ها از مواردی است که به نهاد و سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد اجازه می‌دهد که حق حاکمیت دولت‌ها را نادیده بگیرند و جلوی نقض گسترده حقوق بشر را بگیرند.

هر چند ابزارهای حقوقی و سیاسی در سیاست و حقوق بین‌المللی امروز به اندازه‌ای قوی نیستند که ضمانت اجرایی کافی جهت حمایت از حقوق بشر و جلوگیری از نقض آن فراهم نمایند. اما همانگونه که در نظاهرات‌های ضدجنگ در سراسر جهان و ماجرای شکنجه زندانیان ابوغریب توسط سربازان آمریکایی مشاهده گردیده حتی آمریکا بعنوان قویترین کشور حال حاضر جهان نمی‌تواند به افکار عمومی بین‌المللی کاملاً بی‌اعتنا باشد و همین پدیده باعث شد که در ماجرای شکنجه زندانیان عراقی در زندان ابوغریب وزرای دفاع و خارجه آمریکا رسماً و آشکارا از افکار عمومی جامعه آمریکا و جهان عذرخواهی نمایند.

اکنون حقوق بشر به حدی بر حاکمیت دولت‌ها ارجح شمرده می‌شود که حتی شهروندان یک کشور می‌توانند بر علیه دولت خود در مجامع بین‌المللی اقدام به شکایت نمایند. در مجامع بین‌المللی به شکایاتی که از سوی شهروندان یک کشور در خصوص حقوق بشر مطرح می‌شود به طور کلی رسیدگی می‌شود. یعنی این مجامع شکایات را جمع‌آوری و مکتوب کرده و بدون ذکر نام افراد، رسیدگی و به دولت متبوع می‌کنند. در مجموع هم، آن دسته از شکایات‌ها را در «موارد نقض حقوق بشر» از سوی آن کشور قرار می‌دهند. البته شرایط در اروپا متفاوت است. در دادگاه‌های اروپایی، به شکایت شهروندان اروپایی تا جایی رسیدگی می‌شود که حتی قانون کشور ناقض حقوق بشر را زیر سوال می‌برد. هر چند مهمترین ضمانت اجرایی که در بحث‌های حقوق بشری، همچنان به رسمیت شناخته می‌شود فشارهای مجامع بین‌المللی بر روی کشورهای ناقص حقوق بشر است.»

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد بویژه از دهه نود میلادی به شدت فعال شده است و ضمن ارائه گزارش سالانه از وضعیت حقوق بشر در تمام کشورهای جهان، به کشورهای که نقض گسترده حقوق بشر در آنها وجود دارد با توافق آن کشورها گزارش‌های ویژه اعزام می‌کند که پس از ملاقات با مخالفین دولت حاکم، زندانیان و کلاً گروه‌های اجتماعی و افرادی که حقوق‌شان از سوی دولت نقض می‌شود گزارش حقوق بشر آن کشور را ارائه می‌دهد. متأسفانه ایران از کشورهایی بوده است که دلیل نقض حقوق بشر گزارشگران ویژه زیادی از سوی سازمان حقوق بشر سازمان ملل متحد به آن اعزام شده است. هر چند در سال‌های اخیر وضعیت حقوق بشر در ایران بهبود یافته است ولی تا رسیدن به استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر راه زیادی باقی مانده است.

نتیجه‌گیری

سابقه طولانی حکومت‌های استبدادی در خاورمیانه و بطور کلی فرهنگ سیاسی استبدادی مردم منطقه خاورمیانه را بگونه‌ای بار آورده است که پس از گذشت بیش از یک قرن از جنبش‌های مشروطه‌خواهی و قانون‌خواهی در این منطقه، تصور مردم از رابطه‌شان با حکومت تصورات نظام ارباب و رعیتی است یعنی حکام از مردم فقط اطاعت می‌طلبند ولی خودشان را مکلف به چیزی نمی‌دانند و مردم نیز اکثراً با آن خو گرفته‌اند. بنابراین نقض حقوق فردی و اجتماعی مردم در این منطقه امری عادی بشمار می‌رود و تعجب کسی را بر نمی‌انگیزد. لذا می‌توان گفت یکی از وظایف اساسی نویسندگان، روشنفکران و دانشجویان در منطقه استبدادزده خاورمیانه آگاهانیدن مردم نسبت به حقوقی است که از آن برخوردارند و تذکر این نکته مهم است که وظیفه مردن فقط اطاعت از احکام نیست بلکه حقوقی نیز دارند.

بطور خاص برای فعالان حرکت ملی آذربایجان و ملت آذربایجان در طول ۸۲ سال اخیر در معرض سیاست نژادپرستانه فارسی (یکسان‌سازی) قرار گرفته است و از حقوق ابتدایی و اولیه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... محروم گردیده و انواع و اقسام فشارها، تبعیض‌ها و تحقیرهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... را متحمل گردیده است ضرورت آشنایی و آگاهی بر حقوق ذاتی و فطری خود در ابعاد فرهنگی سیاسی، اقتصادی اعم از فردی و جمعی مبرهن و آشکار است. فعالان حرکت ملی آذربایجان می‌توانند با آگاهانیدن ملت آذربایجان از حقوق بشری خود زمینه‌های اجرای اصول حقوق بشر ناشی از آن را که در دموکراسی و فدرالیسم بدانها تأکید شده فراهم آورند.

بنابراین قرار گرفتن در مسیر حرکت به سوی فرهنگ سیاسی دمکراتیک که امروزه در جهان رو به توسعه است و جا انداختن ارزش‌های حقوق بشری ناشی از نظام لیبرال دمکرات در آذربایجان و ایران می‌تواند به تحقق منافع ملی آذربایجان کمک نماید و زندگی توأم با شرایط انسانی‌تر را برای ملت مظلوم و ستمدیده آذربایجان رقم زند.

اعلامیه جهانی یونسکو درباره تنوع فرهنگی

رحمان موسوی

کنفرانس عمومی

متعهد به اجرای کامل حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر میثاق‌های حقوقی به رسمیت شناخته شده، از قبیل دو میثاق بین‌المللی ۱۹۶۶ به ترتیب مرتبط با حقوق مدنی، سیاسی و با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، می‌باشد.

همانگونه که مقدمه اساسنامه یونسکو تصریح می‌کند «اشاعه گسترده فرهنگ، و آموزش بشریت برای عدالت و آزادی و صلح برای منزلت انسان ضروری است و وظیفه‌ای مقدس را ایجاب می‌کند که تمام ملت‌ها باید با روحیه‌ای از همکاری و علاقه متقابل آنرا انجام دهند».

طبق ماده (۱) اساسنامه یادآوری می‌کند که همزمان با ملاحظات دیگر، پیشنهاد «تدوین قراردادهای بین‌المللی را که ممکن است برای حمایت از جریان آزاد عقاید از طریق نوشته و تصویر لازم باشد» به یونسکو واگذار کرده است، به مقررات مرتبط با تنوع فرهنگی و اعمال حقوق فرهنگی در اسناد بین‌المللی اشاره دارد که یونسکو آنها را تصویب کرده است. فرهنگ باید به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری و احساسی خاص جامعه یا یک گروه اجتماعی تلقی شود، که علاوه بر این موارد هنر، زبان و ادبیات، شیوه‌های زندگی با همدیگر، نظام ارزش‌ها، سنت و باورها را نیز دربرمی‌گیرد، فرهنگ در مرکز مباحثات مربوط به هویت، انسجام اجتماعی، و توسعه دانش مبتنی بر اقتصاد قرار داشته و ارتباط متقابل بین فرهنگها، مدارا، گفتگو و همکاری، در فضایی از اعتماد متقابل و تفاهم از جمله بهترین ضمانت‌های صلح و امنیت بین‌المللی است و خواهان همبستگی بیشتر بر شالوده پذیرش تنوع فرهنگی، آگاهی از وحدت نوع بشر، و توسعه مبادلات میان فرهنگی است و این مسئله را مورد توجه قرار می‌دهد که فرایند جهانی‌شدن، که با توسعه سریع فن‌آوریهای اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید هموار شده است، گرچه مظهر چالشی برای تنوع فرهنگی می‌باشد، ولی شرایط از سرگیری گفت و گو میان فرهنگ و تمدن‌ها را به وجود می‌آورد، با آگاهی از اختیار خاصی که، در چهارچوب نظام ملل متحد، برای حفظ و حمایت تنوع پربرابری فرهنگها به یونسکو واگذار شده است، اصول زیر را اعلان و اعلامیه حاضر را تصویب می‌کند:

هویت، تنوع و کثرت‌گرایی

ماده ۱- تنوع فرهنگی: میراث مشترک بشریت

فرهنگ در پهنه زمان و مکان شکل‌های متنوع به خود می‌گیرد. این تنوع در یگانگی و کثرت هویت‌های گروه‌ها و جوامعی که نوع بشر را ایجاد می‌کنند، جای دارد. همان قدر که تنوع حیاتی برای طبیعت ضروری است، تنوع فرهنگی نیز، به عنوان منشأ تبادل، نوآوری و خلاقیت، برای طبیعت لازم است. بدین معنا، تنوع فرهنگی میراث مشترک بشریت است و باید به رسمیت شناخته شده و به نفع نسل‌های حال و آینده تأیید شود.

ماده ۲- از تنوع فرهنگی تا کثرت‌گرایی فرهنگی

در جوامع بیش از پیش متنوع ما، ایجاد همکاری متقابل سازگار در میان مردم و گروه‌هایی با هویت‌های فرهنگی متنوع، و پویا و نیز ایجاد رغبت در آنها برای زندگی کردن با همدیگر امری ضروری است. سیاست‌های شمول و مشارکت تمام شهروندان تضمین‌های انسجام اجتماعی، یعنی بقای جامعه مدنی و صلح، هستند. براساس این تعریف، کثرت‌گرایی فرهنگی به واقعیت به تنوع فرهنگی نمود سیاسی می‌بخشد. کثرت‌گرایی فرهنگی، که از یک چارچوب دموکراتیک قابل تفکیک نیست، منشأ تبادل فرهنگی و شکوفایی قابلیت‌های خلاق است که ضامن حفظ زندگی عمومی می‌باشد.

ماده ۳- تنوع فرهنگی به عنوان عاملی در توسعه

تنوع فرهنگی دامنه امکانات عمومی مردم را وسیع‌تر می‌کند و یکی از ریشه‌های توسعه است. مفهوم توسعه صرفاً رشد اقتصادی نیست، بلکه روشی برای دستیابی به یک زندگی ایده‌آل از نظر فکری، احساسی، اخلاقی، و معنوی می‌باشد.

تنوع فرهنگی و حقوق بشر

ماده ۴- حقوق بشر به عنوان ضمانت‌های تنوع فرهنگی

دفاع از تنوع فرهنگی یک ضرورت اخلاقی است که از احترام به منزلت انسان غیرقابل تفکیک است. این دفاع مستلزم داشتن تعهد به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، به خصوص حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌ها و حقوق اقوام بومی، است. هیچ کس نمی‌تواند برای نقض حقوق بشر که قانون بین‌الملل آنها را ضمانت کرده است یا تحدید حدودشان به تنوع فرهنگی استناد کند.

ماده ۵- حقوق فرهنگی بعنوان فراهم‌کننده محیط برای تنوع فرهنگی

حقوق فرهنگی بخشی تفکیک‌ناپذیر از حقوق انسانی است که جهانی، یکپارچه، و وابسته به هم هستند. شکوفایی تنوع خلاق مستلزم اجرای کامل حقوق فرهنگی است که در ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و در مواد ۱۳ و ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی تعریف شده‌اند. بنابراین، همه اشخاص حق بیان و آفرینش و نشر آثارشان به زبان دلخواه خود، و به خصوص زبان مادری‌شان را دارند؛ همه اشخاص حق برخورداری از آموزش و کارآموزی با کیفیت مطلوب را دارند که کاملاً هویت فرهنگی آنان را محترم شمارد؛ و تمام اشخاص حق مشارکت در زندگی فرهنگی دلخواه خود و هدایت کارهای فرهنگی خودشان، به شرط رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، را دارند.

ماده ۶- به سوی دستیابی همگان به تنوع فرهنگی

ضمن فراهم کردن جریان آزاد عقاید از طریق نوشته و تصویر باید مراقب بود که تمام فرهنگ‌ها بتوانند خود را بیان کنند و بشناسانند. آزادی بیان، کثرت‌گرایی رسانه‌ای، چندزبانه بودن، دستیابی یکسان به هنر و دانش علمی و فنی، از جمله به شکل کامپیوتری، و امکان برای همه فرهنگ‌ها برای داشتن دسترسی به وسیله بیان و نشر ضمانت حفظ و بقای تنوع فرهنگی هستند.

تنوع فرهنگی و خلاقیت

ماده ۷- میراث فرهنگی به عنوان سرچشمه خلاقیت

خلاقیت از ریشه‌های سنت فرهنگی نشأت می‌گیرد، ولی در ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها شکوفا می‌شود. به این دلیل، میراث در تمامی شکل‌هایش باید حفظ، توسعه، و به نسل‌های آینده به عنوان پیشینه‌ای از تجربه و آرزوهای انسانی

منتقل شود تا خلاقیت را در همه شکل‌های متنوع پیروانند و منبع الهام بخش گفت و گوی واقعی میان فرهنگ‌ها باشد.

ماده ۸- کالاهای و خدمات فرهنگی: کالاهایی از نوعی بی‌همتا

در مقابل تحول اقتصادی و فن‌آوری امروز، که چشم‌اندازهای وسیعی برای آفرینش و نوآوری گشوده است، باید به تنوع عرضه آثار خلاق، به ویژگی کالاهای و خدمات فرهنگی، به عنوان ناقل هویت، ارزش‌ها و پیام‌ها، توجهی خاص مبذول شده و صرفاً به عنوان کالاهای یا اجناس مصرفی تلقی نشوند.

ماده ۹- سیاست‌های فرهنگی به عنوان کاتالیزورهای خلاقیت

ضمن فراهم کردن امکان گسترش آزاد عقاید و آثار، سیاست‌های فرهنگی باید شرایط منتهی شدن به تولید و اشاعه کالاهای فرهنگی متنوع را از طریق صنایع فرهنگی، که وسیله عرض وجود کردن خود را در سطح محلی و جهانی دارند، به وجود آورند. به عهده هر دولتی است که، با توجه به تعهدات بین‌المللی‌اش، سیاست فرهنگی خود را تعریف و آنرا از طریق روش‌هایی که مناسب می‌بیند - اعم از حمایت عملیاتی یا وضع مقررات مناسب - به اجرا درآورد.

تنوع فرهنگی و همبستگی بین‌المللی

ماده ۱۰- تقویت ظرفیت‌ها برای آفرینش و اشاعه جهانی

در برابر عدم توازن‌های جاری در گردش و مبادلات کالاهای و خدمات فرهنگی در سطح جهانی، مستحکم کردن تعاون و همبستگی بین‌المللی با هدف فراهم کردن امکانات برای تمام کشورهای، به ویژه کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال گذار، برای ایجاد صنایع کارآمد و رقابتی در سطح ملی و بین‌المللی امری ضروری است.

ماده ۱۱- ایجاد مشارکت بین بخش عمومی، بخش خصوصی و جامعه مدنی

نیروهای بازار به تنهایی نمی‌توانند حفظ و ارتقای تنوع فرهنگی، که کلید توسعه پایدار انسانی است، را حفظ کنند. از این منظر، اهمیت سیاست دولتی، در مشارکت با بخش خصوصی و جامعه مدنی، باید از نو تأکید شود.

ماده ۱۲- نقش یونسکو

یونسکو به موجب حکم وظایفش این مسئولیت‌ها را داراست:

الف - حمایت از گنجاندن اصول برشمرده در اعلامیه حاضر در راهبردهای توسعه که در تشکیلات بین دولتی مختلف ترسیم شده‌اند؛

ب - ارائه خدمات به عنوان محل رجوع و میعادگاهی که در آنجا دولت‌ها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی بین‌المللی، جامعه مدنی و بخش خصوصی بتوانند برای تعریف مفاهیم، اهداف، و سیاست‌ها درباره تنوع فرهنگی به همدیگر بیوندند؛

ج - تعقیب فعالیت‌هایش برای برقراری استاندارد، افزایش آگاهی و ایجاد ظرفیت در حوزه‌های مرتبط با اعلامیه حاضر در چارچوب زمینه‌هایی که صلاحیت و توانایی انجام آنرا دارد.

خطوط اصلی طرح عملیاتی برای اجرای اعلامیه جهانی یونسکو درباره تنوع فرهنگی

دولت‌های عضو خود را متعهد می‌کنند که برای اشاعه گسترده «اعلامیه جهانی یونسکو درباره تنوع فرهنگی» اقدامات مناسب را انجام دهند و کاربرد مؤثر آن، به ویژه از طریق همکاری به منظور دستیابی به اهداف زیر، را تشویق کنند:

۱ - عمق بخشیدن به مباحث بین‌المللی درباره پرسش‌های مرتبط به تنوع فرهنگی، به خصوص در مورد پیوندهای آن با توسعه و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری، در سطوح ملی و بین‌المللی و پیشبرد پیشنهاد تدوین یک سند حقوقی بین‌المللی درباره تنوع فرهنگی.

۲ - ارتقای تعریف اصول، استانداردها و روش‌ها، در سطوح ملی و بین‌المللی، و نیز افزایش آگاهی و الگوهای همکاری، که بیش از همه منشأ حفظ و حمایت تنوع فرهنگی هستند.

۳ - میدان دادن به تبادل دانش و بهترین روش‌ها در ارتباط با کثرت‌گرایی فرهنگی به منظور آسان ساختن همه فراگیری

۴ - تشویق «یادگیری و آموزش کامپیوتر» و فراهم کردن مهارت بیشتر در فن‌آوری‌های جدید اطلاع‌رسانی و ارتباطات، که هم باید به عنوان رشته آموزشی و هم به عنوان وسایل آموزشی، که قادر به افزایش اثربخشی خدمات آموزشی هستند، تلقی شود.

۵ - حمایت از تنوع فرهنگی در اینترنت و تشویق دسترسی اشخاص و گروه‌ها با پیش‌زمینه‌های فرهنگی مختلف و کسب مشارکت آنها در جوامع متنوع.

۶ - پیشبرد بیشتر فهم و توضیح محتوای حقوق فرهنگی به عنوان بخشی تفکیک‌ناپذیر از حقوق بشر.

۷ - حفظ میراث زبانی بشریت و حمایت از بیان، آفرینش، و انتشار در بیشترین شمار ممکن از زبان‌ها.

۸ - تشویق تنوع زبانی - ضمن احترام به زبان مادری - در تمام سطوح آموزشی در حد امکان و فراهم کردن شرایط به یادگیری چندین زبان از سنین نوجوانی.

۹ - افزایش آگاهی از ارزش‌های مثبت تنوع فرهنگی از طریق آموزش و از طریق بهبود طرح برنامه‌های درسی و آموزش معلمان. دسترسی همگانی به اینترنت و به تمام اطلاعات در حوزه عمومی.

۱۰ - مخالفت با شکاف علمی از طریق ایجاد دسترسی برای کشورهای در حال توسعه به فن‌آوری‌های جدید، با کمک کردن آنها برای مهارت یافتن در فن‌آوری‌های اطلاع‌رسانی و ایجاد تسهیلات در انتشار کامپیوتری محصولات فرهنگی بومی و با ایجاد دسترسی برای آن کشورها به منابع رایانه‌ای آموزشی، فرهنگی، و علمی موجود در جهان از طریق همکاری با سازمان‌های مربوط در نظام سازمان ملل.

۱۱ - تشویق تولید، حمایت و نشر محصولات متنوع در شبکه‌های رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی جهانی و بدین منظور، حمایت از نقش خدمات رادیویی و تلویزیونی عمومی در توسعه محصولات دیداری - شنیداری با کیفیت خوب، و فراهم کردن شرایط به وجود آمدن ساز و کارهای یاری‌بخش برای آسان‌سازی توزیع آنها.

۱۲ - تدوین سیاست‌ها و راهبردها برای حفظ و بهبود میراث فرهنگی و طبیعی، به خصوص فرهنگ شفاهی و ناملموس، و مبارزه با ترافیک کالاها و خدمات فرهنگی.

۱۳ - بسط سیاست‌های فرهنگی از جمله: ترتیبات حمایت عملیاتی و ایجاد چارچوب‌های تنظیم‌کننده مناسب، به منظور حمایت از اصولی که در این اعلامیه پاس داشته شده‌اند، مطابق با تعهدات بین‌المللی واجب بر هر دولت.

۱۴ - درگیر ساختن تمام بخش‌های جامعه مدنی از نزدیک در تدوین سیاست‌های عمومی با هدف حفظ و حمایت تنوع فرهنگی.

۱۵ - به رسمیت شناختن و تشویق سهمی که بخش خصوصی می‌تواند در بهبود تنوع فرهنگی داشته باشد و بدین منظور، تسهیل ایجاد تریون‌هایی برای گفت و گو بین بخش عمومی و خصوصی.

دولت‌های عضو توصیه کردند که مدیر کل، اهداف برشمردده در این طرح عملیاتی را در اجرای برنامه‌های یونسکو به حساب آورد و به منظور افزایش اثربخشی اقدامات به نفع تنوع فرهنگی آنها را به نهادهای نظام سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین دولتی و غیردولتی ذیربط منتقل کند.

جهانی شدن و هویت فرهنگی

جان تاملینسون

ترجمه: معصومه پایرام زاده

تأثیر جهانی شدن بر حوزه فرهنگی از طرف عموم مردم در حاله‌ای از بدبینی نگریسته می‌شود. به طور مثال، جهانی شدن با تخریب هویت فرهنگی، غرب‌زدگی و ازدیاد فرهنگ مصرف‌گرایی همراه است. طبق نظریه (شپرد و هایداک ۲۰۰۲) که طرفداران آن را از یک نظریه دانشگاهی به فعالیتهای ضدجهانی شدن گسترش داده‌اند، به تعبیری جهانی شدن به معنای توسعه یکپارچه منجر خواهد شد.

این مقاله درصدد انکار قدرت آشکار اصول سرمایه‌داری جهانی شدن برای توزیع و ترویج کالاهای فرهنگی آن در هر گوشه‌ای از جهان نیست. آنچه سعی شده در این مقاله نشان داده شود، بحث ویژه‌ای است: هویت فرهنگی به معنی دقیق کلمه قابل درک است، که بیشتر محصول جهانی شدن است تا قربانی آن.

«هویت به عنوان گنجینه»

برای شروع، شرح مختصری از استدلال ضمنی در پس فرضیه‌ای را شرح داده می‌شود که جهانی شدن هویتها را از بین می‌برد.

روزی روزگاری قبل از عصر جهانی شدن، حکومت‌های مستقل محلی، مجزا، تعریف شده و نیرومند وجود داشتند و زمینه ارتباطات فرهنگی بین مکان‌های جغرافیایی و تجربیات فرهنگی نیز وجود داشت و این ارتباطات، یکی بودن جوامع و هویت فرهنگی آنها را تشکیل می‌داد. این هویت چیزی بود که مردم آنرا به سادگی به عنوان یک تملک وجودی بدون دخل و تصرف، یک حس ارتباط و تعلق به گذشته تاریخی خویش پذیرا می‌شدند.

هویت مانند زبان فقط تعریف صرف از تعلقات فرهنگی نبود، بلکه یک نوع گنجینه کامل از جوامع محلی بود. اما بعداً معلوم شد که می‌تواند چیزی بسیار ظریف‌باشد که به حمایت و محافظت نیاز دارد، چون ممکن است از بین برود. در این دنیای هزار چهره اما با درجات آسیب‌پذیری متفاوت، هویت‌های فرهنگی بطور ناگهانی حوالی سال‌های ۱۹۸۰ ظاهر شدند که در واقع بیان کننده قدرت نابودکنندگی جهانی شدن بود.

در ادامه ماجرا جهانی شدن همانند یک جزر و مد طوفان، فرهنگ‌های مختلف دنیا را دربرمی‌گیرد، حکومت‌های محلی باثبات را نابود می‌کند، ملت‌ها را آواره می‌کند، مارک‌های تجاری همانندی را ارائه می‌دهد، بنابراین تفاوت‌های بین فرهنگ‌های تعریف شده محلی که هویت ما را تشکیل می‌دهند را از بین می‌برد. اگر چه جهانی شدن به عنوان دربردارنده فرآیند کلی لطمه تنوع فرهنگی مورد قضاوت قرار گرفته است، در بعضی موارد بهتر و در بعضی موارد بدتر البته خارج از این فرآیند، در حالی که آن فرهنگ‌ها در جریان اصلی اصول سرمایه‌داری، آنهایی که در غرب، بویژه، در ایالات متحده، دیدیم یک نوع همسان‌سازی نسخه‌ای از فرهنگ‌های صادر شده آنها به سراسر جهان بود، که البته ضعیف‌ترین فرهنگ دنیای توسعه یافته بیشترین تهدید را دربردارد.

بنابراین چنین فرض شده است که آسیبهایی این فرهنگ غیرغربی با آسیبهایی فرهنگی آن یکسان می‌باشد. هویت فرهنگی در همه جا در خطر چپاول جهانی شدن است بویژه دنیای پیشرفته نیز در معرض چنین خطری است. در ادامه ماجرا معلوم می‌شود که جهانی شدن هویت فرهنگی را نابود می‌کند، و تهدیدی برای زیرمجموعه‌های ویژه از هویت فرهنگی که ما آنرا هویت ملی می‌نامیم است.

اما داستان تقریباً متناقض دیگری را می‌توان چنین بازگو کرد که جهانی شدن به دور از نیروی ویرانگری‌اش، شاید مهم‌ترین نیرو در ایجاد و پرربار کردن هویت فرهنگی بوده است. این داستان در بردارنده یک درک کاملاً متفاوت از مفهوم هویت نسبت به درک تقریباً نسبی یک شخص یا حس جمعی می‌باشد و همچنین دربردارنده یک فهم کاملاً پیچیده از جهانی‌شدن است. حداقل در یک مورد که اجازه می‌دهد تا حدودی پیامدهای آن غیرقابل پیش‌بینی باشد.

«هویت به عنوان قدرت فرهنگی»

در واقع در ادبیات پیدا کردن موقعیت‌های که داستان هویت را به قربانی جهانی شدن نشان دهد، مشکل نیست. به عنوان مثال، کاستل منیول (نویسنده انگلیسی) یک جلد کامل از تجربه مشهور خود به نام «عصر اطلاعات» را به این موضوع اختصاص داده است که:

دنیای زندگی ما براساس روند مخالف جهانی شدن و هویت شکل گرفته است. برای کاستل اولین مخالفت نسبت به قدرت جهانی شدن از هجوم گسترده تعبیرات قدرتمند هویت جمعی ناشی می‌شود که جهانی شدن را زیر سوال می‌برد. به خاطر بی‌نظیری فرهنگ و مردمی که بر زندگی و محیط خودشان کنترل دارند به غیر از وجود گل لطفی که جهانی شدن لگد کرده است، در اینجا هویت به عنوان فوران قدرت فرهنگ محلی دیده می‌شود که پیشنهاد می‌کند در مقابل نیروی گریز از مرکز اصول سرمایه‌داری جهانی شدن باید مقاومت کرد.

این دیدگاه بسیار قدرتمندتر از قدرت هویت و موردی هست که هر شخصی که پیدایش دراماتیک جنبش‌های اجتماعی را بررسی می‌کند که براساس موقعیتهای هویتی از قبیل (جنسیت، مذهب، قومیت، ملیت) قرار گرفته‌اند ممکن است به راحتی مورد تأیید قرار دهند.

بنابراین، تأیید منابع فرهنگی مهم مخالف با قدرت جهانی شدن راه درازی نسبت به ترویج این دیدگاه قدرتمند دارد. در نتیجه، تأثیر جهانی شدن بطور قابل قبولی مشخص می‌شود، موضوع تأثیر متقابل متحرک بنیادین تکنولوژیکی نسبت به جهانی شدن با نیروهای محدود شده به یک منطقه موازنه ایجاد می‌کند.

تمایل به جهانی شدن بامنطق توسعه سرمایه‌داری، توسعه سریع وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی ارتباطات توأم می‌شود. اما این میل بوسیله فرآیندهای گوناگون و اعمال فرامین محلی مورد مخالفت قرار گرفته است و در سطح کاملاً متفاوتی، مجبوریم تلاش فرهنگی قابل ملاحظه‌ای را که توسط حکومتها نسبت به الزام جمعیت خود به یکسان‌سازی نظم سیاسی فرهنگی حکومت محلی اضافه کنیم.

این دستور عمل کاملاً پیچیده به روشنی اشاره کند که هویت فرهنگی ممکن نیست به راحتی قربانی جهانی شدن شود. به این علت که در واقع هویت صرفاً چیزی لطیف و مورد علاقه همگانی نیست، بلکه یک بعد قابل ملاحظه نهادینه شده زندگی اجتماعی مدرن است. بویژه در شکل غالب هویت ملی، که نتیجه ترکیب فرهنگی سنجیده و حفاظت هم از طریق نظم و از طریق ارگانهای اجتماعی دولت است: مخصوصاً قانون، سیستم آموزشی و رسانه‌های گروهی.

دولتهای ملی با درجات مختلف درچالش با جهانی شدن، به فکر توانایی خودشان برای حفظیگانگی تعلقات هویتی خویش هستند، همانگونه که در موقعیت کاملاً مستقلی قرار دارند و به فکر سر و سامان دادن به اقتصادی ملی خویش در بازار جهانی هستند.

برای مثال، پیچیدگیها و تنشهای ایجاد شده توسط نظام جوامع چندقومی از جنبشهای مردمی در سطح جهان ناشی می‌شود، ویژگی بارز و استبدادی همه دولتهای مدرن است، که موجب ایجاد مشکلات آشکار برای التزام حکومتی فرهنگ رایج ملت‌های قرن بیست و یکم نسبت به اصالت موقعیتهای هویتی می‌شود.

از این گذشته، این مسأله پیامدهای سیار دراماتیک برای بعضی از حکومت‌های پیشرفته جهان دارد، جایی که ساختارهای چندقومی از تقسیمات ارضی ناعادلانه مستعمرات اشغال شده ناشی می‌شود که با ساختارهای ایالتی نسبتاً ضعیفی ترکیب می‌شوند تا میراث خونین بی‌ثباتی سیاسی و خشونت درون قومی را بوجود آورند.

هیچ کدام از این مسائل، با نقشه تخریب عمومی هویتها با جهانی شدن مطابقت نمی‌کند، بیشتر آنها از تفصیل اهمیت وضع هویتی به عنوان محصول عمومی جهانی شدن حکایت دارند. این تعدد هویت است که باعث تسلط دولت ملی بر تعلقات فرهنگی مردم می‌شود.

«هویت و تجدد بنیادین»

این مسأله باعث می‌شود ادعا کنیم که جهانی شدن بیشتر در حال گسترش حوزه خویش است تا تخریب هویتها.

در استقرار هویت به عنوان نوعی از فرهنگ مستقل پویا، که از هجوم توده مردم با عنوان نیروی مخالف جهانی شدن ناشی می‌شود، کاستل منطق درونی نسبتاً قانع کننده‌ای بین فرآیندهای جهانی شدن و ساختار مدرنیته شده هویتها را نمی‌بیند. به این خاطر، این مسأله از طبیعت ساختارهای مدرن که جهانی شدن طبقه‌بندی می‌کند ناشی می‌شود.

به زبان ساده، **جهانی شدن در واقع جهانی شدن مدرنیته است و مدرنیته طلایه‌دار هویت**. فرض معمولی بر این است که شکل‌گیری هویت ویژگی جهانی تجربه بشری است. به نظر می‌رسد که کاستل به این نظریه اشاره مخفی می‌کند جایی که می‌نویسد: هویت منبع معنا و تجربه مردم است.

زمانی این نظر درست که ساختار معنا از طریق اعمال فرهنگی، یک امر بشری و جهانی باشد و نظریه به دنبال این نیست که این تغییرناپذیری ساختار هویت را همانطور ما در حال حاضر در دنیای مدرن غرب آن را می‌فهمیم بپذیرد. مشکل فرضیه نژادپرستانه اخیراً توسط مردم‌شناسان و منتقدان رسانه‌های گروهی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. برای مثال، دیوید مارلی که بر مطالعه راجر روز در مورد مهاجرت کارگران مکزیک به ایالات متحده اظهار نظر کرده است، اشاره می‌کند که این مردم از دنیایی حرکت کرده‌اند که هویت نگرانی و دغدغه اساسی‌شان نبوده است. در بعضی موارد آنها تحت فشار بودند، تا شکل ویژه‌ای از شخص گانگستر (به عنوان حامل هویت‌های شخصی) و هویت را بعنوان عضوی از جمع یا اقلیت بپذیرند، که تا حدودی در تضاد با درک خودشان از موقعیت‌ها و نیازهایشان قرار داشت. درک اینکه ما چه چیزی را هویت می‌نامیم ممکن است کلی نباشد، اما فقط یک راه ویژه و مدرن از سازماندهی اجتماعی - در واقع نظم دادن - تجربه فرهنگی بحثی را که جهانی شدن بی‌شک هویت را نابود می‌کند بی‌اثر می‌سازد.

علاقه روانشناسی اجتماعی به محلی کردن یک پدیده قدرتمند است، اما همچنان یک مورد پیچیده، با حالات مختلف ممکن از طرز بیان و پیامدهای مختلفی که برای درک مردم از خود و فلسفه وجودیشان به طور ضمنی دلالت دارد. همه این تفاوتها تقریباً به بافت فرهنگی وابسته هستند.

فرض اینکه این علاقه‌مندی‌های مختلف می‌تواند و باید از طریق منشور مدرن غربی از هویت متمرکز شود، کوتاه‌بینانه‌تر از پیامد این فرضیه نیست که این علاقه‌مندیها بایستی در طول زمان در جوامع سنتی بدون تغییر باقی بمانند.

انتقادی که بوسیله مردم‌شناسان همانند جیمز کلیفورد درباره جوامع سنتی، طبیعتاً و نه صرفاً در مقایسه با جوامع مدرن، ایستا و غیرمتحرک انجام گرفته است.

درک ضمنی هویت به عنوان تصویر فرهنگی مدرن کافی است تا این ایده ساده که جهانی شدن هویت را تخریب می‌کند متزلزل سازد. اما ادعای قوی‌تر که جهانی شدن واقعاً هویت ایجاد می‌کند و در واقع خطری که در بعضی شرایط جهانی شدن با ایجاد هویت متعدد بوجود می‌آورد، به توضیحات مفصلی نیازمند است.

به مراتب می‌توان ادعا کرد که در اثر جهانی شدن، همه جا از لحاظ فرهنگی متحدالشکل خواهد شد. مثالهای مشخص‌تر در مورد این نوع نفوذ در چنین نواحی از تجربه فرهنگی دنیوی ما است. مثل روابط متقابل، با رسانه‌های گروهی جهانی و مشارکتهای تکنولوژیکی مثل تلویزیون، تلفن‌های همراه، پست الکترونیکی، اینترنت یا در تغییر شکل‌دهی روزافزون غذاهای محلی به سوی فرهنگ‌های غذایی بین‌المللی. آنچه در گرو چنین نمونه‌هاست، یک تغییر شکل در الگوی روتین فرهنگی ما است که تأثیرات جهانی شده، جبرها، تجربیات و چشم‌اندازها را به سوی هسته موضعی جهان واقع شده ما می‌کشاند.

اخبار تلویزیون، کشمکش‌های دور و مختلفی را به داخل اتاق‌های نشیمن ما می‌آورد. سلايق خارجي با نمونه‌های

روتین داخلی در هم می آمیزد، اما می توانیم به این موارد، یک نمونه ظریف تر را اضافه کنیم: دستیابی شکل سازمانی مدرن از هویت به داخل زندگی فرهنگی.

از قرن ۱۸ هویت ملی تماشایی ترین حالت موفق مدرن از سازماندهی متعلقات است و این حقیقت که در واقع همه جمعیت شش میلیاردی جهان، امروزه یا لذت می برند و یا ادعا می کنند هویت ملی عهدی است در امتداد جهانی شدن مدرنیته.

واضح است که ملت و هویت ملی در خطر اضمحلال قریب الوقوع قرار ندارد. اما جهانی شدن خیلی پویا و پیچیده چنین است که ثبات این فرم از تعیین هویت را به طور دقیق ضمانت نمی کند. چنان پویا که هویت ملی ریشه دار بعنوان قدرتمندترین نیروی الزام آور سیاسی - فرهنگی مدرنیته امروزه ممکن است بعضی از راههایی را که ما را به خانه ملی مان متصل می کند، شرح دهد. هسته حقیقت در این ادعا که هویت ملی توسط جهانی شدن تهدید می شود در این واقعیت قرار دارد که ایجاد موقعیت های هویتی ممکن است منجر به تولید چالش هایی به سوی تسلط هویت ملی شود.

چراغهای تاریک رابطه

در فرهنگ سازیهای ضد فرهنگ

توکل کیانی اصل



دیربست در مطبوعات سراسری، اعم از روزنامه های «شرق»، «جمهوریت»، «اعتماد» و «ایران»، شاهد لوس بازیهای اجراکنندگان بی مزه تئاتر پان فارسیستی و شوونیستی هستیم. بطوریکه عده ای معلوم الحال، در نشریات، شوهای سوپرلوکس فلسفی و تاریخی و سیاسی به راه می اندازند تا مثلاً با بوق و کرنا، به ارائه تفکر و اندیشه نژادپرستانه شان بپردازند. فارغ از اینکه با بوق و کرناهایی از این جنس، تنها می توان در یک جامعه کثیرالمله، آلودگی صوتی ایجاد کرد. گویا

اینان هنوز دریافته اند که این فلسفه بافیهای ادبی و تاریخی و سیاسی، با تمام زوری که برای به کرسی نشاندن خود می زنند، حتی کهنه تر از ابزارهای سنگی عصر حجر هستند و مبین طرز فکری به غایت نژادپرستانه، آنهم از نوع افراطی می باشند. تاریخ و فرهنگی که بعضی از نویسندگان کوتاه بین و خودخواه، در نشریات سراسری، به جامعه بیمار امروزی تزریق می کنند، از نظر ماهیت و شیوه عمل، ذاتاً ضد فرهنگ، ضد تاریخ، ضد عقل و در نهایت ضد انسان است. معلوم نیست ناف این به اصطلاح نویسندگان به کجا بسته است که رسالتی جز تحقیر و توهین به آستان مردم شریف قومیت های مختلف ایران، بویژه آذربایجانیان ندارند.

قدر مسلم این است که اینان زائیده و پرورش یافته طرز فکرها و فرهنگها و سیاستهای رضاخانی هستند که دیگر دیرگاهی است نموده های آن بر مردمان غیرمسلط ایران آشکار گشته است. آری، جاسازی فرهنگهای ارتجاعی و تئوریهای بی اساس در نشریات، چیزی جز حرکتی ضد مردمی و ضد فرهنگی نیست. دیگر فرهنگ شوونیستی و پان فارسیستی، یک فرهنگ مومیایی شده است و هرگز بیش از این نخواهد توانست در میان مردمی که از صد سال پیش، ریشه های دموکراسی را می شناسد، پژواک تأثیرگذاری داشته باشد. باری باید بگویم که اکثر روزنامه های

سراسری با پیوند زدن خود به گذشته‌های دروغین، جعل تاریخ، و تجزیه و تحلیل‌های غلط و پر از ابهام و ابهام‌مسایل سیاسی جاری، سعی دارند بازدارنده آگاهی ملت فهیم آذربایجان به حقوق انسانی خویش باشند. فارغ از اینکه نام زبان و ملیت و جغرافیای این مرز و بوم از پیش در تاریخی که به قلم فرزندان راستین خودش نوشته شده، معلوم شده است.

نیض ملت بزرگ آذربایجان در طول تاریخ با شتاب عجیبی کوبیده و سرعت رشد فکری‌اش، بهت‌های زیادی را در جهان برانگیخته است. به آذربایجان توسری خورده امروز که حالتی سخت مرموز و پریشان دارد، نگاه نکنید. به آذربایجانی نگاه کنید که هنوز مردمش، به فرهنگ و شعر و موسیقی‌اش عشق می‌ورزند، و نسبت به مسایل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی‌اش بیش از همه ملتها حساس هستند و در عین حال خاطره پرافتخار گذشته‌اش در ادوار مختلف تاریخ، هنوز حسرت مداوم دلسوزان راستین‌اش است. باید يك دفعه این واقعیت را پذیرفت که تمامی سرزمینهایی که نام پرافتخار آذربایجان را بر سینه ستبر خود دارد، به خانه واحدی می‌ماند که ساکنانش را حدود دوپست سال پیش، به زور و با امضای قراردادهای ننگین ترکمنچای و گلستان از هم جدا، و رفته - رفته به هم بیگانه کرده‌اند، و اینک غیر از رود همیشه‌گریان ارس که درست در مرز بین دو آذربایجان شمالی و جنوبی جاریست، گویی دیگر هیچ کوه و جنگل و دریایی نیست که مردم دو آذربایجان، آنرا مشترکاً از آن خود بدانند. در این میان، در روزنامه‌های سراسری کثیرالانتشار ایران، تنها نام و فرهنگ و تاریخ آذربایجان به شلاق تهمت و هذیان گرفته نمی‌شود، بلکه تمامی هویت و هستی آذربایجانیان است که توسط دستان سیاه ارتجاع، تاراج می‌شود. در نظر اینان، حتی آتشی که آذربایجانیان به زیر تابه ساج‌پزی خود می‌دمند تا شکمی سیر کنند، دودی تلخ بر جهان (برخی‌ها) می‌پراکند. بخاطر همین دیدگاه‌های نادرست است که بیشتر روشنفکران و نویسندگان خسته آذربایجانی، چنان خانه گرم خویش را رها می‌سازند و به دیار غربت می‌کوچند که گویی نه از تبعیض بین اقوام، که از برابر طاعونی اپیدمی شده فرار می‌کنند. بطوری که در آذربایجان امروزی، احساس غربتی تسکین‌ناپذیر خیمه زده است و گویی تمامی در و پنجره‌های پی‌گناهش، اهالی خود را به ظلم و ستم و تبعیضی که در حق او روا داشته شده، به شهادت می‌گیرد.

واقعا عجیب است! در هیچ جای دنیا، هیچ سرزمینی را نمی‌توان با این تجربه‌های تلخ تاریخی مشاهده کرد. روزی در گذشته‌های دور، آذربایجان نیز صاحب سرنوشت خود بود و اینقدر در اثر سیاستهای آسیمیلاسیون و الیناسیون، فرهنگ و هویت ریشه دار آنرا به باد خاموشی و فراموشی نسپرده بودند. آنروز آذربایجان در میان همه مناطق همجوار خود، بیشتر به بهشتی در فراسوی کوبرهای بی‌آب و علف شباهت داشت اما حاکمان و شاهان و سیاستمداران پان‌آرانیست، این بهشت را چنان به برهوت تبدیل کردند که گویی دیگر امید زایش و رویش دوباره آن، امیدی واهی می‌نماید. چنانچه اینک دیگر آذربایجان به اصیل‌ترین و زیباترین دختری می‌ماند که سایه‌های دستان سیاه چنان بر رویش بال گشوده، که حتی خود نیز دیگر از راز و رمزهای واقعیات وجودی خویش بی‌خبر است. آذربایجان به هر حال آذربایجان است با همان سینه ستبر و گردن‌افرازی و با همان شخصیت‌های بی‌بدیل تاریخساز خویش. اما واقعیت را قبول کنیم! آیا خطه‌ای چون آذربایجان، بدون تاریخ واقعی، فرهنگ واقعی، هویت واقعی، و آزادی واقعی مردمانش در شناخت و شناساندن موهبت‌ها و معرفت‌های خویش، دهن‌کجی به تمدن و دموکراسی و عدالت اجتماعی و حقوق بشر نیست؟!

روزنامه‌های «شرق و ایران و جمهوریت و اعتماد و غیره» با در اختیار داشتن ورزیده‌ترین کادرهای آنتی‌تورک، هر از چند گاهی ماراتن حرّافی و وراحي راه می‌اندازند و ایده‌های ارتجاعی و نژادپرستانه و تبعیض‌آمیز خود را در صفحاتی با عنوان فریب‌دهنده «اقوام ایرانی» سفره می‌کنند و با اظهارنظرهای متناقض خود، به تبلیغ و جاسازی فرهنگی می‌پردازند که به زشت‌ترین و مبتذل‌ترین معنای کلمه، شوونیستی و راسیستی و پان‌فارس‌یستی است. فارغ از اینکه عصر، عصر آگاهی توده‌ها از هویت واقعی خویش است و هیچ ملتی را در جهان امروزی نمیتوان با سیاست یکسان‌سازی، از داشته‌های خود بیگانه نمود. اینگونه تبلیغها و فرهنگ‌سازیها، هیچ معیار و ضابطه‌ای ندارند، حتی در این حد که دموکراسی و حقوق بشر را از نژادپرستی و انحصارطلبی تشخیص دهد. چرا که چنین فرهنگی از نوعی منطق ضد فرهنگ ناسی می‌کند و از آنجایی که معیار و ضابطه نشانه‌هایی از ایمان به يك ایده‌آل است، اینگونه فرهنگها اگر ایده‌آل ضد فرهنگی دارد، به این خاطر است که به هیچ‌وجه پایبند به اصول و ایده‌آلهای انسانی نیست. زیرا تمامی حرکتها و فعالیتهاي فرهنگی و حتی غیر فرهنگی را فقط در شکل قومی و نژادي آن قبول دارند و بس.

خلاصه در مطبوعات امروزی ایران، چهارشنبه بازارهایی برپاست که فاقد هرگونه خلاقیتهاي فکری و انسانی است. اما نباید تصور کرد که این روزنامه‌ها در حیات جمعی ما آذربایجانیان بی‌تأثیر است. اتفاقاً فرهنگ‌سازی‌هایی از این جنس بسیار خطرناک است و در آسیمیله و الینه کردن مردم، بدون آنکه کسی بتواند کوچکترین اتهام نژادپرستی و یکسان‌سازی به آنها بزند، نقش زیادی را ایفا می‌کند. در هر حال این فرهنگ ضد فرهنگ نه تنها عقیم نیست بلکه مدام جوجه‌های حرام به بار می‌آورد. جوجه‌های حرامی که تنها به خودشان شباهت دارند و نظیرشان را در هیچ جای دنیا نمی‌توان پیدا کرد. فرهنگ ضد فرهنگ، در ذات خود، فرهنگ‌پذیر و دیگرپذیر نیست. زیرا فاقد هرگونه محتوای فرهنگی و انسانی است. آنچه در این نوع فرهنگها نمود دارد و به چشم می‌آید، سراسر نژادپرستی، جعل و تحریف تاریخ و جغرافیای دیگران، و بیگانه‌سازی اقوام و ملل مختلف ایران، بخصوص آذربایجانیان با فرهنگ و هویت اصیل خویش است. این فرهنگ‌سازیها به دلیل همین ماهیت ضد فرهنگی‌اش، دارای هیچگونه ریشه و اصلتی در میان مردم آذربایجان نیست. زیرا نمی‌تواند مثل يك پدیده معاصر و اصیل تاریخی، پابای نیازهای جامعه چندزبانه و چندهویتی ایران، حرکت کند. به همین جهت نیز نمی‌تواند با مردمی که در بحرانهای اقتصادی و فرهنگی و هویتی بسیاری بسر می‌برد، پیوند داشته باشد.

معمولاً حرفهای امروز روزنامه‌های مرکزی در مورد اقوام و ملل غیرفارس زبان، همان حرفهای هفتاد - هشتاد سال پیش است و وقتی فرهنگی در ذات خود ضد فرهنگ باشد، و در طی سالیان متمادی درصدد چشیدن مزه تحول برنیاید، از فرهنگ تنها می‌تواند ادای آن را در بیاورد. اخیراً مقالات متعددی در مورد تاریخ و جغرافیای آذربایجان در روزنامه‌های نامبرده نوشته شده که اصلاً پایه علمی ندارند و تنها با مراجعه به منابعی که دچار مرض غرض است، نگاشته شده‌اند که می‌توان آنها را در نوع خود يك کودتای فرهنگی از سوی بدخواهان آذربایجان دانست. بدین ترتیب نمی‌توان به این قبیل روزنامه‌ها و نشریات جهتدار مرکزی، نام رسانه گروهی یا وسایل ارتباط جمعی گذاشت. چرا که همیشه در آنها، «چراغهای رابطه تاریکند» و کارشان تنها تحمیق یا ارباب فکری آذربایجانیان است. بطوری که حتی به فعالیتهاي فرهنگی آذربایجانیان، به ناحق، انگ پان‌ترکیستی و تجزیه‌طلبی می‌زنند و از زبان ترکی آنها با عناوین لهجه محلی آذری یا بومی و غیره یاد می‌کنند و برای اثبات گفته‌های هذیان‌وار خود نیز، وقیحانه، تاریخی من‌درآوردی جعل می‌کنند که مطلقاً اساس علمی ندارد و تنها در جهت هر چه بیشتر آسیمیله کردن مردم آذربایجان به چنین ترفندهای فرهنگی دست می‌بازند. اینها فکر می‌کنند مانند عروسک‌های مومی ساحری، قادرند در سرنوشت همه آدمها دخل و

تصرف داشته باشند، فارغ از اینکه همه این عروسکها در ارتباط با حوزه مغناطیسی پدران مومیایی شده‌شان، کوروش و داریوش و فردوسی و غیره است که واقعیت بودنشان شکل می‌گیرد و هویتشان در مقام حیره‌خواران دیروز سلطنت سیاه پهلوی و نژادپرستان و باستان‌گرایان مطلق امروزی ظاهر می‌شود. اینان حضور گذشته‌های دور را بیشتر از زمان حال حس می‌کنند و هر لحظه افراطی‌تر و زیاده‌طلب‌تر و برتری‌جوتر می‌شوند. اینان فکر می‌کنند که اندیشه‌هایشان از فولاد و پایه‌هایش تا ابد جاودانه است اما نمی‌دانند که گاه تلنگری آتشین می‌تواند ستونهای فولادین را نیز فرو بریزد.

امروز، جریان هویت‌طلبی مردم آذربایجان همان تلنگر آتشین است. باید مواظب بود که این تلنگر به مشت‌های گره کرده تبدیل نشود. امید به ما می‌گوید که آینده از آن انسان است. روزی افسانه شکست‌ناپذیری پان‌فارسیست‌ها و شوونیست‌ها به پایان می‌رسد و آنروز دوباره اقوام و ملل دیگر ایران نیز شاهد عهد دیگری از عهدهای طلایی تاریخ خویش خواهند بود. در مورد آذربایجان نیز باید گفت که به قول یکی از بزرگان، آذربایجان به مثابه دیگ سنگی است. بترسیم از روزی که این دیگ گرم شود که در آنصورت، سرد شدنش مستلزم پرداخت هزینه‌های زیادی خواهد شد. پس بیاید عقایدمان را دور مرکزی مشخص به جولان درنیاوریم، تکثر فرهنگی و تشابهات و تفاوتها را دریابیم، دموکراسی را تنها برای خود نه، بلکه برای دیگران نیز بخواهیم، فرهنگ دیگر پذیری را یاد بگیریم، و کارهایمان استوار بر عقلي مدني باشد که تفاهم بین همه اقوام و ملل موجود در ایران، در گرو همین طرز تفکرها و شیوه عمل‌ها است. وگرنه، چراغهای رابطه، همچنان تاریک خواهد ماند و آذربایجان نیز همچنان، آتشفشان نیمه‌خاموشی خواهد بود که راست به خشمی فروخورده می‌ماند.

اوستاد فرهاد اردبیلی ایله دانیشتیق

امید شکری - بابک درزی



سایان - اولده، بیزی قابیل بیلیب، بیزه وقت و نردیگیزدن تشکور ائله‌ییریک، سونرا،
گونئی‌ده ادبیات دورومون نئجه گورورسونوز؟

❖ منده سیزین زحمت چکیب گلشیزدن تشکور ائله‌ییب و ایشلریزده
سیزه اوغورلار آریلا بیرام. آنجاق بونو آیدینجا دئمه‌لیم کی، بیزیم
یاشادیغیمیز دؤره‌ایله، سیزین ایندیکی دؤره‌نین چوخ تفاوت‌لری واردیر،
بیز دوغوردان دا، بیر قارا دؤره‌کی شدتله دپلمیز یاساق، قومیتیمیز
بوزغون، میلیتیمیز تحقیر آلتیندا اجتماعی و ادبی جهته حیات
گنجیردیردی، یاشادیق.

گرچه «فارسلار» دان سوای کی ایرانین بوتون افتخاراتی تمام زمین‌لرده اونلارا
نسبت وئرله‌ره‌ک، خصوصاً دیل و ادبیات عرصه‌سینده فقط اونلار ایرانلی ساییلیب،
سایر قوملردن یا آد آپاریلماز ایدی یا آپاریلاندا تحقیر و توهین‌له (بیر یابانچی قوملرکیمی) آدلاناردیلار. ائله کی رادیو و
تلویزیونلاردا و هابئله هر بیر شنلیک یا توی مجلس‌لرینده بیزلری ازمک خیالی ایله یئری دوشدوکجه «جوک» لر و
«باغلاما» لار ایله بیزلری «لاغا» قویار دیلار (تاسوفلر اولسون که گاهاً بو عمل‌لر بعضی... آذربایجانلی‌لار وسیله‌کی ایله

اجرا اولونوب و اولوناردی).

خوشبختانه ائيله كي هميشه الله تعالى حقه كمكدير، بو سياست اجرا اولدوقجا، قادير تانرين لطفی ايله، و اورادان كي آذربايجانلیلار خاص بير جغرافیائی شرايطده ياشاييب و طبيعتين چتين ليكلرينه دؤزهرك، ايستيقامتلي و مقاوم اينسانلار بارا گليب لير و تاريخ بويو كسگين بير مبارزه ايله طبيعته و بير دشمنه غالب گلدیکلري کيمي، او يابانجيلار وسيله سي ايله «ديکته» اولونان سياستلره ده غلبه چاليب، او «قارا دؤرون» عمرونه ده بوتون ايران خلقلري ايله برابر الاله وئريب، عظمتلي اينقلابيميزدا سون قويدولار و ۸ ايل ليک عراق وسيله سي ايله ايرانا تحميل اولان محاربه ده دوغرودان آذربايجانلیلار، ساير ايرانلي قوملر ايله ياناشي جبهه لرده بؤيوك رشادت لير خرجه وئريب گؤزهل حماسه لير ياراديب، اونودولماز قهرمانليقلار گؤسترديلر.

آنچاق يئري وارکن بو (چوخلارينا) گيزلين حقيقتي ده بيلمه ليک كي بو داورانيشلاري بيزيم حقيمي زده فارس لار آد ايله اجرا ايله ينلر فارس ديپلي اولسالاردا حقيقي فارس دئيللر، بلکه بيگانه سياستلرينه اويانلار و يئرسيز عظمت طلب لير و بيگانه لرين دئيرمانلارينا سواخيدانلارديلار كي قصد و نيتلري بيزلري بير بيريميزه ووروب وار - دولتيميزي تاراج ائيله مکدير.

اودوركي اولده دئديگيم کيمي بيزيم دؤروموز ايله سيزين دؤروزون چوخلو فرقلري واردير، او جمله دن، اگر كي بوگونکو شرايطده اقتصادياتيميز بعضاً دارليغلارايلا اوز به اوزدور و يا خود ايشسيزليک گنجلريميزي سيخاراق اونلاري چوخلو نائيلتيره ال تاپمادان مانع اولور، و بونلاردان دا سواي، بير پارا دارليغلاردا سيزلري اينجيدير، ليکن ديل و ادبيات عرصه سينده سيز عزيزلرين سعي و چاليشمالارينين اثرينده، گؤزه چاريان نائيلتيره ال تاپيشميق و بير آزدا دقت ائيله ييب اؤز زامان و شرايطيميز كي اوندا ياشايرسنيز تانيساز قطعاً بيزدن آرتيق اوغورلو اولاجاقسيز. آنچاق اومودوم وار هم حاکميت و هم سيزلر يولونوزي چاشمادان (انشاء... كي اوجور اولماسين) مسالمت يول لارايله قانون اساسي ده بوتون ايران قوملرينه وئريلن حقلره ال تاپيب آناديليميزه، هنر و ادبياتيميزه و هابئله اجتماعي حقلريميزه ماليک اولاق.

نتجه كي ايندي بوتون تورک ديپلي منطقه لريميزده (اوجمله دن همدان، قزوين، تهران، تبريز، اردبيل، اروميه، زنجان و ساير شه رلرده) گؤردويوموز کيمي گؤرکملی مدني حرکتلر باشلاناراق گوندن - گونه گننيس لنمه ده اولدوقدا گنت - گنده بو گؤزه ل ايران آدلي اؤلکه ميزده هامی قوملار قانون اساسي ده وئريلن حقلرينه چاتيپ قرنلر بويو بير صميمي قارداش کيمي بوتور ياقدا، بيرگه ياشاياجاقلارا!

سايان - گنچميش ايللرده کلاسيک يازيب - اوخوماغين اولماماسينا گؤره نئرده بير سيرا ينتر سيز ليکلر ياراييب دير، سيز بونونلا نئجه

يانا سينيز؟

❖ بيزيم ادبياتيميزدا نئرده ينتر سيز ليک بؤيوك بير دردير و حتي تورک ديپلي يازيچيلاردا بورادا ينتر سيز ليک لري واردير. اينسلانلار ايش آراج لارين ايللر بويو ايشله ديپ بوي - باشا چاتديريرلار. سيز ايبن نين (بدنين) هانسي عضونو آزاراق ايشه توتاسيز، او بير زايد عضوه چئويريله جک. ديلده بو داها اؤنملي دير. چونکو خلق اونو گوندم ياشايشيندا ايشله دير و قوندارما صورتده خلفه تحميل اولونان ديل بونون قاباغيني آلاجاقدير. بوگون حتي باکيدادا بعضاً بو دوروم گندير و روس ديپلي بير غالب ديل کيمي اؤز نقشين اوينايير. بوردادا تاسوفله مسئوللار تلويزيون دا، راديودا دانيشاندا بيزيم بو گؤزل ديپلي ديديب داغيديب، پيس صورتده ياراماز ياماق

كىمىي جملەلەرى بىر بىرىنە يامىرلار. من سىز گىنج لىمىزىن چالىشمالارىنا چوخ اومودوم وار و انشاء ...
حكومت ده بو مساله يە بويون قويا؛ چون دونيادا نئچە دىللى اۆلكەلەردە خالقين اۆز دىلپىندە ياشاماسى
آيدىن بىر مسالە دىر. اونا گۆرە بوندان بىلە بىزىم غىرتلى گىنج لىمىزە مقدس و بۇيوك بىر وظيفە دىر كە
آنادىلپىندە نثر يازماغى چوخ ضرورى منىمىسە رك او عرصەدە دە قلم گزديرسىنلر.

سايان - درگىلرو قزنتلرە باخاندا، كلاسك ادبىيات و چاغداش ادبىياتى سنونلر آراسىندا بىر بارىشمامازلىق و حتى ساواش گۆزە
چارپىر، بو دوگونو نئچە آچماق اولار؟

❖ من بورادا حاكىمىتى مقصر بىلىرم. ائو ايچىندە بىر آنا - آنا اولادلارنىن آراسىندا صلح - صفا برقرار ائتمك اوچون
اونلار بىر بىرىنە اوستونە پىچاق چكەمگە وادار ائىلەلە مز، بلکہ اونلار بىر بىرىنە محبت لندىرىب
قووشدورماغا چالىشلار. توپلوم دادا ايمكاناتىن يارادىلماسى گركلي دىر، سالونلاردا و مکتب لردە و ...
دىلچىلرەن و بىلگەلرەن چىخىشىلارنا ايمكان وئرىلسىن تا علمى سىندلر گۆستىرىلسىن و دانىشىق و
بارىشىق يارانسىن. بعضاً ترسىنە حتى بونلارنىن قاباغى آلىنير و باشقا دستەلرە اولونان كىمكەر، بونلاردان
بىزىلردن) اسىرگەلەنير. تبعىض اولماسا، بىزدە آرتىق ماراقلانىب اۆلكەمىزە گۆوہ نە رىك.

سايان - گۆزدن ايراغا قالان مسالە، اوشاق ادبىياتى دىر. بونا گۆرە بىزە دانىشىنىز؟

❖ دئەللىم كى مقدس اىسلام دىنىندە قىد اولونان تربىە وى دستورلار كىمىي بىز هر ايشى اوشاقلاردان
باشلامالىق. حالبوكى بىزىم تلوزىيونلاردا و رادىولاردا، اوشاقلار اوچون دوزەلن وئرىلىشلر اونلارنىن آتابابا
دىلپىندەن و قومىتىندەن چوخ فرقلي دىر و اونلارنى دىلپىن بئجرتىمكە يالنىش ائتگىسى وار. بىزىم ادبىياتدا گۆزل
تربىە وى شعرلر، مثل لر و تجربەلردن دوغولان نمونە لر واردىر. من گىنج لىگىمدە اۆز اوشاقلارىما اۆبىرتدىگىم
ايكى شعرى اۆبىرنك اوچون گتىرىرم(آنچاق شعرلرىن كىمدن اولدوغونو اونوتموشام):

درسه گئند بىر اوشاق

چىخدى بوز اوستە قوچاق

سوروشدو بىردن بىرە

دوشدو اوز اوستە يئره

دوردو اوشاق نئىلەدى

بوزا بئلە سويلەدى

سن نە يامان سان آي بوز

آدام بىخان سان آي بوز

آز قالىب عمرون سنىن

ياز گلر آرتار غمىن

ارىب سويادى دؤنرسن

آخىب چايا گئدرسن

سىز گۆرون بو شعرده نە قدر تربىە وى و روانشناسانە، گۆزلىك و اينجەلىك لر واردىر و نە قدر ياخشىلىق لار
اوشاغىن ذھنىندە يئر وئردىرىر، يا:

گلەجك دىر بابام منىم يانىما

باخاجاق آلي گولو بوستانما
دره جك دادلي ميوه لر بيه جك
منه مين دفعه مرحبا دئيه جك
دئيه جك: ماشا... نه ياخشي قابيلسن
باغچابانليقدا خيلي كاميل سن
بئجهر ب، سووئرب، جالاغلاميسان
شاخاتادا قيشدا ياخشي ساخلاميسان

اينديسه اوشاقلارا بئله بير شيءلر اؤيرتميرلر، بلكه آيري ديللردن چئوريلميش قورندارما ناغيل لاري اؤيره ديللر كي منجه ذهن لر بنده يئر توتا بيملز.

تأسوفله بو مسأله بيزيم خانواده لريميزده ده رعايت اولمور، خصوصيله آنالار و قيزلاردا، فارس اولماغا، عجيب بير مارقا شدت لير و حتي توركجه دانيشماغي اؤز لرينه عار بيله رك فخر ساتماق اوچون فارسجا غليظ دانيشماغي هونر سايبيرلار.

سايان - اينديسه ادبيات دونياسيندان چيخيب ايش دونياسينا قدم قويماق! كئچميشده خالق آراسيندا شاعيردن بير اوتاقدا چراغ ياتيندا اوتورب شعر دنمك حاليندا اولان بير آدامين آنلامي يارانيب دير، آنجاق سيز اجرابي و تيكنيتي ايشلرينده چوخلو چاليشيب سينيز. بونا گؤزه بيزه دانيشين، خصوصيله «كورا باز» دان دنينيز.

❖ «كورابازلي» يا حكومتلر طرفيندن قوبولان آد «كورعاسلو»، اردبيلين ۵۰ و نير شهرينين ۱۳ كيليومترليگينده، يورتچي منطقه سينين بؤيوك كندلرينين بير اولوبدور كي كئچميشده ۳۰۰۰ قدر ائولي اوردا ياشارميشلار. بوكندين اهاليسي، قوراخليق لار و يوخسوللوق لار ائرينده، قاباق زامانلار بعضي لري باكي يا و تهران رونقه مينندن سونرا تهرانا كؤچوب، كندي بوشالتميشديلار، ايله كي ۱۳۴۸ نجى ايلده كورابازلي دا (من ۲۵ ايل اوندان قاباق عائيله م ايله تهرانا كؤچموشدوك) جمعاً ۲۴ عائيله لى ائو قالميشدي. دنمك اولار، او بويوك كند، بير خارابالغا چئوريلميشدي، و من كي ۲۵ ايلدن سونرا او كنده قدم قويوردوم، هر يئري سونوك و ويرانه گوردوم، خصوصاً اؤز آتا ائويميزه باخاندا يالنيز بير «كوللوك» گؤزه دئيردي.

بيرمي بئش ايلدن سونرا، او كوچه لرده، تنگه لرده اوينايب دولانديغيم يئرلر بوسبوتون خاراباليق اولاركن مني غمlendirيب فيكرمي چاشديريردي، ائيله كي اؤز اؤزومه بويوك شهر يارين حيدر يابا پوئماسيندان بو بيتي ميزيلدا يارق زمزمه ايله بيرديم:

آي اؤزومو او ازديرن گونلريم
آقاج مينيب آت گزديرن گونلريم

بئله ليكه له اوگون عجله ايله كندن چيخيب عائيله مين گؤروشونه، سرعينه يوللانديم. بوردا دنمه ليم كي او ايل لرده (و ايندي ده) چوخلاري استراحت زامانلارين كئچيرتمك اوچون «شمال» و «دريا قيراغين» سئويب سئچرديلر، آنجاق من و منيم كي مي لر اؤز آنا بوردلارين هر بير يئردن ياخشي بليب اؤز يئر - يوردلارينا گئديرديلر و بيز ايلده بير آي بو سفره گئديب سرعينه و اردبيل ده دولانيب گزرديك. سرعينه ده عائيله م ايله گؤروشدن سونرا قرارلاشديق صباح كورابازليا گئديب ناهاريميزي اوردا بيه ك و صباح كنده گئدرهك اوشاقلار ايله خارابا ائويميزي بو دفعه ده گؤره رك (منيم صلاحيمه) قراره گلديك، ائويميزي آباد ائيله ييب بوندان سونرا هر ايل اؤز آتا - بابا يوردوموزا گليب، استراحت زامانلارين اوردا كئچيردك. ائيله بير شرايطده منيم كورابازلي «پروژه» مين، تمل داشي قويولدي و اوچ ايل چكدي تا منيم

باشلادیغیم ائو تیکیلیب باشا چاتسین (چون یول و لازیم اولان مصالح او گونلرده منطقهده تاپیلمیردی و گرك چوخونو تهراندان گتیره ایدیم) اما منیم دوزگون اورک نیتیمه باخمی اراق بیر خارابا کند ایچینده، شهر اسلوبی ایله ائو تیکمک له (اؤزل لیکله اردبیلده و آذربایجاندا، پهلوی دؤرونده!) جور به جور سؤزلر و آدلار منه قویدولار: «دلی اولویدور»، «اوقدر پولو وار بیلیمیر نجه خرجه سین»، بعضاً ده سیاسی آد قویمالارلا، منی لاغا قویوردولار، یا خود بعضی یولداشلار منه یول گؤستره رک دئیردیلر: ایندیکی سن بئله بیر «برنامه» اجرا ائیله بیرسن، قاباقجا اورادا اؤزون اوچون چوخلو یئر آل، گله جکده سن اوچون یاخشې ثروت یارادارا!

منده بونلارین هامیسینی ائشیده رک، چون مقدس بیر عشق اساسیندا بو ایشلری گؤروردوم، او سؤزلری اؤزومه آلمایب ایشلریمه داوام وئردیم.

اودورکی اولده کندين ایچینه سو گتیرمک اوچون ۵۰% هزینه سین اؤزومدن قویوب و ۵۰% ده ساکین لردن بیغیب کندين قیراغیندا بیر داغ دؤشوندن چیخان بولاغین سویون «لوله کش» گتیریب لوله وسیله سی ایله کنده یئتیریب ایکی شیر واسیطه سیله بیر مسجدا، بیر ده حسینیه قارشیندا اهالی نین ایچمه لی سویون کی بوندان اؤنجه چوخ چتین لیکله اله گلیردی، (ائیله کی بیر ایچیم سو اوچون صبح دن بیر کوزه یا دولو نوبه یه قویاندا، آخشام چاگی گوجلره هر نفره نوبت چاتاردی) راحت ائیله دیم، سونرا اؤزوم بیر برق موتوری آلیب و معمولی تیرلین وسیله سی ایله ائولره و کوچه لره سیم چکیب ایشیق وئردیم (اوزامان منطقه ده هیچ بیر کندين برقی یوخ ایدی). کورابازلی برق وسیله سی ایله ایشیق لاندان گنجه، یادیمدا قالارکن عمر مومون خوش گنجه لریرندن بیر ساایلار، نجه کی شوقومدان کندين قیراغیندا کی تپه نین اوستونه چیخیب دویونجا! آغلادیم.

البته سونرالار تیکینتی لر چوخالیب، کند گلایشندن سونرا اهالی اؤز هزینه لری ایله ایکی برق موتورو آلیب گئنیش صورتده تمام ائولره و کوچه لره ایشیق وئریلیب هر یانا نور چیلندی. کورابازلی دا باشلانان بو ایشلر گنت - گنده بوتون کندلرده و حتی شهرلرده مثبت تأثیرین قویوب منطقه ده آباد لاشماغا (یاواش - یاواش) باشلادی تا انقلاب شرایطی چاتدی. انقلابدان سونرا «جهاد سازندگی» وسیله سی ایله قالان ایشلری حیاتا کئچیریلیب، اولجه اوچ دفعه یول باشلانیب و ناقص قالاندان سونرا، او ایل لری کی قانون «تبصره ۱۶ مالیات مشاغل» امکان وئیردی تا آزاد شغلی اولانلار ائیلیه بیل سینلر اؤز مالیات لارینی منطقه لرینده ایجرا اولونان «پروژه» لره اختصاص وئرسینلر، من بو فرصتدن فایدالاناراق الی چاتان یولداشلار وسیله سی ایله ۱۴/۵ میلیون تومان او مالیات لاردان کورابازلی نین یولونا کی «نیر» دن «کریق» کندين قدر چکیلیب، آسفالت اولمالی ایدی، پول بیغیب یولون هزینه سینه قرار وئردیم. بو ترتیبات ایله بو یول مساله سینه سون قویولدو و ایندی کورابازلی ایکی طرفدن آسفالت جاده ایله اردبیله یول تاپیب، یاریم ساعاتدا بیر- بیرینه قوشولورلار. هابئله تلفن اولده اوچ نمره لی کانال اولارکن، ائولر چوخالیب، تیکینتی لر گونو - گوندن سرعت تاپیب گئنیش صورتده کند بؤیودوکجه چوخالیب، ایندی ایسه ۴۰۰ شماره دن آرتیق دیر و اؤزونه مخصوص «کد» واردیر و بوتون دنیا ایله ایلگی قورماق چیخاری واردیر. برق یؤنوندن نگرانلیقی اولمایاراق «سراسری شبکه» یه قوشولوب گنجه - گوندوز دائمی صورتده برقی وار، سو یؤنوندن ده دئمه لی بیر بهداشتی دورومدا اولاراق، اولان یئترسیزلیک لریده تتزلیک له چؤزولوب و چؤزوله جکدیر.

بو ۲۵ ایلین مدتیته، من کورابازلی دا وطن سئورلیک اساسیندا مانع لره و بعضی آچاق فیکرلرین داش آتیب، حادثه توره تمه سینه باخمی اراق و حسن نیتلی اینسانلارین یاردیم لاریلا و چوخلو وقت قویوب و پوللار خرجه مکله، «عاشقانه» و «عارفانه» ایشلر کیمی بیر آبیده یارادیب ائلیمیزین درین معنالی مثلی، «ائل گوجو - سنل گوجو» نه

ايناناراق، ائل - طايغا وطنداشلاريمى، اولدوقلاري كيمي تانيب، اينديه قدر ۸ دن آرتيق پروژە اونلارلا اجرا ايله ميشم كي عبارتديلر: ۱- سويو لوله ايله كنده گتيرمك ۲- برق امكاناتينين تمليني قويوب سراسري شبكه يه وصل ايله مك ۳- اولده ۴ كانللي و سونرا كامل مستقل كدلوتلفونخانا تيكيب بهره وئرمگه يئتيرمك، ۴- ماشين يولو چكديرب ايكى طرفدن كورابازليني اردبيل شهرينه قوشدورماق، ۵- اول بناني تيكديرمك ايله ۲۴ ائولي بير كندي، دورد يوز ائولي شهركه دؤندرمك ۶- كندين ياريسيني «بهساز» ليق ائيله تديريب قاليندا تنزليك له كامل صورته چانديرماق ۷- گؤزهل - گؤركملي آتا- بابالاريميزين كنجميشدكي اوولاقلارين (يايلاقلاريميزي) ماشين يولو ايله ياخينلايدىب و اوراني ديرچلديب بئجرتمكدن اؤتري بير شركت تعاوني قورماق كي ۱۵۰ دن آرتيق عضو ايله منطقه ده بير نمونه تعاوني كيمي سايلار.

ايندي هر كورابازلييا گلن بيليركي بير وطن پرور ادبياتچي «عاشيق»، جانين و مالين قويوب ائلي نين اينساني صفتلره مالك اولان شخصيت لرندن كمك آيب او آبيده ني ياراديبلا، اولسون كي گلن نسيلايره بير وطن پرورليك مكتبي كيمي وطنين ساخلايب قوروماق و گوني گوندن اونون آبادليغينا چاليشماغ، بير اؤرنك كيمي درس اولسون.

سايمان - اوستاد، هم تويدا و هم ياسدا اوخونان «آيريليق» ماهني سيندان بيزه دانيشينيز.

❖ من اون بئش ياشيمدان ذوق و دويغو اوزرينده شعر دئمگه باشلاديم و ساتاشما (ساتيركا) سؤزلر قوشوب يازارديم. منيم شعرلريم هر دن بير فارس درگي لرينده ياييلاردي، تا بير گون بير يولداش منه دئدي كي توتاليم كي سن شعر دئمك له، لاپ بؤيوك بير شاعير اولاندا سونرا حافيز اولدون، اونلارين حافيزلري وار، هابئله تورك لردن ده بعضاً فارسجا شعر دئيه ن واردير، منجه بيزلره بؤيله اهانت اولونور و سن آناديلينين دردلريندن يازماغا چاليش، اودوركي او دوستون سؤزو دريندن منده اثر قوياراق، اناام ديلينده ماهني دئمگي باشلاديم. چونكو ماهني، عيني ساده ليكده گرگ خلق ديلينه ياتيملي اولو و خلق اونو تكرار ائيله مگه ماراqli اولو، عين حالدا گرگ موسيقي اولچولرينه اويغون اولو. مرحوم استاد علي سليمي ايله تانيش اولماغم من اوچون بير حادثه اولدو و بير گؤروش دن سونرا، او بسله ييب منده شعر دئمگين قرارينا گلدك. اوزامان بوتايدا اوخونان ماهني لار اوتايان گلمه ايدى، چونكي بوتايداكي شاعيرلر يا نوحه يازيرديلار يا چوخلاري فارس ديلينده يازيرديلار. بئله بير شرابطده بيز بير تعصب له بو ايشه باشلاديق كي به يه بيزيم نه ايميز او تايداكي لاردان اسكيك دير؟! بيزيم ده چوبان لاريميز، كؤشن لريميز و داغلاريميز وارا! بئله ليكله راديو، مرحوم سليمي ايله بيرليكه او نئچه ايل ده ۱۲۰ دن آرتيق ماهني قوشدوق و اجرا اولوندو.

هابئله اينقيلابدان سونرادا ايگيرميدن آرتيق خلبانلار، دؤيوشچولر و سربازلاريميزين حاقيندا، بوگونكولر دئيركن «سرود» دئميشم. اينقيلابدان قاباق راديو گونده ليك ديري صورته ياريم ساعاتليق «آذربايجان موسيقي سي» آدي ايله برنامه بوراخاردي. آنجاق اونلار بير يئرده ضبط اولمازدي. چونكو هله او وقتلر «نت» معمول اولماميشدي. اودوركي اونلارين چوخو بير نئچه دفعه اجرا اولوناندا سونرا داها تكرار اولمازدي. آنجاق ماهنيلاريميزين بير قدري لنته كؤچوب قالارغي اولدو، اونلاردان بيرى آيريليق ماهنيسي دير. من حيات يولداشيملا ائولنندن قاباق عاشيقديم و آيريلغيغين دؤرد بندين پاييز گئجه لرينين بيريسينده، اونا خاطر تديريمين آلاوسي ايتي اولان چاغيندا دئميشم. بير نئچه گون اوندا سونرادا شعري دوققوز بنده چانديرب اونو باغلاميشام. بو شعره دقت گؤسترندگه گؤروسونوز هر بندي آيريلغيغين بير بؤلوموندىن دانيشير. مرحوم سليمي اوچ بنديني بسله دي و دونه دونه اونون حيات يولداشي خانيم وارتوش (فاطمه قناديان) وسيله سي ايله راديو دان بوراخيلدي .



سونرا رحمتلىك رشيد بهود اف كى ايكنىجي دۇنە
ايرانا گلدې، اونون گلمەگى شەھربارين حيدرباباسى
كىمى بىزىم توپلومو لاختادى. رحمتلىك اىرچ گلسرخى -
بۇيوك موسيقىدان و او زامان مىللى كور باشچى سى -
مرحوم سلىمى اىلە تانىش اولدوغونا گۇرە اورانىن
سالونوندا چوخ چتىنلىك لە بىر آغىرلاما قوردوق كى او
جلسە دە من آپارىجىدىم. او مجلسىدە آىرلىق، كندىمىز،
آغلما و رحمتلىك تبرىزى آدلىم شاعىر اعتماد ناطىقى دن
«آستارا» وصفىندە دئىلن ماھنىنى رشىدە وئردىك.
رشىد اوتايدا آىرلىغىن اىكى بندىنى اىفا ائدىب ٤٨ دور

گرام صفحە لرىنە كۇچوروب بىزە گوندردى - او صفحە لردە شاعىر و بستە كارىن آدى اولدوغو كىمى يازىلىب دىر - بورا
گلندن سونرا آىرلىق ماھنىسى دىلرە دوشدو، آنجاق منىم اوزگۇرە نلىغىم و شەھرت طلب اولماماغىم سبب اولدو
«گوگوش» خانىم بونو خالق ماھنىسى آدىنا اىفا ائدىسین. سونرالار حمىد عبادى و يعقوب ظروفچى كىمى عزىز
صنعتكارلار بو ماھنى نى اىفا ائدەندە شاعىرى تانىتدىرىلار. اىنقىلاب اولوب بىر عدە اوتايا كۇچندن سونرا بو ماھنى
بوتون آىرلىقلارى اۇزوندە يئر وئردى و بو گونكو فورما چاتدى. دوغرودان بعضاً دئىرلر بو تورك دىللى مىللتلرىن
ماھنىسى دىر يا بعضاً آذربايجانىن مىللى سرود يا ماھنىسى آدلانىر و توپدادا و ياسدادا اوخوناراق معروفىت تاپىب.

سايان - نىچە و اوقت بوندان اۇنچە توركىدە رشىدىن آغىرلاماسى كىچىرىلدى. سىزىن اوندان خبرىنىز اولدومو؟

❖ من نىچە اىل بوندان قاباق يولداشلارىن وسىلەسى اىلە خبرىم اولدوكى من اىلە برابر بىر نىچە ادبىياتچى
اوچون توركىدەن اىكى باشلى بلىط و دعوتنامە گۇندىرىلىب، آنجاق وسايلىمىزى هواپىمايا وئرىدن سونرا بىر
برادر منى قىراغا چكىب بو قورولتاين «پان توركىسىتى» اولماغىنى منە سوبلەدى. بئلە لىكلە يولداشلارىم
و مندە راضىلاشمىيىب او قورولتايا گئدە بىلمەدىك. هلە دە منە باكىدان و باشقا يئرلردن هردن دعوتنامە گلر،
آنجاق كورابازلى نىن قالان ايشلرى و اۇز معىشتى ايشلرىم هلە لىك منى او سفىرلردن گئرى قویوب عمر
باقى اولسا گلەجكدە بىر سىرا گرکلى سفىرلرە باشلاياجاغام.

سايان - آذربايجان خالق فولكلورون دىرچلەمكدە اۇرنىجى درگىلرىن و اوزللىكلە ساياننىن رولونو نىچە گورورسونوز؟

❖ ساياننىن سوبەسىن و فورماسىن سئوبرم. چون بىر دورو و آىدىن درگى اولاراق دەىرلى بىر گروپو اماچ قرار
وئرىب دىر. اۇرنىجىلر توپلومون قاباقچىل لارى اولاراق اونو فرهنگى و اىجتىماعى يۇندە حرکته گتيرىرلر.
آنجاق منىم دولتدن، گنجلىرىن اىستعدادلارى عرصە يە گلە يە اىمكانات يارادىلماماسىندان گلايموار. دئدىم
كىمى هر شىء ايش ميدانىندا صىقل تاپار. بىزىم دىل قودرتلى و گۇزەل بىر دىل دىر. آنجاق اونون گئنىش
لنمەسى بىر فىكىر آلىش - وئرىشى ميدانىندا اولايلىر.

اىنقىلابدان قاباق و سونرا قوشدوغوم اىكى ماھنى سؤزلىرىن، اؤرنك (نمونە) اوچون ساياننى اوخوجولارىنا ايتحاف

ئندىرم:

«ساوان»

شعر: فرهاد

بسته كار: علي سليمي

اوخويان: يدا... زيوه كله سرلي، ۳۴۲ نجى ايل ده

چكبيسن باشينا، قاردان، آق اۋرىك
اتگينده گولور، چيمن، گول - چيچك
دوشلرئندن آخير، سرين بولاغلار
صفا گۋرور، سنه گلن قوناغلار

شهرتئين بورويوب، بوتون دونياني
آلولار يوردنون، سنسن نيشاني
تاريخ ياد ايلهيب، سندن هر زامان
قوجامان، وقارلي، گۋزهل ساوالان
شهرتئين بورويوب، بوتون دونياني
آلولار يوردنون، سنسن نيشاني
تاريخ ياد ايلهيب، سندن هر زامان
قوجامان، وقارلي، گۋزهل ساوالان
هر ايل يازدا سنه، ائل لر - اوبالار
قوناق گليب، آلاچىقلار قورارلار
كروانلار دوزولر، اوزون يولونا
سورولر ياييلار، ساق و سولونا
اورك سئون ياشيل يايلاقلارين وار
جنت كيمي گۋزهل اوللاقلارين وار
ديل لرئن از بري بالين وار سنين
گزمه لي ياماجين - يالين وار سنين

« عسگرين آناسيله وداعي »

شعر: فرهاد، شومال ماهنيلارئينن هاواسي اوستونده قوشولوب،

اوخويان: يعقوب ظروفچي، ۱۳۶۱ نجى ايلده

گنديرم جبهه يه حلال انت مني
عزيز آنا، شير اوركلي، مهربان
گنديرم قورويام عزيز وطني

ياغیلاردان، قودوزلاردان بو زامان
اینقلابین گونلریندن یادگار
آغزی قورلو تفنگیمی وئر منه
اونو بیرده باسیم جان تک باغریما
یاغدیريم اود، سنگرلردن دوشمنه
اینقلابین گونلریندن یادگار
آغزی قورلو تفنگیمی وئر منه
اونو بیرده باسیم جان تک باغریما
یاغدیريم اود، سنگرلردن دوشمنه
آداخلیما دنه، گۆزله سین یولومی
قاییداریق ظفرلرله گله ریک
سیندی راریق یاغی دوشمن بئلینی
اتل ایچینده، توپوموزو اتیله ریک.

هیچرائلار آلوده سی

اوستاد **علی سلیمی** نین خاطره سینه و گون ساچان نغمه لرینه

www.VarliginSesi.com



نه دنسه هر زامان هر مکاندا تبریزین تارمکتبی و غلامحسین بیگجه خانیدن سؤز
دوشنده ایستر ایسته مز اوستاد علی سلیمی نین آدی ومضرابی یادا دوشور.
ایکی آیری آیری یوللارلا موسیقی دونیاسینا قدم قویان بو ایکی اوستاد آیری آیری
یوللارلا گلیب بو مکتبین زیره سینه چاتدیقلاری حالدا، ائله بیل باشی بلایی
تبریزین فغانلاری ایله سس سسه وئرمکده تارلارینی عینی ردیفده عینی سایاقدان
دیلدیرمیشلر.

ایندی بیز سیزلری ایراندا نشر اولان ماهور موسیقی درگیسینده اوستاد علی سلیمی واونون هنری باره ده
یازیلیمیش مقاله نین قیساممضمونو ایله تانیش ائدیریک: مقاله نین فارسجا اصلی اصغر فردی نین جوشغون قلمیله
یازیلیمیشدیر.

تار اوستادی وبسته کار «علی آلود» یعنی علی سلیمی نین آتاسی ظهراپ ایش اوچون باکیا گئدنلردن بیری
ابدی، ظهراپین آتاسی، یعنی علی سلیمی نین ده ده باباسی سلیم آدلی کیشی نین اوغلوایدی، سلیم کیشی
سوالانین اتکلرینده بال پته یی بئجرماق ومالدارلیقلا عؤمور سورودو. او بال پتک لری آماندا اولدوغو اوچون اونلارین
اوستونه قرآن قویموشدو کی بلکه شاهسونلر آلاهدان واونون کلامیندان چکینیپ پتکلرینه توخونماسینلار. لاکین آتلیلار

توکولور وچکینمه دن پتکلرینی تراج ائدیزلر. سلیم کیشی بوغمانین ایتگیسی ایله سکنه ائدی و اوغلو ظهراپی وقیزی «قیزتامامی» یتیم قویوب گئدی. ظهرا ۱۴ یاشیندا باکیا ایشچیلیگه گئدن جوانلارلا اوتایا یوللانیر. اورادا اول ایشچی اولوب سونرا باکیا گلیر و بیر قیزلا ائوله نیر.

بو و صلتدن «علی آقا» وقارداشی «نادر» دونیا گۆز آچیرلار آتالاری ظهرا باکیدا «آذنف» شرکتینده نفتچی اولور. و علی اورادا مدرسه یه گئدی. ۵ نمره لی مدرسه ده علی نین ادبیات معلمی معروف شاعر «مکائیل مشفق» اولور. علی نقل ائدی: بیرگون میکائیل معلم کلاسا گلنده گۆزلری آغلاماقدان قیزاریب ورم ائله میشدی، احوالیندان سوروشونجا آغلاپ-آغلاپ دئدی آذربایجان تئاتری نین پارلاق اولدوزو بؤیوک یازیچی و دراماتورگو «جعفر جابارلینی» اؤلدورموشلر، مکائیل مشفق اؤزده چوخ چکمه دن رژیم طرفیندن تارین قدغن اولماسینا باخما یاراق

«اوخو تار، اوخو تار، سنی کیم اونودار» شعرینی یازدیغی اوچون میرجعفر باغیروفین «تصفیه» اوخونا راست گلیر. کلاسدا اوشاقلار موسیقی اؤیره نیرمیشلر آتاسیندان ایستر اونا دا بیر دانا تار آلسین. لاکین نماز جماعتده همیشه حاضر اولان و رجبی ساییلان یعنی رجب، شعبان، رمضان آیلارینی اوروچ توتان ده ده سی بونونلا برك مخالفت ائدی، آما علی نین موسیقیه علاقه سی یاواش یاواش اونیوموشادیر و علی نین خالاسی قیزی آدیغی تار علییه وئریب اونی گریشا آدی بیر موسیقی معلمینه تاپشیریر. او دئیر هرگون نچه کره تار سیلیب تمیزلریم. ساری سیملری اوخشایاندا سرخوش اولاریم. بوگون ده ائله تارین ساری سیملرینه وورغونام ...

من اؤزوم گنتیمیرم او منی چکیر، ائله بیل سامانی کهریا چکیر. یاخامی الیندن قورتارانمیرام، زورلا اته ییمی دالیدان چکیر. ال آیاق چالیرام باشیما فونور، باشمی توتارسام آیاقدان چکیر...

اونون دیشی اوچون چؤرک اولماغا، بوغدامی درماندا دارتماغا چکیر. اونا کؤلگه اولدوم آیریلانمیرام دالینجا یورورم هارا ایستر چکیر.

سلیمی دئیر: ارمنی کیشی نین یانیندا ساز اؤیره نیریم. بیرگون ائوده تکلیکده مشق ائندده او گلیب چیخدی و منیم تاریمین سسینی ائشیدینجه اوتوردو و درس وئرمک ایستمه دی. قیسقاج (حسود) ایدی و هر نه اصرار ائله دیم دئدی: سن مندن یاخشی چالیرسان و منیم سنه درس وئرمه لی داها مطلبیم یوخدو. گنتدی و بیرده قاییتما دی

سلیمی سونرا آتاسی نین یاردیمی ایله احمد باکیخانوفون تار مکتبینه تاپشیریلیر. اونون دئدیگیندن آیدین اولورکی باکیخانوف سولاخای ایمیش و تار چوخ اینجه و ملاحظتی چالاردی. آذربایجان مقاملارینا هامیدان چوخ مسلط ایدی. او آذربایجان موسیقی سنین ایران موسیقی سی ایله یاخین و آیریلماز آداشلیغینا بلد ایدی و بو ایکی موسیقی نین بیر-بیرله یاخینلیغینی گؤستریدی.

سلیمی ۱۷ یاشیندا ردیفی باکیخانوف مکتبینه اؤیرندی و باکیخانوف آدینا ۲۶ لار آدینا گروهدا تارچالیردی. او بیرگنجه ائوه گلنده گورور سالداتلار ائوه سوخولوب و هر شئی آلت اوست ائدیبلر و آتاسینی آغلار گورور. او ایللر باکیدا و باشقا شهرلرده ایرانلار ایش اوچون گئدنلری اگر روسیه تابع لیگینه گنجه سه ایدیلر. ایرانا قایتاریردیله. سلیمی نین آتاسی توتولور و آتاسی ایکی آی سونرا اولومجول حالدا یئر آلماسی ائباریندا تاپیلیر بیرگون باکی اسکله سینده بیرعه نی گمییه یوکلله ییب ایرانا گونده ریرلر. سلیمی اؤزله فقط بیردانا تار گتیره بیلیر. ایکنجی تار الیندن آیلرلار. ۱۳۱۷- جی ایله بهمن آیی نین گؤنلریندن بیرینده اونلاری انزلیده گمیدن یئندیریرلر. علی کوچه ده یورغان دوشک باغلیسی اوستونده اوتوروب تار چالیردی. آتاسی دا آغلیردی. عائله اوردان رشته، سونرا اردیبله، اوردان سونرا شاهی یه گئدیبلر و سونرا تهرانا گلیرلر.

سلیمی تهراندا تاردان چؤرک چیخارتماغا مجبور قالیر. او قافاز تار نین هاواسینی دگیشمگله باشلیرفارسی موسیقی چالماغا. اویرتدی: من تهراندا تورکو تار ایله فارسی چالیریم و بیگجه خان تبریزده ده فارسی تار ایله تورکو

چاليردي.

بوايش سليمي يه خوش باغيشلادي، چونكي اونا آياق دوشدو او گؤنلرين سس ايلاهه سي وموسيقي دنياسي نين خوش الحان نغمه كاري، قمرالملوك وزيري يه تارچالدي واوندان علاوه رجب رشتي يه كي سليمي اونو اعجاز موسيقي بيليردي وذييردي كي او حتي تاردان بير پرده ده اوسته اوخووردو، تاريله همراهليق ائتدي وسونرا بديع زاده، قمر، روح انگيز كيمي اوستاد اوخويانلارا تار چالدي و ابوالحسن صبا، مشيرهمايون شهردار، محجوبيلر (رضا ومرتضي) كلنل وزيري واحمد عبادي كيمي بؤيوك موسيقي اوستادلاريله اوتوروب دوردو واونلاردان بسته كارليغين فوت فنلريني اؤيرندي وان سوندا ۱۳۳۷- جي ايلده راديويا گئتدي. راديويا مشير همايون اوندان امتحان آلدې. روح اوللاه خالقي چوخلو سنواللار سوروشدو. ملاح دا هارموني واركستراسيون باره ده اونا سنواللار وئردې وايسته ديرلر كي بير «راست» چاليم، چالديم مدهوش اولدولار و دئديلر ايران موسيقي سي نين ايتيب باتميش گوشه لريندن چاليرسان.

راديوون موسيقي شوراسي اونو دوزگون تحويل آليير و خالقي يازيركي اونو ايشه گؤتورسونلر ومنه اركستر رهبرليگي وئرسينلر. اونو ايشه آلديلار، چالديرديلار، لاکين پول وئرمه ديلىر وحتي بعضا راديويا آذري نواز اولدوغو اوچون پول وئرمه ديلىر، او دئير: «گنديديم مجاني چالام. لاکين مفته چالماغادا اجازه وئرمه ديلىر وقايدان قوووردولار و دئديلر گنه ده كي گلدين. گئت هروقت ايراني چالا بيلدين گل!»

او واختلار تبريزده و اردبيله فارسي اوخووردولار ومعناسيني باشا دوشموردولر. بيز بونون معناسيني سونرالار باشا دوشدوك. آخرده شورا مجليسي تصويب ائله دي كي آذربايجان موسيقي سینه راديويا اجازه وئريلير وحقوقلاريني آلا بيلمه ينلرين حقوق وئريلسين. ناهار اذانيندان قاباق او ايلده گونده بير ربع وسونرالار ياريم ساعات راديويا سليمي نين تاري ائشيديلردي. سونرالار اركستر آذربايجاني، ترانه لر تصنيفلر ومقامات وداها سونرا مصطفى پايان وسلميميدن علاوه دادستان پور، عادل آخوندزاده، صفرعلي جاويد، مش سيفي، جاباروف اسرافيل، آوانس، وارطان وآيريلاريندان آد چككم اولار.

قيرخ اينجي ايللرين سونوندان تا ۵۰ - جي ايلين سونلاريناچاق سليمي يوزدن چوخ آهنگ بسته له بير. اواغلب رحمتليك ميرمهدي اعتمادين غزلرينه آهنگ دوزه لديردي وجوان شاعرلردن ده شعرلريني اونا وئرنلر اولوردو. بيرگون اونون حيات يولداشي فاطمه خانيم قناديان(وارتوش) اونا بير پارچا شعر گتيرير وذييركي، جوان مشتري لريمدن بير خياط خاناما گتيريب كي اونون سنودىگي بيرقيزي اؤزگه سینه وئردىگي اوچون ايكي شعر«آيريليقي» و «آغلاما» ني اونا وئيرير و اوستادسليمي اونو اوخويونجا نغمه يازماغا باشلاير: فكيريندن گئجه لر ياتا بيلميرم بوفكري باشيمدان آتا بيلميرم ...

علي سليمي، آيريليغين دنيا شهرتي قازانانندان سونرا شهريارين «حيدرآبا» سينادا بيرآهنگ يازير. اوآهنگده قاناد آچير ودونيايا ياييلير. اونو اول هوشنگ اوج (آذراوغلو) اوخوموشدو. بو آرا تهراندا بوخبر ائشيديليركي شهريار يئنه تهرانا قايدير. سليمي بير كنسرت يولا سالير وبيرسلام پيامي ايله سرود وكلام اوستادي نين حضورنا گندير. «واله» نين «سيزه سلام گتيرميشم» شهريارين اليه چاتير واوندا «سوغاتي» سلام لا دگيشير.

تبريزده اوگونكوشورا آذربايجانينا راديوبرنامه سي سؤزو آراياگليير. البته تبريزده علي آقا داستان پور آلدې تار سحرکاري واساطور سفرينان دا اركستر گروپو وار ايدي. آما سليمي بونلاردان باشقا ايدي. او ۵۷-نجي ايلدن قاباق دفعه لرتبريزه گل ميشدي، لاکين اونون قطعي گليشي ۱۳۵۸ده باش توتور. بوسفرينده اوآذربايجان اركستر گروپونو تشكيل ائتمكله يوزلرله سرود، ماهني وفيلم موسيقيسي يارادير. او اولده تبريزده اجاره نشين اولور وبيرمدت تبريزين معروف تارزنلريندن محمود شاطريانين ائوينده دالالانانندان سونرا بير خيرادجا سازماني ائوه كؤچور لاکين اورادادا ياشاماق امكاني اولماييجا مدتله تبريزده ائوي دالينداگزيشير وبواونون آخساق اوره گيني بيرداها دريندن دؤيونمه يه سبب اولدو

ويو دۇيونتولر نغمه لري ناله يه چئويردي.

قوجامان تارزن بير قوجامان اوشاق كيمي ايدي. هميشه گولر اوزلو ايدي وهنچوقت گولوش غنچه سي دوداغيندان دوشموردو. بايراملاردا هاميني قاباخليردى، زنگ ووروب تيريك دئيردى. اوره ييمده بئله بير آرزى گول آچميشدى: كاش بير طوي ائئيديم ويكجه خانيني، فرنامي وسليمي ني چاغيرئيديم. قوجا هاردانسا بونيسكيلى دويموشدو. بونيتله گاهدان بيرمشترك دوستلاري بيزه چاغيريردى وسحره جن چاليردى. هئچ كيمين اوره بيني سينديرماق ايسته مزدي. هر كس اونوهر يئره چاغيرسايدى گندردى.

نقل ائيردى: «آلماندا بيرشهره چانديق. اورادا دوستلاردان بيرى ياشيردى. ائوينه گئتديك. ولي ائو صاحبي ائوده دگيلدى. قايدا اوتوردوق بلكه گلسين، گليب چيخمادى. گنجه گنچميشدى قونشونون گليش گنچميشدى باشا دوشدوك كي اسلاويان ديرلار. تاري كؤينه بيندن چيخارتديم و بالكان خلقلرينين نغمه لرinden چالماغا باشلاديم. مجار اويناماق هاواسيني چالاندا قاپي آچيلدى. ائو صاحبي مجار- ايدي. بيزي ائوينه آپاردى، دوستلاريندا دا چاغيردى. قونشو مجارلارا بير كنسرت يولا سالديق.»

تاري اولدوقجا لطيف ومهارتلي چاليردى. دئيردين آلايه اونو دوغورلدوب ويئره گؤنده ريب كي گئت تار چال! هم ده رومانتيك و رومانسلي چال. تاري سحرلي ورويايئردن. بيلميردين هاردان چالير يعني هانكي ميلتين ديليندن چالير وهانكي تاريخين اوزاق افقلىرىنده ياشايان قبيله لرين لهجه سینه اوخشاير.

او بتهوونين سمفونيسي ني پاستورال هاواسي ايله بويايردى. روسي رقصلريني لزيگلين آياق قيرديلارين، چچنلرين كدرلرين وقيشقيرقلارين، اسپانيا كوليلري نين گيتاري، بايات تهرانى نين كوچه باغي تصنيفلريني، عثمانى موسيقي سي نين ايلمله ريني وكليسائين ايلاهي بيچيلتيلاري... خلاصه او تارين عادي وتكرارلانان گوشه لرينده فيرلانان بير هنرمند دگيلدى.

او قديمي بير نغمه ني تازا روايته جالاييردى شهابي آهنگيندن «آري يواوسي» شورالدهشت دن فورته پيانو چيخايريردى. مضرابسين، بارماقلارين ساري سيم لرين اوستونده گزيشمه سيني وساري سيملري تارين اوزو قدر سنويردى، تاري قوجاقلاريندا ساعاتينا دوشموش بير مرهم كيمي انسان چييين لرينده يئر آچميش غريبلك واپش سيزليك ودره درليك پارالارينا سورتوردو. مضرابي تارلا عشق بازيغا چاغيراندا چناغي ائله باغرينا باسير ونوازش ائدير دئيه سن اؤز بالاسيني سینه سینه باسير ونوازش ائدير. سون زامانلاردا تار چالاندا درين و آمانسيزدرد سینه سینه قاپسانبردى. دئيرلر تارچالما، آما مگراولاسييدي؟ يئنه چاليردى خسته خانادان باش چيخايريردى.

بير واختلار اونون اؤرك درماني آز تاپيليردى، او قلب درماني اؤرك خسته لريله پايلاشيردى ياداها دوغروسو اونو اونلارا وئيريردى واؤزو درمانسيز قاليردى.

بيرگون، اللي يئدي ايلدن سونرا بيرليكه باكييا اونون دوغدوغو شهره گئتديك تابلکه قديم عهدلري تازالايلاق. اونون «آيريليغي» افسانه اولموشدو. بعضلري اونو «آپاردى سئلر سارانى» كيمي شها بيليرديلر. اينانا بيلميرديلر كي اونو بوگونكو نامرد زمانه نين بير مرداوغلو ياراتميشدير. باكي نين كنسرواتوري رئيسي، فلارمونيا رئيسي، بسته كارلار (آهنگ قوشانلار) هامى گلميشديلر بلكه اونا بير دگرلمه مجلسي قورسونلار. لاکين او مندن ايسته دي كي، اونو معرکه دن قيراغا چكيم. او دئيرى: بو منيم ايشيم دگيل كي صحنه ده اوتوروب دانيشيم. منيم ايشيم ساز چالماقق دي.

آما بالاخره بيرمجلس قوردولار گئتديك آتا ائوينه يا واقع ده آنا ائوينه. چوخ غم دوغوران صحنه لر يارانميشدى. خالا اوغلانلاري كوچه ني گسترديكه او گؤزو باغلي گنديب ائوي تاپدى. زار زار آغلادى، اوشاق كيمي آغلادى، يتيمانه آغلادى.

هرکسي سراغلاشديم اولوم خبريني وئرديلر وقالانلاردا حسرتين اوسته له ديلر. فقط اوزونو بيرآغ ساققال قوجانين قوجاغينا آتدي و «کمال» دئيه زار- زار آغلادي. اوشاقلیق ایللری دوستو ایدی. اوشاقلیقدا هر ایکسیسی آسید یوکلنمیش کامیونون دالیندان آسلانیرلار. آسید بوشقاسی تریه نیر آسید تۆکولورو کمالین اوزونو یاندیریر. او کمالین اؤز یاراسینی گۆرمکله اونو تانیدی.

گنجه سحره جن یوخوسو آپارمادی. مهمانخانادا گۆزونو بیرگوشه یه تیکدی ویاتمادی. خالا اوغلانلاری او گون آتا ائوی نین کیلیدینی اونا وئیردیلر او آلمادی باخماپاراق کی اؤزو ایللر ائوسیز یاشادی وائو اسبابیندان بیر تختخواب، بیر میز، نئچه صندلی لهستانی، بیر اسقاط ضبط و بیر اوج خیرت بیرت. شهریارین دونیادان کؤچمه سی نین بیرینجی ایلینی گنچیردیدی. شاعر دن ایکی - اوج قطعه شعر اوخومالی ایدیم. فارسی شعرینی رضا رضوی نین پیانوسو وتورکو شعرینی اوستادین تاری ایله «آیریلیق» و شهریارین یالان دونیاسینی دکلمه ائله دیم. جماعت آغلاشیردیلار. سلیمی شعری دینله بیر و اونا موزیکال دن بیچیردی. سونوندا داها ائله بیل هئچ نه ائشیتمیردی، گۆزلرینی یوموشدو و نغمه یاغدییردی. گۆزباشلاری تارین چنلغینا دامیردی. بیرده بیره جماعتین ال چالماسی وهلهله سی اونو اؤزونه گتیردی و اؤز هوشلولوغوندان اوتانیر و عذر دیله بیر کیمی صحنه دن جماعتین باشی اوسدن سوپروشدو و بیر گوشه ده اوتوردو. یئرلی ایدی مجلسی بو رؤیا ایله باغلایق. مجلس ناقص دگیلدی سلیمی اونو تاماملامیشدی.

گلر بیرده یوخودا گۆرک - سس سیز- سمیرسیز آرامیزدان کؤچندن سونرا پاریس ده، یونسکو عمارتینده هئیکلینی قوبدولار و آلتیندا یازدیلار «شرقین بؤیوک بسته کاری»...

خبر

تأسیس رشته زبان و ادبیات تورکی آذربایجانی در دانشگاه محقق اردبیلی

با توجه به نیاز فرهنگی منطقه و لزوم تدریس زبان و ادبیات تورکی آذربایجانی در سطح دانشگاه، رشته زبان و ادبیات تورکی آذربایجانی در دانشگاه محقق اردبیلی دایر می شود.

دکتر کاظم قاسمی رئیس دانشگاه محقق اردبیلی در جلسه مطبوعاتی روز شنبه مورخ ۸۳/۶/۲۰ ضمن بیان این مطلب افزود. مراحل اداری این طرح در شورای دانشگاه به تصویب رسیده و مراتب جهت تصویب نهایی به شورای گسترش آموزش عالی ارسال شد که مورد موافقت ضمنی نیز قرار گرفته است.

دکتر ابراهیم اقبالی معاونت دانشجویی دانشگاه در مورد اساتید رشته زبان و ادبیات تورکی آذربایجانی گفت: برای تدریس دروس این رشته از اساتید مجرب منطقه و همچنین سایر استانهای همجوار استفاده خواهد شد و از اساتید زبان و ادبیات فارسی که شرایط لازم برای تدریس دروس این رشته را نیز داشته باشند، بهره خواهیم گرفت. گفتنی است قرار است دانشگاه تبریز برای اولین بار در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ از طریق آزمون سراسری در رشته زبان و ادبیات تورکی آذربایجانی دانشجو پذیرش کند.

نشریه تانسو تویبخ شد

نشریه تانسو از سوی کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه تویبخ شد. در پی چاپ قطعنامه پایانی دومین جشنواره سراسری نشریات دانشجویان آذربایجانی که خرداد امسال به میزبانی دانشگاه بوعلی سیناای همدان برگزار شد، مدیر مسئول نشریه تانسو به کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی دانشگاه

فراخوانده شد. در حکم توییح نشریه چنین آمده که نشریه تانسو نشریه‌ای فرهنگی، اجتماعی، ادبی بوده و نباید قطعنامه دومین جشنواره سراسری نشریات دانشجویان آذربایجان را چاپ می‌کرده است و بدین خاطر نشریه توییح کتبی می‌گردد!

تدوین آئین‌نامه جدید نشریات دانشجویی

آئین‌نامه فعلی نشریات دانشجویی بعلت جامع نبودن مشکلات زیادی را برای دست‌اندرکاران نشریات دانشجویی فراهم آورده است.

حجه‌الاسلام اکبری جدی معاونت فرهنگی نهاد رهبری و عضو کمیته مرکزی ناظر بر نشریات دانشجویی در حاشیه مراسم افتتاحیه طرح‌های عمرانی دانشگاه محقق اردبیلی ضمن بیان این مطلب افزود. در تدوین آئین‌نامه جدید سعی شد، تا با مشارکت جمعی از حقوقدانان و اصحاب مطبوعات نقایص فعلی برطرف شود تا زمینه برای بروز خلاقیت در دانشجویان در نشریات بیشتر گردد.

وی در مورد ششمین جشنواره سراسری نشریات دانشجویی گفت: جشنواره ششم به میزبانی دانشگاه‌های علوم پزشکی و فردوس مشهد برگزار خواهد شد. متولی اصلی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است و وزارت علوم و نهاد رهبری نیز در این امر مشارکت خواهند کرد. وی از عدم مشارکت دانشگاه آزاد خبر داد و گفت: احتمالاً در برپایی این جشنواره دانشگاه آزاد مشارکتی نخواهد داشت.

بزرگداشت حیدر خان مساوی با بازداشت!

تهدید به برخورد با اعضای شورای مرکزی جمعیت اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان در صورت عدم انصراف از درخواست

مجوز بزرگداشت حیدرخان عموآوغلو، پنجشنبه ۹ مهر ۱۳۸۳ - ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۴

جمعیت اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان در تاریخ ۸۳/۲/۲ اقدام به درخواست مجوز برای بزرگداشت "حیدرخان عموآوغلی" نمود که اکنون پس از گذشت ۴ ماه از این درخواست، این درخواست هنوز بی پاسخ مانده است. این در حالی است که طبق آیین نامه هیات نظارت باید حداکثر به این درخواستها جواب کتبی داده شود. در پی این درخواست ۲ تن از اعضای شورای مرکزی این تشکل به صورت غیررسمی به حراست دانشگاه فراخوانده شدند و در جلسه‌ای با حضور خانم عباسی رئیس حراست دانشگاه زنجان تهدید شدند که در صورت عدم انصراف از درخواست مجوز برنامه فوق‌الذکر مورد پیگرد قرار خواهند گرفت. نکته جالب توجه این است که هر ۲ مورد دخالت در امور داخلی دانشگاه زنجان (لغو مجوز انجمن اسلامی دانشجویان برای برنامه بزرگداشت خسرو گل‌سرخ‌ی و دخالت در جهت منصرف کردن جمعیت اسلامی دانشجویان از درخواست مجوز چنین کنگره‌ای) صورت می‌گیرد

رئیس فدراسیون کوهنوردی:

پارک ملی سبلان باید راه‌اندازی شود

کوهنوردی می‌تواند مهمترین تکیه‌گاه اکوتوریسم باشد

با توجه به اهمیت زیاد صنعت اکوتوریسم و رشد روزافزون این صنعت، ورزش کوهنوردی می‌تواند به عنوان مهمترین تکیه‌گاه این صنعت، محسوب شود.

به گزارش خبرنگار گردشگری ایسنا، صادق آقاجانی - رئیس فدراسیون کوهنوردی - با بیان این نکته، در مجمع

استانی هیات کوهنوردی استان اردبیل افزود: اکوتوریسم به عنوان پردرآمدترین صنعت حال حاضر جهان، می‌تواند یکی از منابع درآمدی دولت به حساب آید.

وی مناطق کوهستانی ایران، از جمله کوه سبلان را با توجه به شرایط اقلیمی آن و پتانسیل بالا برای سرمایه‌گذاری در صنعت اکوتوریسم، منبع مهم سوددهی برای آینده ایران دانست و افزود: کشورهای نظیر آرژانتین یا نپال از محل ورود کوهنوردان به این کشورها جهت کوه‌پیمایی سالانه، سود بالایی نصیب خود می‌کنند یا کشوری نظیر ترکیه سالانه مبلغی نزدیک ۵۰ میلیارد دلار از محل اکوتوریسم درآمد دارد که با توجه به کل صادرات کشورمان، این رقم ۳ برابر صادرات ایران می‌باشد.

رئیس فدراسیون کوهنوردی با اشاره به وجود پارک ملی "کلیمانجارو" در کشور تانزانیا و هجوم کوهنوردان سراسر دنیا به این پارک، لزوم احداث پارک ملی سبلان را یاد آور شد و افزود: کوه سبلان به خاطر داشتن یخچال‌های طبیعی، دریاچه‌ی بالای قله، پیست اسکی آوارس و ... می‌تواند و باید، با سرمایه‌گذاری لازم به عنوان پارک ملی محسوب شود تا اینکه به رونق منطقه منجر شود.

آقاجانی، علت عدم دستیابی دولت به برنامه‌های پیش بینی شده در بخش اکوتوریسم در برنامه‌ی سوم توسعه را عدم برنامه‌ریزی صحیح توسط مسئولین ذیربط در کنار عدم مدیریت کارآمد برای اجرای همان برنامه‌ها دانست. وی همچنین، از عدم برگزاری مراسم سالگرد درگذشت محمد اراز - کوهنورد ایرانی - در ارومیه ابراز نارضایتی کرد. به گزارش ایسنا در ادامه نیز پس از رای گیری مهندس کریم حاجی زاده، مدیر کل سابق میراث فرهنگی اردبیل، به عنوان رئیس جدید هیات کوهنوردی اردبیل به مدت ۶ سال انتخاب گردید.

وی عمده برنامه‌های خود را تلاش در جهت به ثبت رسانیدن کوه سبلان به عنوان یکی از کوه‌های مقدس جهان در فهرست آثار جهانی، سازماندهی گروه‌های کوهنوردی استان، برگزاری دوره‌های مختلف مربیگری و داوری در بخش‌های کوه‌پیمایی، یخ نوردی و ... برشمرد. حاجی‌زاده، همچنین تلاش در جهت احداث پارک ملی سبلان را نیز جزو برنامه‌ی اصلی و آتی خویش دانست.

آزادی در حیطه آزادی

انلدار ارقان

آنچه که امروز جوامع بشری را در تکاپوی متعالی در جهت رسیدن به آزادی و برای ایجاد جامعه‌ای دموکراتیک در بین ملل مختلف جهان سوق می‌دهد، درک روشن‌فکرانه ملل مختلف جهان از سیر متعالی خواست‌های دموکراتیک در طول تاریخ بشری بوده است. با شکل‌گیری جوامع نوین صنعتی و پرجمعیت در طی سده‌های اخیر در جوامع مختلف نیاز به ایجاد روابط منظم و اصول و قواعدی که بتواند حدود و اختیارات افراد و جامعه را تعیین و حیطه آزادی آنها را نسبت به دیگر افراد جامعه و حتی چگونگی استفاده از حیطه منابع یا پتانسیل‌های موجود در جامعه را برای افراد مشخص سازد به طور روزافزون افزایش داده است. جامعه بشری که ریشه اندیشه و سیر متعالی خواست‌های دموکراتیک آن در تاریخ بشری همزاد با انسان به وجود آمده و اولین نمونه‌های بارز آن نیز در روم باستان به ظهور رسیده است همواره سعی در ایجاد جامعه‌ای بوده که بتواند حقوق مادی و معنوی انسانها را سیانت کرده تا بتواند جامعه‌ای دموکراتیک را پایه‌ریزی نماید.

ولي آنچه که باعث شکاف موجود در سیر تاریخ ظهور این اندیشه‌ها تا به امروز در ایجاد جوامع دموکراتیک شده سیري است که می‌بایست در طول زمان در بین ملل مختلف در فرد - فرد افراد جامعه طی می‌شد و بشود تا بتوان با طلیعه انوار حقوق و آزادیهای انسانی و رسالت و عظمت انسانی در برابر جامعه و افراد جامعه انسانی در افکار واپس‌گرا، منجمد، مجرد و ... را در طول نسل‌های متمادی به سوی شرایطی قابل رشد و شکوفایی برای برخورداری از آزادیها سوق داد و در این امر وجود حکومتها و حاکمیت‌های مختلف در بین ملل جهان و نحوه برخورد آنها با افراد جامعه و انسانها و چگونگی ماهیت حکومتی آنها نقش بسزایی در فرایند رشد و شکل‌گیری جوامع دموکراتیک داشته و دارد. چرا که جوامع گرفتار در پنجه حکام، مستبد و زورمدار ... و بطور کلی حکومت‌هایی که ارزش‌های انسان و انسانیت را زیر پا می‌گذاشتند خود سد عظیمی در برابر رشد اندیشه‌های آزادیخواه و برخورداری از آزادیهای انسانی بوده است.

با این همه تاریخ زندگی انسان نشان داد که حتی در مستبدترین جوامع هیچگاه اندیشه‌های متعالی سیانت از حقوق و آزادیهای والای انسان به بن‌بست نرسید در این بین نقش روشنفکران جوامع مختلف بویژه جوامع توسعه یافته در ایجاد بستر و زیرساخت‌های لازم برای ظهور و شکل‌گیری جامعه‌ای دموکراتیک اساسی بوده است. این روشنفکران همواره در طول تاریخ بشری در زمینه‌های مختلف اندیشه‌ها و افکار متعالی را برای جامعه خویش و حتی نسل‌های بعدی به ارمغان آورده‌اند و این ارمغان روشنفکران ملل مختلف بود که تعیین‌کننده میزان رشد اندیشه‌های دموکراتیک در بین ملل مختلف جهان بود و به طبع ملتی که فرد - فرد افراد آن نسبت به حقوق و آزادیها و حیطه و دامنه برخورداری از آنها آگاهی می‌یافتند و با اندیشه‌های دموکراتیک در ایجاد جامعه‌ای آزاد و بدون سلب آزادی دیگران تلاش می‌کردند و نسبت به ملتی که هنوز در آنها هیچ شناختی از این زیرساخت‌های اجتماعی به وجود نیامده متفاوت عمل می‌نمود و به همین خاطر بود که با تلفیق نوین صنعتی شدن و ایجاد جوامع و شهرهای پرجمعیت و شکل‌گیری جوامع صنعتی توسعه یافته را در برابر جوامع شرقی متمایز می‌کند در این بین وجود پتانسیل‌های ملی هر ملتی نیز خود در بین این جوامع رو به دموکراسی خودزمینه‌ای برای رقابت آنها و سبقت‌گیری از دیگر ملل جهان را فراهم می‌آورد.

ریشه‌های فرهنگی، اعتقادی مردم وجود تاریخ و تمدن دیرین تفاوت‌های اثنیکي ملل و قابلیت‌های جغرافیایی آنها زمینه‌ساز شرایط رشد این اندیشه‌ها بود بطوری که وجود ادبیات غنی، قابلیت‌های زبانی، هنری و استعداد‌های موجود در بین ملل مختلف خود اساسی‌ترین امر برای ایجاد تحولی اساسی در آزادیهای اساسی انسان یعنی آزادی از جهل و جهالت و افکار منجمد و ... بوده است. وجود رافائل‌ها، داوینچی‌ها، پیکاسوها در نقاشی، موتزات و اشتراوس باخ، چایکوفسکی، برامس و بتهون در موسیقی، بایرون، شکسپیر، سروانتس، رومن رولان، هرمان هسه، بالزاک، هیچکاک و سیلونه در ادبیات و هگل، دکارت و کانت در فلسفه و دیگر اندیشمندان دنیای علوم مختلف از اقلیدوس تا پاستور هر کدام سهم بسزایی در شکل‌گیری جوامع پیشرفته و دموکراتیک داشته و دارند. در هر حال جایگیری این اندیشه‌های متعالی در بین‌المللی که از دایرة این تحولات به دور مانده‌اند و یا به اندازه و عیار لازمه برای حلول در جامعه دموکراتیک نرسیده‌اند با درک تناسب زمان و شرایط حاکم بر این ملت‌ها می‌تواند چاره‌ساز رشد و توسعه‌ای پویا برای جوامع شرقی باشد.

امروزه روشنفکران آذربایجان در نقطه تماس شرق و غرب که بعنوان دروازه تمدن می‌توان از آن یاد کرد، با تأکید بر هویت واقعی خود و با وجود تاریخ کهن و زبان و ادبیاتی غنی که ریشه‌های آن از تورکستان چین تا قلب اروپا گسترش یافته و با وجود عالمانی که از میان همین ملت تورک برخاسته‌اند از جمله ابن‌سینا، خوارزمی و فارابی نقش

بسیار مهمی دارند و با توجه به پتانسیل سرمایه‌های مادی و معنوی این ملت در جهت رسیدن به جامعه‌ای عاری از قید و بندهای واپس‌گرا، منجمد و متحجر و درک عمیق از تلفیق ساختارهای فرهنگی، سنتی اعتقادی جامعه با پیشرفت‌های صورت گرفته در صنایع و عوامل رشد و توسعه درصدی رفع تظلمات صورت گرفته در طی سده‌های اخیر (در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ...) به ملت آذربایجان و ارتقاء این ملت به جایگاه واقعی و حقیقی خویش هستند. امروز دیگر روشنفکران آذربایجان با توسل به سلاح منطق و علم در جهت روشنگری اذهان جامعه خویش و با تکیه بر خویشتن به سوی افق‌های متعالی گام برمی‌دارند.

آنچه که در این برهه از زمان روشنفکران آذربایجان در حرکت ملی با حرکت‌های پیشین روشنفکری و روشنگری آذربایجان در سده‌های اخیر متمایز می‌سازد روشنگری عمومی برای ایجاد بستر احقاق حقوق و آزادیها در اذهان عموم ملت آذربایجان است نه در تمناي بخشش و طلب حقوق از دیگران، و از طرف دیگر امروز جوانان آذربایجان با شناختی واقع‌گرا و حقیقی از تحولات جهانی و وضعیت کنونی آذربایجان تنها با تکیه بر اندیشه خویش و به دور از هر گونه آلودگی به افکار دوست‌نمایان انحراف‌گرا که بصورت مقطعی و سفارشی برای ایجاد شکاف و تخریب پیکره حرکت ملی آذربایجان و ایجاد انحراف با افکاری مسموم و وابسته سعی در جایگیری در این پیکره را دارند (و به قول معروف دایه مهربانتر از مادر را می‌نمایاند) و با ضمیری روشن و عشق به هویت واقعی خویش در سیری زلال و بی‌آلایش به سوی افق‌های متعالی ملت آذربایجان در حرکتی پویا گام برمی‌دارند.

کیفیت، قدم اول در اطلاع‌رسانی

آیلین دورنما

هر نوشته‌ای که براساس یک روند منظم، منطق و مستدل منتشر گردد و مسائل مختلف کنارش و در حقیقت چارچوب تنظیم مطلب را در برداشته باشد، می‌توانیم نامش را نشریه بگذاریم و نشریه دانشجویی یعنی دستگاه تولید فکر و اندیشه نو و تازه‌ای که متخصص آن دانشجو و خلاقینهای دانشجویست. اولین هدف یک روزنامه‌نگار ایجاد ارتباط است. در این راستا مهمترین کارکرد نشریات دانشجویی آذربایجانی اطلاع‌رسانی است.

نشریات آذربایجانی باید خواسته‌ها و نظرات آذربایجانیها را به اطلاع مسئولان و نیز ملت برسانند. این نشریات می‌توانند همچون پلی ارتباطی میان ملت و حکومت باشند. علاوه بر اطلاع‌رسانی، نشریات آذربایجانی باید دست به یک نیازسنجی بزنند، یعنی از طریق نظرسنجی، همایش و دیگر روشها، نیازهای واقعی مخاطبان خود را بشناسند. این نیازها شامل مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نیازهای سرگرمی می‌شود. نشریات آذربایجان نقش مهمی در وقایع سیاسی و تحولات اجتماعی برای طرح و دستیابی به حقوق و خواسته‌های ملت آذربایجان دارند. از آنجایی که این نشریات بیشتر با قشر جوان و تحصیل کرده جامعه سر و کار دارند می‌توانند آنها را به مشارکت سیاسی یا انفعال دعوت کنند و یا اینکه آنان را در جهت گروهها یا سازمان‌های خاصی تحریک کنند.

اکنون نشریات آذربایجانی علیرغم افزایش کمی، از جهت موضوع از تنوع چندانی برخوردار نیستند و اکثراً موضوعات و مسائل تکراری را مطرح می‌کنند. از آنجا که بسیاری از مقالات، منابع یکسانی دارند به جهت دسترسی آسان به این منابع، مخاطب نشریه به راحتی می‌تواند از مطالب عنوان شده استفاده کند. در این بین عملاً انرژی و وقت فراوانی از دانشجویانی که دست به انتشار نشریه می‌زنند تلف می‌گردد. تعداد مقالات خوب ما بسیار کم است. عامل عمده‌ای که امتیاز مقاله را افزایش می‌دهد رفرنس‌های مقالات می‌باشد. طبیعی است مقالات خوب، کیفیت نشریه را افزایش می‌دهند. نویسندگان نشریه باید از نظر معلومات هنری، علمی یا تجاری در سطح مطلوبی باشند. دقت، امانت و حساسیت نسبت به اخبار، سرمایه‌های اصلی‌ند. آنچه که مهم و اساسی است این است که روزنامه‌نگار با واقعیت‌ها سرو کار دارد اما واقعیت‌ها در قالب لغتها بیان می‌شوند. (به هر زبان و لهجه‌ای که باشد). روزنامه‌نگاری که به زبان تسلط نداشته باشد نمی‌تواند امیدی به تأثیرگذاری بر خوانندگانش داشته باشد. این نکته اهمیت تسلط بر زبان را نشان می‌دهد. تسلط بر زبان‌های بیشتر امکان اطلاع‌رسانی بهتر و ایجاد زمینه‌های تخصصی شدن نشریه را فراهم می‌سازد.

آنچه که ما امروز به آن فکر می‌کنیم و تمایل داریم، گرایش به سوی تخصصی‌شدن نشریات است. رسیدن به این مهم از موازی کاری که قبلاً به آن اشاره شد، می‌کاهد و علاوه بر این، کیفیت نشریه را نیز بالا می‌برد. چرا که انرژی و وقت و تخصصی انسانی صرف موضوع واحدی می‌شود و طبعاً بازدهی نشریه را افزایش خواهد داد.

ضعف دیگر کیفیت نشریات آذربایجانی ناشی از آن است که هنوز جایگاه حقوقی و قانونی نشریات مورد توجه قرار نگرفته و در نتیجه نشریات هنوز یکدستی و هماهنگی لازم را ندارند. در ارزیابی وضعیت نشریات دانشجویی باید به دو عامل توجه کرد: یکی استقلال مالی و دیگری آزادی‌های سیاسی. نشریات زمانی می‌توانند جایگاه واقعی خود را پیدا کنند که هم از استقلال مالی برخوردار باشند و هم آزادی سیاسی داشته باشند. این امر زمانی تحقق می‌یابد که نشریات وابسته به نهاد و سازمان خاصی نباشند. عدم استقلال مالی و آزادی بیان باعث می‌شود که نشریاتی رشد کنند که ابزاری در دست مدیریت دانشگاه یا گروه‌های خاص هستند. در نتیجه کارکرد اطلاع‌رسانی این نشریات کمرنگ می‌شود و نمی‌توانند پل ارتباطی میان دانشجویان و ملت باشند. نشریات دانشجویی ذاتاً آرمان‌گرا هستند اما بسیاری واقعیت‌ها ممکن است اجازه ندهد آنها به آرمان‌گرایی خود ادامه دهند. این مسئله از طریق تعریف جایگاه حقوقی و قانونی نشریات امکان‌پذیر است. نشریات دانشجویی آذربایجانی باید آزادی برای انتقاد و اطلاع‌رسانی کامل را داشته باشند. البته این اطلاع‌رسانی با رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاری می‌تواند مفید و مؤثر واقع شود. یادگیری این اصول خصوصاً برخوردهای انتقادی غیراخلاقی و توهین به دیگران در سایتها و نشریات را از بین خواهد برد. استقلال مالی نشریات از دو جهت امکان‌پذیر است. یکی این که نشریات باید به سطحی برسند که امکان فروش بیشتر آنها وجود داشته باشد و در این راستا باید به کارکرد اطلاع‌رسانی آن توجه کرد. در واقع اولین هدف روزنامه‌نگار ایجاد ارتباط است و نشریه‌ای که به فروش نرسد، مخاطب خود را از دست خواهد داد. بنابراین گفتن این جمله که روزنامه‌نگاری یک حرفه رفیع و بلندمرتبه است نه یک صنعت یا تجارت، کمی مغرورانه است و باید از آن حذر کرد. مسئله دوم جذب آگهی است که در این راستا باید ارتباطات خود را با مراکز علمی و دانشگاهی افزایش دهند.

روزنامه‌نگاری یک حرفه است اما در عین حال صنعتی است که باید آموخته شود وای بر روزنامه‌نگار ناشری که از اصول مدیریت بازرگانی بی‌خبر باشد. نوشته خوب هم سرمایه ارزشمند و مطلوبی است و هم خوب به فروش می‌رسد. پس برای اطلاع‌رسانی مناسب علاوه بر افزایش کیفیت نشریات آذربایجانی باید با اصول تجاری مربوط به

فروش نشریه آشنا شد. تاریخ روزنامه‌نگاری پر است از سرگذشت مردانی که غرورشان به آنان اجازه نمی‌داد خود را دلال و تجارت پیشه بدانند. «رسا داناند» دبیر Free press journal روزنامه‌نگار بزرگی بود اما تاجر خوبی نبود و آخر کار هم شکست سختی خورد. مطمئناً اگر مدیر بازرگانی خوبی می‌بود در روزنامه‌نگاری هم وضع بسیار بهتری داشت. منتها همه چیز نباید در تجارت خلاصه شود، هر چند جنبه‌های اقتصادی قضیه برای نشریات ما حائز اهمیت است، اما ارزشها را نباید قربانی اقتصاد کرد. هر گونه افراط و تفریط، دزدگی و بیزاری و در نتیجه از دست دادن مخاطبان را در پی داشت. به این جهت باید روزنامه‌نگاران و مقاله‌نویسان ما مطالعاتی در مورد روان‌شناسانی جوان داشته باشند و با روشهای جوان‌پسند، جالب و نو ارائه دهند.

عمده ضعف نشریات ما، در این است که به دلیل عدم مداومت در انتشار نمی‌توانند با فارغ‌التحصیلان در ارتباط باشند عدم مداومت در انتشار ناشی از کوتاهی دوران تحصیل و ثابت نبودن کادر نشریات دانشجویی است که می‌تواند از طریق تعیین دقیق جایگاه نشریات دانشجویی و حمایت مدیریت دانشگاه جبران شود. فستیوالها و جشنواره‌ها به شرطی می‌توانند در بهبود وضعیت نشریات مؤثر باشند که عرصه رقابت را فراهم کنند. در یک فضای باز رقابتی نشریات دانشجویی ضعیف‌تر با دیدن نشریات قوی سعی در افزایش سطح کیفی و توانمندیهای خود می‌کنند، همچنین در این جشنواره‌ها می‌توان روش‌های جدید ارائه و انتشار مطلب را به دانشجویان نشان داد. این جشنواره‌ها نباید حالت کلیشه‌ای پیدا کنند. خلاقیت و نوآوری در برگزاری این جشنواره‌ها و جنبه آموزش دادن به آنها می‌تواند باعث مؤثرتر شدن آنها شود. همچنین نشریات برای ارتقای سطح کیفی نیاز به یک سایت اینترنتی دارند از طریق ایجاد سایت برای نشریات می‌توان نشریات دانشگاه‌های مختلف را به یکدیگر معرفی کرد و همچنین با نشریات دانشگاه‌های خارج از کشور ضمن اینکه سایت می‌تواند به منظور آموزش و توانمندسازی نویسندگان نشریه بکار رود. بالا بردن تیراژ نشریه که از ملزومات افزایش توزیع و حفظ ارتباط با مخاطب است، گسترش دامنه اطلاع‌رسانی را باعث خواهد شد. افزایش تقاضا نیز خواسته‌های ما به شکل گسترده‌ای در بین ملت و حتی مسئولان حکومتی مطرح خواهد کرد. بسیاری از نشریات ما اکنون با مشکل امکانات چاپ و تکثیر مواجهند که رفع این مشکلات باید از سوی مسئولان فرهنگی دانشگاه در اولویت قرار گیرد. توزیع امکانات ناچیز هم بین نشریات دانشجویی دانشگاه‌های کشور به صورت مساوی صورت نمی‌گیرد. در هر حال یکسان شدن امکانات ارائه شده ضروری به نظر می‌رسد.

منابع:

- کارکردهای نشریات دانشجویی - دکتر علی‌اصغر کیا.
- روزنامه‌نگار کیست؟ - ام. وی کاماس.

معرفی سایت

www.AllahveSistemi.org

این سایت برای کسانی که علاقه‌مندند دین اسلام را به زبان تورکی بشناسند، از طرف «Ahmed Hulüsi» تدارک دیده شده است. اسلام معاصر، مفاهیم دینی و ... برای علاقه‌مندان مفید خواهند بود.

www.AzeriMusic.com

این سایت یکی از بهترینها در زمینه موسیقی آذربایجان به شمار می‌رود. قسمت‌های مختلف آن عبارتند از اخبار موسیقی، مقالات موسیقی، آدرس‌های موسیقی، دایره‌المعارف، موسیقی آن لاین و ... که به سه زبان تورکی آذربایجانی، انگلیسی و روسی قابل دسترسی می‌باشند.

www.AzerSoft.com

این سایت ارائه دهنده نرم‌افزارهای کامپیوتری با گرایش زبان تورکی آذربایجانی می‌باشد که از جمله آنها می‌توان به برنامه‌های Open source، اسکریپت‌های سرور، Plug-inها، مبدل‌ها، و واژه‌پردازها اشاره کرد. همچنین آموزش نرم‌افزارهایی همچون Word و Excel در این سایت قابل دسترسی است.

www.Dilimiz.gen.tr

این سایت به معرفی ویژگی‌های زبان تورکی می‌پردازد. پژوهشگران، منابع، مقالات، نثر و واژه‌نامه از دیگر مباحث آن به شمار می‌روند.

www.ILDIRIM.com

سایت ایلدیریم شیوه خاصی را در خبررسانی برگزیده و با وجود آنکه اساساً با الفبای عربی ارائه می‌گردد، همواره مجموعه مفیدی از مقالات انگلیسی و تورکی آذربایجانی با الفبای لاتین در صفحه اول خود می‌گنجاند. پس از وقفه‌ای که به علت نقص در دسترسی به سایت Ocaq.net پیش آمد، علاقه‌مندان مجله «وارلیق» هم‌اکنون می‌توانند از طریق ایلدیریم به آن دست یابند.

www.Literature.Aznet.org

در بخش ادبی این سایت با آرشیو کاملی از ادبیات آذربایجان روبرو خواهید شد که به نحو بسیار مدون در سه گروه کلاسیک، مدرن و فولکور طبقه‌بندی گردیده است. دیدار از این سایت را به تمامی فرهنگ دوستان پیشنهاد می‌کنیم.

www.TurkishForum.com

این سایت منبعی بسیار مفید برای دستیابی به پرسش‌های مطرح شده درباره ارمنی‌ها، قبرس، یونان، تراس و PKK می‌باشد و دیدار از آن به محققینی که نیازمند به مرجعی با دسترسی سریع هستند، توصیه می‌شود.

www.TurkmenFront.org

تورکان اوغوز عراق که گویشی مشابه مردم تبریز دارند، اغلب در کرکوک، موصل، دیاله و بغداد ساکن هستند و

حدود ۱۵٪ جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند. این سایت اطلاعات و نقشه‌های مفیدی درباره جغرافیا، جمعیت، زبان و ... آنان ارائه می‌دهد.

www.Turkmens.com

این سایت مرجع کامل برای دسترسی به منابع و آدرسهای تورکمن‌هاست که توسط دکتر فرزاد مرجانی طراحی گردیده است. هنر، فولکلور، زینت‌آلات، اسناد، نرم‌افزارها و لینکها از جمله بخشهای تشکیل دهنده این سایت به شمار می‌روند که به سه زبان تورکی، انگلیسی و فارسی قابل دسترسی می‌باشند.

www.UluDil.gen.az

«تاریخ زبان آذربایجان» عنوانی است که بر تارک این سایت زیبا به چشم می‌خورد. نظامی و تاریخ، قارا مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، لطیفه‌های ملانصرالدین و ... از جمله مطالب خواندنی این سایت به شمار می‌روند.

www.Uygur.org

مردم تورکستان شرقی چین از جمله ملل تورک با سابقه درخشان فرهنگی - تاریخی هستند که از جهت مبارزات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی اشتراکات زیادی با آذربایجان جنوبی دارند. به کمک این سایت می‌توانید با تاریخ، موسیقی، وضعیت حقوق بشر و ... در این سرزمین آشنا شوید. همچنین تصاویر بسیار زیبایی از زندگی مردم و طبیعت تورکستان شرقی تهیه دیده شده که نشان دهنده اشتراکات انکارناپذیر آنها با ماست.

شاید بتوانید دست و پای مرا به غل و زنجیر کشید یا مرا به زندانی سرد و تاریک بیا فکنید، اما نمی‌توانید افکار مرا که آزاد است به اسارت در آورید.

جبران خلیل جبران

تاتها چه کسانی هستند؟

تایماز نظمی

امروزه در اثر پیشرفت علم تورکولوژی و آذربایجان شناسی بررسی مجدد تاریخ و فرهنگ آذربایجانی و شهرهای آن در صدر اولویت کاری محققین و پژوهشگران و نویسندگان آذربایجانی قرار گرفته است. آنها سعی دارند از لابلای کتابهایی که بدون غرض ورزی و تعصب و اهداف خاص سیاسی نوشته شده اند تاریخ حقیقی خویش را عیان نمایند. یکی از مسائل مربوط به مسائل آذربایجان قوم تات می باشد که اکنون در برخی از مناطق آذربایجان از جمله بخش شاهرود و خورش رستم خلخال ، منطقه ای در مرند و تاکستان ساکن هستند. مسئله تاتها و اسکان آنها در میان ترکان با وجود شفافیت تاریخی، به ابزار و وسیله ای در دست سلسله پهلوی و شوونیسم ها تبدیل شده است. وجود چند دهکده تات نشین در دست تئوریسین ها ی پهلوی و در راس آنها کسروی از خود بیگانه، به حربه و دست آویزی برای انکار هویت ترکان ایران زمین بدل گشت چنان که به صورت عادت همیشگی خودشان به جای اصل قضیه و حادثه به طور مصلحتی عکس قضیه را در دستگاه عظیم تبلیغاتی خود تبلیغ کردند و وجود چند دهکده تات نشین را بومی و جمعیت عظیم ترکان را غیر بومی و زبان با قاعده طراز اول ترکی

آنان را به عمد عناد بنام های خود ساخته «آذری باستان»، «فارسی آذری»، «آذری»، «لهجه آذری»، «زبان قدیم آذر آبادگان» یا «زبان خرده فرهنگها» می نامند.

ماهیت تاتها:

متاسفانه تا به حال در مورد تاتها مطالعات آنچنانی صورت نگرفته است. منابع و مدارک آنچنانی جهت شناخت این قوم وجود ندارد و چندین مطالب بسیار ناقص در برخی کتابها آمده که نویسندگان بعدی آنها را تکرار نموده اند و هیچ کار جدیدی صورت نگرفته است. لذا امروزه بر نویسندگان و روشنفکران این قوم وظیفه است تا در این وادی قدم گذاشته و مطالعات و تحقیقاتی برای روشننگری بیشتر در این زمینه بردارند.

اما آنچه از مطالعه آثار موجود بدست می آید اینکه از روزگاران پیش برگزیدن اصطلاح خاص و شاید هم نه چندان خوش آیند نسبت به غیر خودی مرسوم بوده و اکنون هم وضع به همین منوال است. اگر روزگاری یونانی ها، عربها اصطلاحات بربر و عجم را به عنوان شناسایی غیر خودی برگزیده بودند در حال حاضر هم استادان، ادیبان، وازه شناسان ادبیات فارسی، در مقابل کلمه اسلام گرا عنوان دگراندیش را بکار میبرند، لذا ترکان هم نسبت به غیر خودی وازه تات را بکار میبرند. (۱)

محمد علی نقابی در این مورد می نویسد: «در سده های گذشته که ترکها در شمال غربی قاره آسیا مستقر شده بود، افراد طوایف و عشایر غیر ترک را که در زیر لوای حکومت آنها می زیستند تات می نامیدند» (۲) همچنین اورانسکی در این مورد چنین می آورد: کلمه تات ظاهراً در آغاز بر نژاد و قبیله ای اطلاق نمی شده است. ترکان بر مردمی را که در زیر انقیاد خویش آورده بودند تات می خواندند (۳) و غلامحسین مصائب در دایره المعارف (جلد اول) می نویسد: تات لفظ ترکی به معنی عناصر خارجی ساکن سرزمین ترکان، این لفظ در کتیبه های اورخون - قرن هشتم میلادی - آمده است. (۴)

همچنین در این مورد در فرهنگ ترکی آذربایجانی - فارسی استاد بهزاد بهزادی چنین آمده است: ۱- قوم تات که به لهجه ویژه ای از فارسی حرف می زنند و در مناطقی از ایران و آذربایجان شمالی سکونت دارند. ۲- جمعیت غیر ترک زبان مقیم آذربایجان و مناطق ترک نشین. (۵)

مارسل بازن می نویسد: «این نام توسط ترکها به ایرانی زبانان داده شده است و منظور از آن کسانی است که نمی توانند به ترکی صحبت کنند. همچنان که نام بربر که از یک اسم صوتی حاصل شده است به اقوامی اطلاق می شود که نمی توانستند به یونانی تکلم کنند. این موضوع در نوشته های اورخون (۷۳۲ تا ۷۳۵ م) و کاشغری در قرن یازدهم میلادی به اثبات رسیده است. (۶)

آمدن تاتها به سرزمین ترکان:

بنا به یافته های امروزی باستانشناسان و پژوهشگران آذربایجان به عنوان موطن اصلی ترکان دنیا و زادگاه اولیه تمدن ترک از حدود ۷۵۰۰ سال پیش محل زندگی ترکان بوده است و ساکنان اولیه این سرزمین التصاقی زبان و ترک بوده اند. ولی در زمان هخامنشیان و ساسانیان بنا به مصلحت مملکتی ترکیب جمعیتی آذربایجان دست خوش تغییرات خزنی گردید از جمله اینکه انوشیروان برای حفظ حکومت جبار و بیدادگر خویش و جهت جلوگیری از حملات ترکان، عده ای از ملل تابعه خود را به آذربایجان کوچانده و آنان را در قلاع نظامی و آبادیها اسکان داد تا پشتیبان ساسانیان باشند. به مرور زمان اینان با قطع ارتباط از اقوام اولیه خود و احاطه شدن بوسیله اقوام ترک با توجه به وسعت جغرافیایی امپراطوری ساسانی و کثرت قومی و اینکه اینان از اقوام یکدست نبودند، در میان ملل ترک آسیمله

شدند . چنان که به میزان اندکی از آنان در بعضی از دهات ترك نشین باقی مانده است که اکنون به زبان ترکی تکلم می کنند و هم به زبان ایلی خودشان صادق مانده اند. (۷)

مورخین درباره اهمیت که پادشاهان ساسانی به پاسداری از گذرگاه حساس دمیر قاپی دریند (باب الابواب) نشان می دادند ، از کوچانده شدن گروه هایی از نقاط مختلف امپراطوری ساسانی به این سامان و دادن امتیازاتی به آنها برای اقامت دائم در این سرزمین در منابع موجود بسیار سخن گفته اند. یاقوت حموی ضمن تاکید بر اهمیت نظامی دمیر قاپی در بند در نظر ساسانیان به مسئله سپردن مسئولیت حفظ دروازه های سد پرداخته و از بعضی گروه های محافظ سد مثل طبرسران ، فیلان ، ایران ، شروان نام برده و از انشاستکین (جنگجویان ایرانی گماشته شده بر سد دریند) سخن به میان می آورد(۸)

ابن فقیه می نویسد : " انوشیروان گروهی از سیاسجه پهلوان و دلاور خویش را در قلعه های کلاپ و شاهبوش که در سرزمینهای سیجان واقع در آن سوی ارس بنا کرده بودمستقر کرد. " (۹)

غیر از نشاستکین یاد شده گروههایی از سغدی ها ، پارس ها و ملل دیگر شهرها و در دژهایی که در مناطق مرزی گرجستان و ارمنستان ساخته شده بود ، سکونت داده است (۱۰) به نظر نویسندگان تاریخ آذربایجان، ساختن استحکامات در آذربایجان تنها برای پیشگیری از حمله اقوام کوچ نشین شمالی و شرقی نبوده بلکه این دژها در عین حال برای استثمار آذربایجان و به زانو در آوردن مردم آن سامان و سرکوبی قیامهای آن به پا می گردید. همچنین ساسانیان برای نگه داشتن آلبانی در زیر سیطره و پدید آوردن تکیه گاه برای خود ، اقوام گوناگون را به آنجا می کوچاندند و همین اقوام بعدها از طرف ترکان بومی منطقه تات نامیده شدند . تاتها در بخش هایی که دارای ارزش نظامی بود ، مستقر می شدند و بقایای آنها هنوز هم در بعضی از این اراضی زندگی می کنند . (۱۱)

ناگفته نماند که این کشمکشهای تاریخی بین ترکان و امپراطوری ساسانی از یک طرف و ظلم حکام ساسانی به عامه مردم از طرف دیگر جناب باعث ضعف و زوال امپراطوری ساسانی شد که در مقابل سربازان دلاور و تازه مسلمانان اسلام که خصوصا به صلاح ایمان نیز آراسته بودند، چندان دوامی نیاورد ، و بزودی برای همیشه از هم پاشید.

در تاریخ صفویه و قاجاریه هم به واژه تات بیشتر بر می خوریم . پیتر دو لا واله قشون شاه عباس را چنین تعریف می کند : قشون ایران مرکب از چهار دسته است که به ترتیب اهمیت از پائین ترین آنها یعنی تفنگچیان که شاه عباس چندی پیش به توصیه آنتوال شرلی انگلیس به تشکیل آن همت گماشت ، شروع می کنم . تفنگچیان از نژاد ایرانی هستند که مسکن و ماوای آنها شهر ها و دهات است و چون تمامی شان حقوق می گیرند هر وقت به وجود آنها احتیاج شد فوراً در خدمت حاضر می شوند نجیب زادگاه یعنی قزلباشها وارد این دسته نمی شوند و در حقیقت آنها را رعیت ها تشکیل می دهند ... به رعایت لفظ تات نیز اطاق می شود و در فارسی وقتی تات می گویند منظور این است که طرف از طبقه نجبا یعنی قزلباشها نیست ، عده تفنگچیان ایرانی فعلاً قریب بیست هزار نفر است . چون آنان از تات ها هستند تاج قزلباشی ندارند و عمامه ساده ای می بندند. (۱۲)

و در جای دیگر پیتر دو لا واله می نویسد. " امروز اتکای او بیشتر به تفنگچیان تات و مخصوصاً غلامانی است که روز به روز بر قدرتش افزوده می شود و به مقامات بلند پایه گماشته می شوند. " (۱۳)

نتیجه گیری:

با نگاهی به مطالب اندک موجود در برخی کتب تاریخی درمی یابیم که تاتها از زمان ورود پارس ها به سرزمین آذربایجان آورده شده اند و طی این مدت در کمال آرامش و آسایش در میان آنها زندگی کرده اند. هیچ گاه به مشکل خاصی برخورد نکرده اند و لی در زمان حکومت منحوس و نژاد پرست پهلوی، عده ای به اصطلاح نویسندگان و تاریخ نگار

از وجود این قوم به عنوان ابزار جهت رسیدن به اهداف شوم سیاسی خویش استفاده کرده اند حال لازم است فعالین و نویسندگان این قوم تحت تاثیر تحریفات و دروغ نویسی های قرار نگرفته و مطمئن باشند آذربایجان هیچ گاه به آنها کوچکترین بی مهری را نکرده و نخواهد کرد.

منابع و ماخذ:

- ۱- ماهنامه پیک آذر زنجان
- ۲- ماهنامه پیک آذر
- ۳- خلخال و مشاهیر- محمد مسعود نقیب
- ۴- دایره المعارف فارسی - فارسی ، غلامحسین مصائب
- ۵- فرهنگ آذربایجانی - فارسی، بهزاد بهزادی
- ۶- خلخال و مشاهیر- محمد مسعود نقیب
- ۷- وارلیق- حسین پناهی
- ۸- آذربایجان در سیرتاریخ ایران- رحیم رئیس نیا
- ۹- آذربایجان در سیرتاریخ ایران- رحیم رئیس نیا
- ۱۰- وارلیق- حسین پناهی
- ۱۱- وارلیق- حسین پناهی
- ۱۲- مطالعاتی درباره تاریخ، زبان و فرهنگ آذربایجان- پیترو دو لا واله
- ۱۳- مطالعاتی درباره تاریخ، زبان و فرهنگ آذربایجان- پیترو دو لا واله

آراز بویو

سلیمان محمدی



قویولمامیش بیر قرار اییدی گوروشلریمیز. بیر بئره توپلاشدیقدا کیمسه سیز و بییه سیز، حاققی همیشه تاپدالانمیش، دولت بوللو ثمره گوتوروب اونوتدوغو، دوغما یئر موغانین بیر یئرینه، هاراسا گندیب دردله شمک ایسته دیک. ایکی ماشین آدم ایستر ایستمز جاده ده یوللاری آراز طرف سوروب و آراز بویو گندهر اولدوق. سؤزلرده ندنسه ایکی ماشینین ایچینه یالنیز آذربایجان جمهوریتینین دولاشیق دردلریندن گنتدی. بیز پارساباد شهریندن چوخ اوزاقلاشمامیشدیک. جاده بویو آراز گورونوردو. دردلر چای آخیمینا قوشولوب دینیزینه تۆکولوردو. قلبیم دؤیونوردو، گؤزلریم

گوروردو اوتاپدا شهرلر کندلر و تارلادا ایشلهین قادینلار و قیزلار گورونوردو. بو اسکی یارانین بیر باشی لاپ کئچن عصیرله قایدیر، لاپ اوزاقلارا؛ تزارلار واختی تزارلارین یوروتدوگو سیاستله گونو گوندن تورک تورپاقلاری کیچیلیب و نتیجه ده روسیه نین تورپاقلاری آرتیب. تاریخی دقتله آرادیقدا چوخ شئی لر آنلاشیر، اولسون کی همیشه اویدورما و قوندارما یازی لارلا بیزی آزدیریب و چاشدیریبیلار. هر حالدا تزار ده پیشدی آنجاق یئنه اونلارین ایسته ک لری ثابت بیر یاسا کیمی استالین حکومتینه گؤچدو. روسلار قفقاز و ایران یولو ایله آزاد دینزلره یول تاپماسینی باشلاریندان هئچ واخت

آتمامیشلار و چئشیدلی آیری یوللارادا ال آتمامیشلار. بئله لیکله مسیحیت دونیاسی یالیز قفقاز بوغازیندا کئچدیکده آسیایا یول تاپیر. بوردادا آذربایجان دیر بو یول آغزیندا، اونا گؤرا ایستالینیسیم حاکمیتی واختی ایکن آذربایجان بیر چوخ تورپاقلارینی، زنگه زور، باسار گنجر، گاجاران و ... او تورپاقلارکی نخجوانی آذربایجاندا آیری سالیر، ارمنستانا وئریلیب. بئله لیکله مسیحیت بو دالاندان آسیایا یاپیشیر بیر یاندا ارمنستان آراز چاتیر. ارمنستان و روسیه و مسیحیت دونیاسی بو تورپاقلاری قوروماق اوچون یالیز کئچمیشدهن ارمنی لری قاراباغ بؤلگه سینه کؤچورولر.

عینی زاماندا داشناق پارتیاسی یارادیلیب و اولار مختلف اویدورما و یازی لارلا قایرما تاریخله دنیا ارمنی لرینه اینام و اینانچ وئریلر: "بونلار بیزیم تورپاقلار دیر اوسته لیک گنجه، باکی، تبریزده بیزیم دیر، حتی اؤزونوز گورورسوز تورکلر نخجوانی دا بیزدن آلیبلار. دنیا، بیزه یاریم ائدین" داشناق پارتیاسی اویدورمالارین مختلف دنیا دیل لرینه گؤچورول یاییلار. نتیجه آلیریق داشناق و روسیه اولماسایدی، روسیه و داشناق زنگه زور و باسار کئچر تورپاقلارینی ساخلایا بیلمزدیله. حتی واخت ایکن ایروان کیمی تورک تورپاقلاریندا ارمنی لر اؤز لرینه وطن دوزلده بیلمزدیله. بو قورخو داشناقدا اول بیلردی کی ایروانی اللریندن آلماسینلار دییه هردن بو های سالی رلارکی باکی، گنجه، نخجوان و ... بیزیم دیر. دئمک اولار داشناق ارمنی لری برنامه ایله آذربایجان تورپاقلاریندا یئرله شدیریلر و یوز ایل بوندان اؤنجه «موسا خورنی» کیمی یالانچی مورخلر بئجه ریب اویدورمالار یازیتدیریب کیتابلار تالیف ائدیب یاییبلار.

ماشین جاده ده گئدیردی. یاواش یاواش آرازین اوتاپندا یانمیش کندلر و شهرلر اوزاقدان گؤرونوردو و ارمنی عسگرلری.

من کئچمیشده بورا گلیمیشدیم، یالیز آذربایجان قیزلاری، گلین لری اوشاقلاری گؤرونوردو؛ اما ایندی هر شئی عکسینه دیر بوتون ائولر غارت اولونوب ساتیلیمیشدی. هر یئر یانمیشدیر، داملارین اوستو سؤکولوموشدو. آراز بویو گئدهن قاتار یولودا سؤکولوب و کیمسه سیزایدی. آرازین بوتاییندان گؤرونوردو گورادیزده گوجانلی دا قاتار دایاناجاقیندا کیمسه یوخ واخت ایکن بوردا محاربه گئدهنده من یئنه بوردا دیم. روسیه نین توپخانالاری بوتون شهر و کندلری آتش آلتینا توتوموشدو. روسیه نین زرهی قوشونو اوشاقا، قادینا رحم ائتمه دن یئر گویو چیرپیردی و یازیق جماعت قوش تفنگی ایله نجه اوزونو تورپاقینی قوروسون.

نچه مینلر آذربایجانلی شهید اولدو. آرازدا قونداقدا بیر اوشاق گئدیردی. هارا باخیردین اینسان قانی آخیردی. چوخ آجینا جاقلی بیر صحنه اییدی. هر یئر یانیردی هامی قاچیردی دئییردی ارمنی لر گلیر... گئری قایدیب ووروشان آذربایجانلی لار روسیه تانک لارینین گولله لرایله سوورولوردو... بیر یاندان سپاهین توپخاناسی میل موغان سدن امنییتینه خاطر هر ایکی طرفی آتسه توتوموشدو. قیریلانلار و یارالانلار آذربایجان اوشاقلاری و قادین لاری اییدی. پارساباد شهرینین خسته خاناسی دولوموشدو یارالی آذربایجانلی لاردان. او گنجه سی من یارالی عسکرلر آراسیندا یاتدیم. بیلیردیم روسیه نین زرهی عسگرلرینین قارشیندا تزه مستقل اولموش اولکه سلاح سیز کیشی- قادینلار دایانا بیلمز. اولار بیزه فرصت وئرمه دن تجاوزو باشلامیشلار. اگر روسیه و داشناق بیر ایل یوانسایدی یالیز گوی گول زنگه زور کیمی بؤلگه نخجوانی آذربایجاندا ایران تورپاقلاری آلا بیلمزدی. قاراباغ یالیز ارمنستانا وئریلمیش تا آذربایجان تورپاقلارینی (زنگه زور باسار گنجر...) ساخلاماغا اشغال اولوب. بئله لیکله مسیحیت آسیایا یاپیشیر. هر نه ترسینه اولوب داشناق پارتیاسینین مختلف دیلرده یازیلاری «قارا بیزی باستیقدا بیر قارانی باساق» صوحبتی کیمی دیر. دنیا

ارمني لري، گرگ داشناقين يوروتدوگو سياسته اعتراض ائدهلر و آذربايجان دولتي كيتاب راديو و تئلئويزيا و گوچلو اينفارماسيايله حقيقتي آچيفلاماليدير.

داشناق و روسيه بير ايل يوبانسايدي ممد امين رسولزاده نين خريطه سيني واخت ايكن (۱۹۱۹) جي ايلده بيرلشميش ملتلر سازمانيندا يوللانميش دير آرايا چككم اولاردي... اصلينده روسيه نين ارمنستانا يارديمي روسيه تزار زاماني توركلردن آلدقي داغستان و گرجستان و ارمنستان كيمي تورپاقلاريني قورماق اوچون دور، روسيه ايسته مير قفقازدان و خزر دن الي اوزولسون. ارمني لر ين ياراتديقي قيرغينلار تاريخده تاييسيزدير. دونيادا قولاغين يوموب سانكي دهشتله قيريلانلار اينسان دنئيل حتي ايران حاكميتي ده قولاغين يومدو ارمني لره يارديم ائتدي چون ايران يئددي مين ايلليك اؤزگورلوگونو تاپديقا ايندي كي حاكميت آرادان گئدير و منيم اؤزگورلوگو ده بيشيلميش وطنيم دير، رسمي و ميللي ديلي ده توركو اولمالي دير من اؤنجه اؤزوم اولمالييام سونرا عرب يا ايران ميللتينه باسيلميش فارس.

بونلار هاميسي استعمار و استثمار توحفه سي دير. باخما يارق ۱۲۵۷ جي ايل پهلوي دؤرونده رضا و محمدرضا شاه آتا و بالا نه قدهر يانليشيبيلار و يانليشديرييلار، ايران ميللتيني اؤز هويت لر يندن اوزاقلاشديرييلار. ۱۲۵۷ جي ايلدن سونرا اؤزگه له شديرمه پوروسنسي يننه داوام ائدير. اوسته ليك او آخوما عرب له شديرمه پوروسنسي ده آرتيريليب و ايرانين يئددي مين ايلليك آيدين و گؤركملي تاريخي حاكميت طرفيندن گيزله نيلير. سؤز سوز كي هميشه ايرانين اؤز يئددي مين ايلليك آيدين تاريخيني لكه له نديرييليب و يا دانيليب. نتيجه آليريق هله ايران اؤز ايستيقلاييتين اله آلماييب.

ماشين جادده ده گئيدردى. كيمسه دينمه دن ايچينده آغلاييدى. خدا آفرين كؤريوسونه آز قاليريدى. بوردا بير سد ايشله نير. قرار داد طرفي آذربايجان جمهوري سي دير آنجاق ارمني لر آرازين اوتاييندا دورموشدولار. بو سد اؤنجه خدا آفرين كؤريوسون اوچوردا جاقميش اما آذربايجان جمهوري سي يونسكو ايله ايلگي لنمك له اعتراضيني بيلديريب ايران دولتينه مجبور ائديب بير آز ديشي ليك لر وئرسين. بو سدله اوتاي و بوتاي موغانين هوندور يئرلري سووارييليب و ايليكتريكاسي تامين اولاجاق.

هنچ كيم گؤرمه سه بيلمز بو يئرلر بو تورپاقلار نه قدهر گؤزه لدير آرازين اطرافيندا كي مئشه لر غريسه ين قوشلار. آه... نه گؤزه لدير وطن...

بيز خدا آفرين كؤريوسونده دوردوق. دويونجاق حسرتله باخديق؛ وطن ده وطن سيز... من آغلاييديم. كيمسه گؤرموردو سيگار يمين گؤلونه بله شيرديم كيمسه گؤرموردو. دوشونوردوم چوخ اسكي زاماندا يام، ده وه لر و آتلار و اينسانلار گوريونون اوستوندن سوووشور، ده وه لر ين سسي گلير سانكي...

اؤزومه قاينديم. من بو گونده يم. من بو آندا نه دوشونمه لييم؟ صاباحيم آيدين اولسون بو ائوين بو وطنين بو ايرانين اؤزگور اوشاقلاري اولسون. من اؤنجه اؤزوم سونرا باشقاسي؛ ائشيديم اؤزوم اؤزومو اؤزومو اؤزومو اؤزومو اؤزومو...

سون دورا جاقمىز "نوردوز" دور مگر نين قارشيندا يدي بورا اوزوموز اؤنونه اوفوق گؤرونونجه زنگه زور بؤلگه لري دير. آنجاق ارمني لر استاليني سم سياستيله بورا مگري آدي قويولار و نخجواني آيري سالييلار. آذربايجانين آيريلميش بو حيصه تورپاقلاريني كي نخجواني آيرير تماميله روسيه و دونيا ارمني لر، خصوصيه له داشناق پارتياسى كمك ايله بيرلشميش ميللتلر سازمانينا قبول ائتديرييلر. بو تصديق دن سونرا اعلان ائديلر: زنگه زور، لاچين دالاني، كاجاران و گؤي گولدن سونرا چوخ بؤلگه لر ارمنستانين دير و نخجوان و قاراباغ و گنجه آذربايجانلي لار طرفيندن اشغال اولونموش ارمنستان تورپاقلاري دير و دونيادان اونلارين ايشغال دان آزاد اولماسينا يارديم ايسته ييرلر.

داشناق گئچن ایللر سوی قیریم ائتدیگی تورک لری؛ ارمنی لرین جنازه لری کیمی اوزه چیخاریب "بیزی رحم سیزجه قیریلار" دئییرلر و دونیا یا نیشان وئیرلر.

حیدر علی اوف خارجی سفرلرینده هارا کندیب او اؤلکه نین سیاسی آداملاریندان قارا باغین باریش یولو ایله حل اولماسینا دانیشتیق آپاران زامان همن بینانین قارشینا ارمنی لر توپلاشیب مختلف یالان یازیلار و پلاکاردارلارلا، دونیادان و او اؤلکه دنین سیاسی آداملاریندان ایسته بیردیلر. بیز آذربایجانلی لار طرفیندن اشغال و سوی قیریم اولموشوق... بیزه یاردیم ائدین...!

ایران فلاتینین گؤزلری ساییلان وطنی، نوح بابادان قالان بیر اؤلکه نی، بویله ضد و نقیض سیاستله بوغوب سوی قیریم ائدیرلر.

هر شئی بللی دیر. هامی دنیا غافل دیر. بیزیم گوناھیمیز نه؟!

استالینسیم سیاستی ایله وئریلهن بؤلگه لر، زنگه زور، گاجاران... تامامی له گلیب آراز یاپیشمیر. چون آذربایجان آراز بویو بیر قاتار یولو و اصلی جاده سی استالین حکومتی طرفیندن باغیشلانان تورپاقدان سانیلیمیر، یعنی دوئمک ارمنستان ایرانلا قونشو اولمور اما گؤرونور بو دمیر یولو و جاده نی سایمادان ارمنستان و ایران اشغال اولموموش تورپاقلاردان اقتصادی، نظامی، سیاسی علاقه لر گئچیر. کیمسه اعتراض ائتمیر، کیمسه ایلاھه دادگاهینا یا بیرلشمیش میللتلر سازمانینا شکایت ائتمیر و تروریست محاکمه اولومور. ارمنی لرین بؤیوک کمک چی لریندن ده بیری فرانسه لی لر اولوب.

آغری دولوسو «نوردوز» دان قایدیریق. ماشین جاده ده گئدیر. دوشونوره م بو محاربه دونیانین بوتون محاربه لریندن فرقللی دیر. من آذربایجان جمهورسینین جمعیتی نین قینامیرام. بو محاربه عراق و ایران محاربه سیندن چوخ فرقلی دیر، چون ایرانین کئچمیش رژیمیندن مستقل گوجلو بیر ارتش قالمیشدیر، بئله لیکله گرگ صدام حتی خرمشهریده اشغال ائده بیلمیردی.

آذربایجان جمهورسی تزه مستقیلیگینده مسکودان یوللاری قیریلدیقا بیر آز اقتصادی، بیر آز نظامی پرابلملری اولدو و آز زاماندا آذربایجان میللی بیر ارتش کیمی داشناق و روسیه نین قارشیسیندا دورا بیلمه دی اشغال اولوندو، چون ارمنستان او واخت ساغیندان سولوندا یاردیم اولونوردو. یارالانمیش آذربایجانلی قادین و اوشاقلارینین جانیندان چیخاریلمش مرمی و ترکش لردن بللی اییدیر بو سلاحلار هانسی دولت طرفیندن وئریلیب. حتی بویله فیکیر واریدی کی نفت ثروت لرینه گؤره آذربایجان جمهورسینی اؤز آرالاریندا اوچ یانا بولسونلر.

حقیقت بئله دیر. منیم اؤز پولوملا منی اوز وطنیم ایراندا آرادان آپارماق ایسته بیرلر .

او زامانلار اؤلکه نین ایچینه قورولوب گؤنده ریلیمیش دوشمن لرده کمک سیز دئییل دیر سووتره ن آذربایجاندا ایلگی چوخ ضعیف اییدی حتی آذربایجانین هر شهری دئییردی بیز اؤز شهریمیزده محکم دایانمیشیق یعنی هر شهرلی، ارمنی لری اؤز شهرینده گؤزله بیردی. تاسفله وطنین جانی، تنی بیردیر. یالینز جبهه یه گنده لر، یوخسا جبهه نی گؤزله مه زلر گل سین.

تورپاغی بویوموش روسیه تورک لری اؤزونه بؤیوک تهلکه ساییر و اونا گؤرا آرادان گوتورولمه سینه گیزلین چالیشمالار سورور. روسیه ده تاتاریستان، باش قوردیستان، هاکاسیا و تیوا ایالت لری خودمختار اولدوغوندا قافقازدا داغستان و چئچنستاندا خودمختارلیق ایسته بیر. اونولا بیرگه قافقازین باشقا تورک لری من جمله اوکراینادا کریمه تورک لری اؤز گورلوگ لرینه جان اتیرلار.

بو گون دوستو و دوشمني تانيماليق. گنچن عصيرلرده انگليس و روسيه چوخ ضربه لر بيزلره ووروب، انگليس لر قاجار سلطنتيني بيخماقدا و رضا شاهي گتيرمگده چوخ ياخين الي اولوب. انگليس لر هميشه بير ميللتي غارت ائتمه گه يالنيز او ميللتي اؤز منليگينه، كئچميشينه، ديلينه بيگانه ائديب مقصدلرينه چاتيرلار.

امريكا؛ خاورميانه ده و قفقازدا دوغرو دور روسيه ني ضعيف گؤرمك ايسته يير، آنجاق هميشه بؤيوك تورك ايالتينين يارانماسيندان گله جكده بؤيوك بير قدرته دؤنمه گيندن سئوينيمير. هر حالدا ايندي بير(يگانه) چيخيش يولو، آذربايجان جمهوريسيني پريزيدنتي لازيمي قدهر گوردو.

ايراندا دؤلت آدلي مركزي هسته، هميشه ايران ميللتنين اؤزگورلوگونو آنلاماقدان قورخوب. هميشه بو آخيمين عكسينده دايايب.

ماشين خداآفرين گؤريوسوندا اوزاقلاشيريدي. مئشه بوروموش اوچا بير داغي جنوب طرفينده ذيرويه باش قالديرميشدي...

مشروطيت دورونده رضاخان په لوي سينين ارتش ايله ووروشان قهرمان بير خانيم پريزاد آدلي بو مئشه لره، بو داغلارا، اؤز اوردوسولا چيكليميش دير.

دييله نلره گؤرا پريزاد چئوك اوچا بوي بير خانيم آراز چاينيني عكسينه اؤزه رميش. اونون مبارزه سي بوداغلاردا ايللرجه اوزانايب.

بوردا موغانين و بو قارا داغلارين هر بيرداشينين، هر بير آغاجينين بير انسان عؤمورو قدهر ديه جك دردلي سوزلري وار. بو يوللارين نه قدهر ايتيرديكي ايگيدلري وار و هر يئر، هر داش، هر داغ، هر دره، هر يول... هره سينين اونودولمايان ديه جك حماسه لري وار.

كئچميشده؛ تزارلار دؤورونده موغان بؤلگه لرينده بهرام آدلي بيرخان روسلارلا مبارزه سي اوزون ايللر ديلدن ديله دئيليپ. دئيرلر روسلار بهرامخاني اولدوردوكدن سونرا، گريميلين سارايندا چوخلو سئوينب و شنليك ائديلر. اونون مبارزه ايللري يازيلمايب و نهايت آز قوچا آدمالار واركي اونو گؤروب يا ديلدن ائشيديلر. موغان بؤلگه سي اونودولوب دئيننده بئله فاكتلارين و تاريخين يازيلماماغي و فيليم چكيلمه ديينه گؤره دوغوردان اينسانين اوره گي يانير و بللي دير نييه هئج بير سازمان يا ارگاندا يوخ كي بونلارين حياتيندان فراقمانلار توپلاماغا پول و ايمكانات وئرسين.

بو حماسه لرين داوامي اولاراق گرگ ايندي كي آذربايجان جمهوريسي ممدامين رسولزاده جمهوريسيني (1918) جي ايلي دونيايا اعلان ائديب و اوستوندن هئج بير وضعيته چكلميردي. باخماپارق كه اودا واخت ايكن پارا آذربايجان اييدي. گؤي گؤل ياري بولونموشدور، آنجاق زنگه زور قاراباغ دوشمن اليه دوشمزدير تا گله جك اؤزو گؤي گؤل باره سينده تصميم توتوردو.

بوزه قارانليق دير بؤيله قهرمانلاريميز زامانلار، عصيرلر بويو بونلاري گيزلين ساخلاماغا هر حاكميت يالنيز بيزيم اؤز پولوموزلا بو ايشلري گؤروب و گؤرور، عوضينه باشقا ميللتنين كيچيك و هئج سايلميان ووروشانلارين اوشاقلاريميزا مدرسه و دانشگاهدا، نشريه و كيتابلاردا، راديو و تلويزيادان حدبندن آرتيق بؤيوك گؤستريب و اؤيره ديب دونه- دونه...

دوغروسو بيزيم روشن فكرلر بيزيم هله لازيمي فيكيير بيرليگينه چاتمايبلار. لازيمي قدهر پوللاردا خرجه نير آرادا نفاق ياراديلسين. هئج اؤزوموزونده بلكه خبر بيزيم يوخ نه خسته ليگي توتوموشوق. حتي چاليشمالار اؤزونو گؤستري، اوتايلي

بىر شىھرونى، بوتايلى بىر شىھرونى دوشونە بىلىمى. بوتايلى اوتايلىا غىرتسىز آدلاندىرىر. اوتايلىدا ايرانلىا دئىرىسن اۋز دىلىنى اوخومورسان...ئىلە دورومدا ادبىيات اىلگىلىرى اونودولور...

من بىلىم قاراباغ بۇلگەسى دانىشىقلا حل اولاجاق (آذربايجان جمهورىسىنىن دولتىدە قبول ائدەجك ممد امين رسولزادەنىن قوردوغو اۋلكەنىن يارىسىدىر) آنجاق نخوانلا آذربايجانى ايران تورپاقلار زنگەزور و كاجاران...اونودولاجاق. قاراباغدا ائله "زنگەزور" و "باسارگنچر"ى ساغلاماغا اشغال اولوب.

تركمنچاي و گلستان عهدنامەلىرى نقض اولدوقدا ارمنستان، داغستان، آذربايجان و گرجستان اۋلكەلىرى شاه اسماعيل ختايى قوردوقو مستقل و اۋزگور ايران يارانير. اما بودا بىر يولدور دوشمنى چوخ. بو وطنده نوح بابادان ايندىيەكىمى سورونموشم. اۋز وطنم ايراندا سورگون كىمى ياشامىشام.

۱۲۵۷جى ايلده باش وئرهن انقلابدا منىم قانىم خياباندا تۇكولدو، شلمچەدە من ايىدىم مرمى آلنىمى دئشدى، مجنون آداسىندا خمپاره باشىمى گۇدەمدن آيردى، اما ندىن منى دىنلەمىرلر؟ هانى منىم بابام؟ هانى منىم آتام؟ هانى وطنم ائویم ايران هانى؟!

ايكى واحد توركو دىلى، دانشگاهدا قوبولور. منىم آرزوم بو دئىيل، ايستەگىم بو دئىيل، يالنىز توركو دىلىن ايراندا ايشلەنمەسى، ايداره مكاتباتى «كاربرى زبان» اۋنملىدىر، يازىلىب اوخونماسى لازىمدىر، مستقىل وزارتخانهلر قوبولماسى گرەكدىر. يوخسا بو دىل حركت ائتمز، نئجه كى بىز دەدە قورقود متنىن دن ايرەلىلەمەيشىك عكسىنە رسىمى اوخومادىقدان دالى گئتميشىك. آنجاق بىلدىنىز كىمى مثلن گلستان سعدىنىن متنى ايندىكى فارس دىلىنن نه قدەر فرقىدىر.

جاده بويو چوخ شئىلرە فىكىرلەشىردىم. هئچ مىللت اۋزگورلوگونه چاتماينجا دونيا بىرلىگىنە قوشولا بىلمز. بىزىم دردلرئىمىز دونيايا بىگانەدىر، چون دونيا بو مقطعلىرى هئچ اولماسا بئش يوز ايل بوندىن اۋنجه سوشوب. اونا گورا دردلرئىمىزى ائشىدەن يوخ. بىز اونجه اۋز اليمىزله، سونرا دوشمن الى ايلە دالى قالمىشىق... من اۋزلوگوملە دونيا بىرلىگىنە قوشماق اوچون، هامى هر نهىي بىلمەلىك.

ماشىن جادهدە گئدىردى آراز بويو...

« يول وئرسە اگر ... »

ماهنى سئوئلود (سالماسلى)

دورموش ... گۇزلىرىمىزدەن، يئنى بىر شفق دەنيزە سارى سالنمىشدى. ئىلە سانكى بوغازلاردا بوغولموش بىر فرىاددىز آهلاريم. قاراگۇزلوم، وبقارلى عشقىم پونماندىر ائچىمدەكى غمخانه سنە. هاي كۇووم چوخ زاماندىر قانادلى قوش تىك اۋچوبدور سمالارا دردىم بىتمەز هئچدە تۇكنمەز اولو بابالارىمدان يادىگار قالمىش بىر آهام بلكە، دويغولارىمى گەزركن اۋلكەمى گۇي خزرده جوماراق وطن ائىسىن دەنيز قىراغىنداكى آب آرى توپراقدان گۇلكلر آلتىندا قىپ - قىرمىزى شراب تىك موقدس اللرىن ايچرە سونوناقدەر باشىما چكەركن ... هن دىلكلرئىمده قوش نىشانلى داغلار دائىنە آدىم آدىم سنى ايزلەبىر هر آن ...

اۋزگورلوك رۇياسى حقيقت سارايندا اكثر چكلىندە بوگۇندم ياسامىن قاپالارى حيرت اوزونە آچىلدىغى زامان.

چوخ گۈزەل گۈزىنجرەسى قاپالانىب جان خلوتگاھىندا بىرآن سس - سىز، سمىر سىز دىنجلدى افكارىم منىم.
سوگى دونياسىندا سۇمىشىدىم سنى دئمە چوخدان قىدىسىز دئدىم ...
دون آخشام ئىنى بىرفال ووردوم طالبعىمىن سون قورعە سىندەن دوشدو و يئنە سنىن آدىن كۇنلوم اىچرە بللى كى
اىستە مدەن ... گوناھىم نە ... بىلمەم.

اوبىكولارىمىن شاھى، سىندەنم، رۇيالاردا چاتمىشام قىزىل تىك پارلايان قانادلاران گۇلومسىنىزدى ئىرگۇي مندەن. چىك باغرىوا دئدىن منى... يوخ... يوخ دئدىم سايىنىم، منىمىسەين قوللارىم سنى دوستاقلار بىردەن. اىنان او لحظە سىنەلر اوستە بوغولموش ساچلار قىزىل قانا بويانار، گۇزىومار دونيادەن تامارزىلارىم ... ياپراقى سولان چىچىكلرداھا چكىلمەمىش آھلارتىك ىنسىگىللى-آرامازسنى. دونيا دىرەكلىرى عرشە داپانسادا غورىت توپراغى سۇگى گۈزلىكلىرىنى گىزلى ساخلار. داپان بىرآن، داپان گۇزلىرىن عكسىنى چكىم دوغوردان اورەيىم باشىنانەلروار گۇزلىندە بىلمىرەم ... تىكجە بىلىرەم دوغروسو وورولوب گۇزلىرىم گۇزلىرەن ... سىنە دولوسو بسىلەرەم محبىتىن گۇكلىر آلتىندا. بو سون ساپى چكىلن كۇنلومون، آي اۇلدوزلو گىجەلردە دوزوم دوزوم، دۇزوم ساپلارىنا كىمسەلر دوزەللىر. من عشقىمى اىثبات ائتمەرەم. اورەيىمىن يارالارى، گۇزلىرىمدە سىنە دئمە دىيىم سۇزلىر سانجىسى، آغرىلارى تىجە جانىما بس. اوخشاداركن ساچلارىنى نازلاندىرماسىندا، بارماقلار سارماشان تىللىرى گۇزىنون اۇنوندە توكون اوزونونا چكىدى. ويداع لارىن سىنسىتى قلىمى، ياماچ لارتىك آخارام آياقلارىن آلتىندان سايىنىم. دەلىلر - دەلىسى سىن دئدى. باخدى گۇزلىرىمە. سۇمىرەم ... سۇدالانما ... آجى - دىز گۇزلىرىن منە. يوبانماگىت دئدى. آما گۇلدو محبىتلە ...

مرحبا دوستوم. اىلاھى خيال دىر بلکہ بو پرىشانلى تانىلەر بال سوزولن دوداقلاردان آپ آرى قوتسال كۇنولدىن بۇيلەجە سۇزلىر ماحال دىر ماحال. يول وئرسە اگر قاتلاشارام اۇز سودىيىم سۇدانىن غملىرىنە گۇز اۇرتە بىلمەز گۇزلىرىم، گۇزلىرىندەن. كىسمەدە باخىرسا باخسىن. گۇزلىرەن ساتاشان گۇزلىر عاشىق اولماق گرەك، يوخسا گۇزلىرىن نورو قاماشدىرىر كور ائدەر گۇزلىرىمى و ايندى ئىنە سىنە چاتماق لحظەنىن افكارى باشىمدا اوچماقدا اولاجاق. اىنان تىكجە سىنە چاتماقدا ياشام معناسىنى چوخ گۈزەل كۇنولدىن دوياجام تورىك بايرامى تىك، ئىنە گولومسنى ھر باخدىقجا تىترەت قلىمىن تىل - تىلىنى. وئرانە ائت سىنسىزلىق دە قورولان بت كدەنى اىلقارىنلا. اىستەمە اىچرە بوغولان واختلاردا ئىنە سىندەن اولان ساعات لارىن آنىسى سەپ - سەرىن سولارتىك موزدەدىر ھىجران اودوندىن يانان اورەيىمە. گۇزەل بالام، روخت وئر بىر آن داپان سۇندورمە جانىمداكى آتشى، يانقىن قويما دىلكلىرىمى، آياقلارىن محرابىنا دخىلەم صوبىقەقدەر. نازچىچىدىم اودلار يوردوندا اودا سىتايىش ائدرەم قوي جىسمىم بانىب سون ويداع زامانىندا روخوم سىنە چاتىب قىرارسىزلىق مكتىبىنى اورەيىمدە باغلاسىن. گىجەلر خيال سارايىنا آيلا گونش بىردەن يايىلدى سىن قوناق اولان يئردە ھن دوز دئمىش دىن دەلىم - دەلى، اىچكى اىچمىشەم گۇزلىرىن جامىندا مئى ووروب گۇزلىرىم بىر شوشە گۇزلىرىندەن بوگىجە ... قىورىم قىورىم ساچلارىن بىر دونيا عشق ایلە كۇكلەيەرم بارماقلارىم ایلە كۇنلوم اوستە، تارتىللىرى تىك جئىرانىم اوخ نىشانلى كىپرىكلىرىن تار اولوب بو سون سوزگىچەدە، ايتكىن دوشموش چالقىلار. باشىمدا بىردەن جالانەي، طولمت گىجەلردە كىمسەلر ماھنى قوشار بوچالقىلار سىن دوداقلارىندا سۇاي. مەربىيانىم سانماكى آرى دىر قوزى، گونئى سىن ایلە من تىك آرىلساقدا بىرىق ئىنە اىكىمىز بىر اىنسانىق اۈلكەمىز آذربايجان تىك. قلىم دەسۇرسىنى مکتوبلارىمدا سۇگىلىم ...

بیر یام - یاشیل دنیز کیمی
باغری دولو سونا تورپاق.
کئفلندیریر اوره ییمی
یان - دؤوره سی قانا تورپاق.
ایلر چیخیر قابیغیندان
اثلر دؤنمور وارلیغیندان
اوره ییمین سینییغیندان
گئتمز بیر آن یانا تورپاق.
سوروشوب چندن، دومانان
کئچیر ایگیدلری جانان.
الرینده قیزیل قانان،
آلی - گوللو خینا تورپاق.
چالیشیریک گئجه - گوندوز.
سنی آزاد ائتمه سک بیز،
قانا یانغی قیلینجیمیز،
گیرمه به جک قینا، تورپاق!
بیزیمکی دیر سولون، ساغین
کیم سؤیله بیر بیزدن ساقین؟!
اوشاق ایکن توز - تورپاغین
سوواشیبیدیر جانا، تورپاق!
بو تایی دان، او تایی دان
گونش ساچیر ایکی تایدان
یئر کوره سی سنه قوریان
آنا تورپاق! آنا تورپاق!
قاراشین سانالپ
آبان آیی ۱۳۷۵

بازار دیلیندن کیتاب تانیتماسی

زبان ترکی

دریچه ای به سوی زبان شناسی همگانی ۱

ابوالفضل نصیری

بو فيكىرلر اۇز تجربەلر يىمىن دوغولموش بىر كىتاب دىركى بىرىنچى سايبى زىان تركى درىچەاي... آدىلا ايشىق اوزى گۇردى. بو كىتابدا گىندن دوشونجهلر، نىچە ايللردىر منىم باشىمى قاتمىشىدىر، آنجاق ايسنەبىردىم نىچە دىلدە باسلىپ بايلىسىن؛ آما چوخ عالمىر، اوستادلار، دوستلار، تانىشلار دۇزە بىلمە دىلر. اونلار دىدلر: «هئج اولماسا بىر ايكى جزوه اونلاردان فارس دىلىندە چاپا وئر بىزدە فايدالاناق» منى اوقدر تله سدىردىلركى يازىلارىما، يادداشتلارىما باخمىمىش بىر پارا مطالبى آغىزدان يازىب، چاپا گۇندردىم. چوخ آغىر مطلبلر يى گلەجه يە ساخلاق. هله بو كىتاب اۇن سوز اولاراق اوستو اۇرتولو سۇزلردىر. بوكىتابلاردا بىرىنچى دفعە بو سورغو - سۇاللار جوب وئرلىمىشىدىر:

- ۱- اينسان ايلك دفعە نىچە دىل آچىپ، نىچە دانىشماغا باشلايىدىر؟
- ۲- اينسان ايلك دفعە نىچە دوشونمە گە، فىكىر ائله مە يە باشلامىشىدىر؟
- ۳- اينسان ايلك دفعە بو دىلى نىچە ياراتمىشىدىر؟
- ۴- اينسان ايلك دفعە عدلر نىچە دوشوب تاپمىشىدىر؟
- ۵- نىيە تورك دىلىندە عدد ترتيبلر پوزولمور، آما باشقا دىللردە پوزولور؟
- ۶- نىيە آفرىقا و استراليادا بىر پارا بدوى انسانلار هله دە اوچدن يوخارى سايا بىلمىر؟
- ۷- مىللتلر بو سايماعى نىچە اۇيرنمىشىدىر، عددى نىچە تاپمىشىدىرلار؟
- ۸- منجه عددى بىرىنچى دفعە كىشىلر تاپمىشلار، اونون علتى نە دىر؟
- ۹- انسان نە واخت زمانى، فضانى دوشونوب درك ائله مىشىدىر؟
- ۱۰- انسانلار بو دىللر گرامىنى نىچە دوزلر بىر بو ايلگى قورموشدولار؟
- ۱۱- فىكىر ايله عدلر نىچە باغلى دىر، سسلر نىچە باغلى؟
- ۱۲- فىكىر ايله زمان فضانى نە ارتباطى وار؟
- ۱۳- اينسان نىچە يوخوگۇرور؟ (يوخونون علتى ندىر؟)
- ۱۴- توهم ايله يوخو، اسطوره نىچە بىرىرىنە باغلى دىر؟
- ۱۵- انسان بعضى موقعلر چاشىب خطا ائدر، بوخطالار (گۇرمكده، ائشىدمكده، ايبله مكده ...) علتى ندىر؟ يعنى بوخطالار نىچە اوز وئرەر؟

- ۱۶- سسلر (فونملر) سۇزلر (كلملر يا واژهلر) كلمه جىكلر (تكواژلار) ان كىچىك سۇزلر، سۇزجوكلر، بوتون سۇزلر (جملهلر) دىلدە نىچە يارانمىشىدىر، انسانىن هانسى يوللار بىر بىرىندىن ايسنە دىگىنى سوروشوب سۇال ياراتمىشىدىر؟ سسلر، سۇزلر، جملهلر، هاواسى ملودىسى هاردان يارانمىش دىر؟
- ۱۷- نىيە بعضى دىللر دە استرس سۇزون سونونا بعضى سىندە سۇز واولىنە گلر؟
- ۱۸- نىيە بعضى دىللردە فعل ايله فاعل يئرلى دگىشە نده سولا چنورلىر آما بعضى دىللردە سوال اىچون باشقا شيوهلردن استفاده ائدىرلر؟

- ۱۹- نىيە بعضى دىللردە سوال اولدە گلر بعضى سىندە سوندا؟
- نىيە انگلىس دىلىندە گوز اۇنوندهلى زماندا يعنى حالدا مفردىن اوچونجو شخسى جمع علامتى گۇتورور مىثال اىچون He Comes ضمىرلر صفتلر (ملكى، شخسى، ...) انگلىس دىلىندە نىچە يارانمىشىدىر؟ دىل يا دىلدە اولان سۇزلر قارادادى دىر يوخسا طبعى؟ عالملىر چوخو دئىر قارادادى دىر، اگر قارادادى دىر مىثال اىچون قارار قويوب بونا ال دئىشلر علتىنى دە دئىسنلر؟ دئىسنلركى نىيە بونا ال دئىشلر. بىزجه دىل دوغما دىر طبعى يارانمىشىدىر سونرا قارارلار تركىب لر يارانىب!

بو کیتابدا عرب دیلینده اولان مسکر جمع لر مبالغه آدلار یئنی قایدا قوبولوب، اونون ذهنی تغیرلری گؤسترلیمیش دیر. بو باخیشلا یاخین دیل لرین بیر بیریندن آیریلما سی دا آچیق لاندیمیش دیر. بو کیتابدا دیلچی لیکدن باشقا پسیکولوژی علمینده ده بیر پارا یئنی لیکلر اورتایا چیخمیش دیر، حتی طبیعت علمینده بیر پارا مسائل گؤزه چارییر میثال ایچون هندسی بعدلار زمان - فضا موردینده بحثلر گئدیر. البته بیزیم اوچ نوع زمان فضا بحثیمیز اولسا بیرده ذهنی ادراکی دیر. بیزجه دوردونجو بعد اوچ بعدون (ائن، بوی، اوجالیق) ترسینه ایچرییه دیر. بیزجه زمانین اولی فضانین سونودور؛ یعنی زمانین اولی فضانین سونوندان باشلانیر. بو مسأله انسانین دیلینده چوخ اؤنملی یئر توتور؛ چونکی انسانین قافاسیندا بنله دوشونوب، درک اولور. هر شئین سونو ایتیب، فضانین دا گؤندکیمی گؤرسنمه سین علتی ائله او اولایله.

HISTORICAL IDENTITY OF AZERBAIJAN

Saeed Ahmadzadeh Ardabili

www.damla.persianblog.com

Oh race of Turks, children of iron and fire, founders of a thousand homelands, wearers of a thousand crowns. If the sky above did not collapse and the earth did not give way, oh noble race, who would be able to destroy your nation and institutions...

I-AZERBAIJAN BEFORE THE AZERI TURKS

II-ORIGIN & MIGRATION TO IRAN

III-LANGUAGE

IV-RELIGION

V-CULTURE

I-AZERBAIJAN BEFORE THE AZERI TURKS

Azerbaijan has played a key role in world civilization since the very beginning. Homo habilis was the first hominid to inhabit the region circa 1.1 million years BCE, while by 40.000 BCE homo sapiens sapiens inhabited the region, from this date we also have the Gobustan rock paintings. The first permanent structures were built by 6.000 BCE and by 4.000 BCE bronze using cultures formed on the banks of the Araz and Kura rivers. By 2.300 BCE the area was occupied by the Medes, and later by the Parthians. Not only was Azerbaijan the birthplace of the Yazdani faith (cult of Mithra), and Mazdaism, but is also believed to be the birthplace of Zaratushtra, from whose time the name Azerbaijan originates. Taken from the old Medes Adurbadagan, "land of fire." It was named so because of the fires which would spring forth from the ground because of natural gas leaks. The land was believed to be sacred because of this and became the

centre of the Zoroastrian religion as its holiest place. Azerbaijan lasted until the very end as defender of Zoroastrianism as it was the last region of Iran to fall to become Moslem, and even after that the pirs (fire altars) continued to be tended to, and most even are today!

II-ORIGIN & MIGRATION TO IRAN

Like the Iranian peoples, the Azeri Turks find their original homeland on the steps of central Asia. The Azeri Turks originate from the Oguz tribal confederation, a federation of 24 tribes which inhabited the region between the Caspian and Aral seas. It is strongly argued that they were originally matriarchal due to their ancient religion and way of life in general, nonetheless they were a very egalitarian society. In the 10th century the Karakhani and Ghaznavi became the two most powerful tribes and battled for complete supremacy over the Oguz. In order to escape the bloodshed and oppression of the two powerful tribes, the Ak Koyunlu and Kara Koyunlu tribes, the ancestors of the present day Azeri Turks, under the leadership of Seljuk Khan left the ancestral homeland and founded their own kingdom in Khorasan (present day Afghanistan, Tajikistan, and eastern Uzbekistan). Meanwhile the Ghaznavi defeated the Karakhani and turned their attention towards the Ak Koyunlu and Kara Koyunlu. By this time however it was too late as the two were more powerful and defeated the Ghaznavi to gain supremacy over the Oguz. The Seljuk empire of Khorasan lasted for a hundred years and was dissolved due to arguments of secession. As the two tribes rebuked the authority of the Seljuk dynasty and were fighting among themselves the vassal state of Khorezm (Khiva, in present day Uzbekistan) became more and more powerful as it was the guardian of Khorasan from the open steppe. Soon enough the Khorezmshah overthrew the Seljuks. Only in turn to be overthrown by the Karakitay tribe. From Khorasan the Ak Koyunlu and Kara Koyunlu moved westwards across Iran. In 1018 AD, the warrior prince Chagri Bey reached what is today Azerbaijan. The Ak Koyunlu and Kara Koyunlu settled in the region with very little opposition. Familiar with Persian culture from Khorasan they quickly blended with the native population to create a new Irano-Turkic culture which today is that of the Azeri Turks. With the success of settling Azerbaijan and establishing a capital at Tabriz, further tribesmen left Khorasan to migrate west as they were unable to reestablish their supremacy in Khorasan. They pressed further west and in 1071 defeated the Byzantines at the battle of Malazgirt and ruled over the region. Some left Azerbaijan in the 15th century to settle in the south Iranian province of Fars to become the present day Qashqai. Others later migrated into Afghanistan in order to help defend Iran against eastern invasion and are today known as the Qizilbashi, other members of the tribe joined the Shahsevani in the beginning of the 17th century. The Azeri Turks were further separated geographically in 1828 with the Treaty of Turkmenchay which ceded Azerbaijan north of the Aras river to Russia. Northern Azerbaijan was further divided as Russia severed Daghestan from it.

III-LANGUAGE

Azeri-Turkish is spoken by approximately 7 million people in Azerbaijan as well as in the former USSR, in southern Dagestan, along the Caspian coast, and beyond the Caucasus Mountains. It is spoken in

northern Iran (35 million), and in western Afghanistan(3.5 million) as well. Azerbaijani has a long literary history and was, at one time, promoted as the lingua franca for Turkic speakers in Central Asia. The main religion of the Azerbaijani is Islam, and like other Islamic peoples their language has been influenced to a considerable extent by Arabic, especially in terms of vocabulary, the sound system, and grammar. Azeri-Turkish speakers in Iran are often bilingual or have no knowledge of Azeri-Turkish at all. The Persian influence has also been to a great degree, so much that some have referred to Azeri-Turkish as an Irano-Turkic hybrid. On the other hand the same can be said of Persian as it has an overwhelming Azeri-Turkish influence as well. Azeri-Turkish is a member of the Turkic branch of the Altaic language family. Specifically, it belongs to the Oghuz Seljuk sub-group, along with (Osmanli) Turkish and some dialects of Crimean Tatar. There are eight Azeri-Turkish dialect groups: the Eastern dialect group that includes the dialect spoken in the capital city, Baku; the Western dialect group that includes a dialect called Kazakh; the Central dialect group; the Northern dialect group; and the Southern dialect group. The Eastern dialect is called Karapapak, . Two dialect groups are spoken in Iran: the Northern Iranian group, whose single dialect is spoken in the city of Tabriz, and the Southern dialect group. The Arabic script is used for Azeri-Turkish except in Azerbaijan where a modified latin script is currently in use. Azeri-Turkish is agglutinative, that is, grammatical functions are indicated by adding various suffixes to fixed stems. Separate suffixes on nouns indicate both gender and number, but there is no grammatical gender. There are six nominal cases: nominative, genitive, dative, accusative, locative, and ablative; number is marked by a plural suffix. Verbs have voice, mood, tense, and nonfinite forms and they agree with their subjects in case and number, and, as in nouns, separate identifiable suffixes perform these functions. Subject-Object-Verb word order in Azeri-Turkish is the norm, but other orders are possible under certain discourse situations. As a SOV language where objects precede the verb, Azeri-Turkish has postpositions rather than prepositions, and relative clauses that precede the verb. Azeri-Turkish has nine vowels and twenty three consonants. It also has Turkic vowel harmony in which the vowels of suffixes must harmonize with the vowels of noun and verb stems; thus, for example, if the stem has a round vowel then the vowel of the suffix must be round, and so on.

IV-RELIGION

The ancient Oguz Turks believed that the creator of the universe was a giant blue she-wolf known as Tengri. This mother goddess was envisioned as the blue sky which covers all. There were several myths explaining the creation of man, in one version man was born out of the union of a blue she-wolf and a red elk. In another version Tengri gave birth to a woman, the woman gave birth to fire, then the horse, and thirdly to man. The worship of Tengri was seen as a very personal matter. No temples were built and there was no priesthood. It was up to each individual to commune with Tengri as they saw fit since the mother goddess was everywhere and all knowing. All was sacred to her, man was seen as a part of nature and not above it. The shaman served as a medicine man and an intermediary between man and the forces of nature, but not between man and Tengri. An ancient rite which can even be found today is sujeddin, the

bathing in sacred streams in order to make communion with ancestors. Fire was seen as the element of supreme truth and being, upon the arrival in Azerbaijan this led to a deep respect for the Zoroastrian fire altars and to their preservation even unto this day. It helped the proliferation of the Zoroastrian faith as well. Zoroastrianism is based on the tenets of good thoughts, good words, good deeds. It preaches that life is a struggle between good and evil and that man must do what is right and fight evil in whatever form it is found, since the amount of one's goodness is what man is measured by when he dies. The tolerance of the old religion mixed with the underlying Zoroastrian elements in Azerbaijan to foster the Sufi movement of Shia Islam. It is the Azeri Shah, Ismail Shah Safavi who in 1490 made Shia Islam the official religion of his empire, and thus it became a basis of national identity for Iranian unity, as whether Azeri Turk or Persian, both were united by their common faith. As the cradle of Sufism, Azerbaijan gave birth to the Mevlevi and Bektashi Sufi brotherhoods, the forerunners of all other orders. The basic tenet of Sufism is that love is the key to life and that the problems of humanity are caused by a lack of love. The oneness of all peoples and the desire to commune with God through acts of love are the main goals. The whirling Dervishes of the Mevlevi sect best exemplify Sufism through their whirling dances, the ritual ceremony represents the spiritual ascension of a human being, a mortal's turning to truth, being exalted by love, abandoning the self, losing himself in God, and having reached perfection, his return to a mortal state. The ritual dancer, wearing a tall flat-topped hat symbolising his gravestone and a gown symbolising his shroud is born to spiritual truth by taking off his jacket and then proceeds, and advances spiritually. When the dance begins his arms are crossed in front of him, giving him the appearance of the number 1, thus testifying to the oneness of God. As the dance proceeds his arms are opened, the right one stretched heavenwards as though praying and ready to receive divine favour, and the left one, which he looks at, turned earthwards. This signifies the transmission of the spiritual favour that he gets from God to mankind, who sees through God's eyes. He whirls from right to left round his heart, embracing all people and all creation with love and affection. The ancient Turkic and Zoroastrian influences can clearly be seen in this. Shia Islam itself is a blending of Zoroastrianism and Islam. However nominal this may be, the Azeri Turks are Shia Moslem. The keeping of the olden ways still prevails, the tending of fire altars, the sanctity of such trees as the oak and ironwood, giving children the names of animals so that they might have their characteristics (eg. Arslan, meaning lion for bravery), and the wearing of charms and the folk respect for the sun, moon, and fire are but a few of the remnants of the old faiths in Azerbaijan. Even today, Noruz, the Zoroastrian new year remains the major holiday of Azerbaijan as well as of Iran, Afghanistan, Uzbekistan, Turkmenistan, Tajikistan, Kyrgyzstan, and Kazakstan, showing that old traditions are far from dead.

V-CULTURE

Azerbaijan is heavily Persian in its culture due to the centuries of peaceful coexistence between the Azeri Turks and the Persians in the region. The two peoples frequently intermingled and there is a strong argument by some that the Azeris are even more Persian in race than they are Turkic, by others it has been reversed in that the Persians are more Turkic than Aryan due to the high amount of Azeri Turk blood

among them. The average Iranian, the Tehrani, is by all accounts an Azeri Turk-Persian hybrid! The closeness is such that until the 15th century virtually everyone in the region was bilingual. While the Zoroastrians were persecuted elsewhere they still thrived in Azerbaijan. The Azeri Turks have provided more than their share of great figures in the history of Iran and of the world. The likes of Ghazali contributed to the field of philosophy while in political theory there was Nizam al-Mulk. In the field of science, Gazan Khan built the astronomical observatory in Tabriz during the 12th century. Tabriz served as the capital of Iran from the mid 13th century until the early 16th when it was moved to Esfahan. Tabriz however retained its importance as a crossroads for caravans and a major textile provider. Even today, the rugs and carpets of Tabriz are the most valued in the world. In art the most famous court painter was Ghaffari, who lived during the 15th century. The Shirvanshahi, Ilkhani, Safavi, Afshari, and Qajari royal dynasties were all Azeri. Although each dynasty retained Persian as the court language, Azeri was the language of the military. The military prowess of the Azeris is further exemplified by the fact that during the Mongol invasions of the 14th century the Azeris were the only nation to successfully defeat the armies of Chengiz Khan. Nadir Shah Afshari(1688-1747) is the most famous of the Azeri Shahs, as he reunited the lands Iran lost under the collapse of the Safavi dynasty. Ruling an empire stretching from Turkey to India, Nadir Shah has been dubbed the Asian Napoleon by many historians. Further Azeri dynasties appeared in India, Pakistan, and Afghanistan as the Moghul emperors, descendants of the Qizilbashi warriors sent to the region to defend Iran from an eastern invasion, these warriors asserted their power and perhaps the most famous of them was Jahan Shah, the builder of the Taj Mahal. The Moghul warlords ruled Afghanistan, Pakistan, and northern India up to the arrival of the British in the late 18th century. The political prowess of the Azeri Turks continued well into the 20th century with the republican movements of Mossadeq, Kalali, and Pishvari! The fathers of the Islamic Revolution, Ayatollah Shariatmadari as well as the first president of Iran, Dr. Mehdi Bazargan all hail from an Azeri Turk Background. Among other notable modern Azeri politicians include Ayatollah Motahari, and Ayatollah Khamenei. In literature the contributions are no fewer. Nizami(1141-1209), who wrote the famous love story Leila va Majnun 400 years before Shakespeare and his Romeo and Juliet, Fizuli(1498-1558), Omar Khayami(died 1123), Rumi, Rektashi, Yunus Emre. As were Anvari who introduced science and philosophy into his poetry while Sanai, Attar, Nasir Khusrau, and Khaghani wrote specifically in a style based on Sufism. With the exception of Emre, who wrote in Azeri, all the others wrote in Persian as it was the court language, Nizami wrote in both. Among the greatest prose works written by Azeris are Khalileh o Dimneh, Siyasatnameh, Ghabusnameh, Murznannameh, and Chahar Maghaleh.